



## تیرها

یک فرمانده برای آن طفل  
هراسان به صحنه آمد

### بانقش آفرینی سربازان



بخشی از اقدامات کمترگفته شده  
شهید قاسم سلیمانی شکل دادن به  
گروه‌های مقاومت در فلسطین بود  
که امروز ثمره آن را طوفان الاقصی  
می‌دانند.

## ۳۳

مزایا و معایب کار داوطلبانه  
در نوجوانی

### حاشیه‌های مرگ نخستین نخست‌وزیر



## ۳۴

بهترین تعطیلات زمستانی را  
در طبرس می‌گذرانید

### کشوری چهار فصل در دل ایران

گزینه‌های مسافرت زمستانی در ایران  
اگر بیشتر از بهار و تابستان نباشد،  
کمتر نیست. کافی است فرصت و  
شرایط سفر داشته باشید.

## ۱۶

چرا کتاب «فرجام یک دشمنی»  
اثر مهمی است

### جامع و کامل درباره یک دشمنی دیرینه



## ۳۲

بوکفستی و آخرین رمان  
او «عامه‌پسند»

سرگذشت کارآگاهی بدشانس و  
یک پرونده اسرارآمیز

## ۷

تجربه کپی‌رایت محبوب‌ترین  
چهره کارتونی

### فرهنگ زیر سیبیلی در مواجهه با هنر



## ۳۳



چرا بعد از یک دهه هنوز مخاطبان  
«افسانه جومونگ» را می‌بینند؟! **۳۳**

# این جومونگ ول نکن

# تاریخ

گذری کوتاه بر زندگی سیاسی و مبارزاتی شهید نواب صفوی

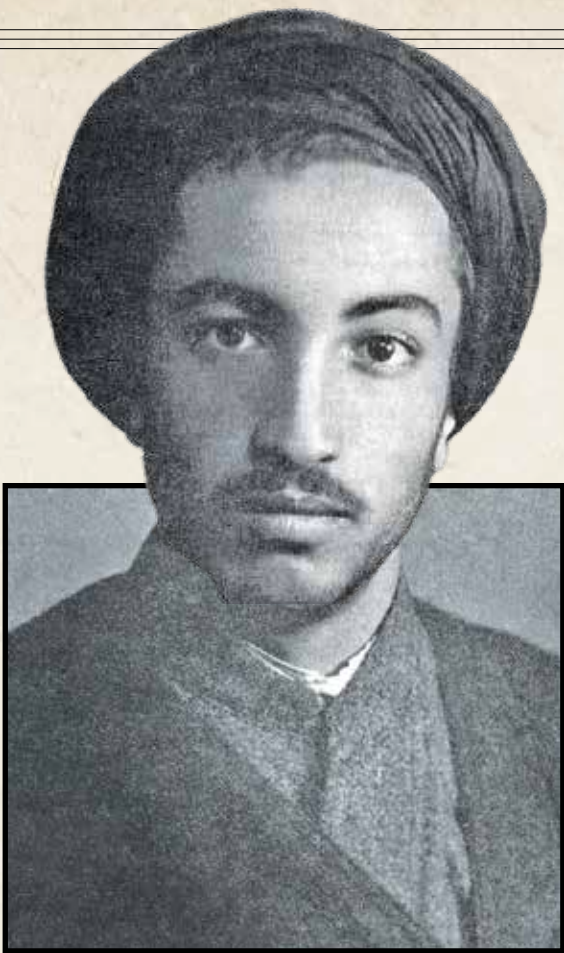
## انقلابی دوآتشه

نقیسه زارعی  
نویسنده

بچه خانی آباد بود و خوب زیر و بم محله های فقیرنشین را می دانست، سید مجتبی میرلوحی، فرزند سید جواد در سال ۱۳۰۳ در خانواده های متدین به دنیا آمد، او بعد از درگذشت پدرش سید جواد، زیر نظر عمویش بزرگ شد، زمانی که سید مجتبی در مسیر مبارزه افتاد کمتر کسی او را با نام خانوادگی میرلوحی می شناخت، او بعد ها آقا نواب بچه های فداییان اسلام شد و همه او را به نام خانوادگی طایفه مادریش صدا می زدند.



فداییان اسلام تشکیلات جوان و سرپایی بود، آنها ضوابط دفتری نداشتند، اعضا بخوبی می دانستند که بیشتر کارها و مأموریت ها احتیاج به فداکاری زیاد داشت و اگر لومی رفت منجر به خطرات جدی می شد اصلاً برای همین بود که افراد باید توسط فردی مطمئن معرفی می شدند و بعد از عضویت هم دیگر را برادر صدا می زدند



با نیت نهی از منکر به سراغ کسروی رفت، نقشه زدن کسروی دقیق بود با این حال وقتی نواب به اوشلیک کرد زخمی شد و نواب را دستگیر کردند، او البته تحت فشار افکار عمومی و مراجع که اجازه زدن کسروی را داده بودند آزاد شد و چندی بعد فداییان توانستند کسروی را به سزای اعمالش برسانند.

بعد از ترور کسروی اعدام انقلابی دیگری در دستور کار قرار گرفت، رزم آرا نخست وزیر وقت پهلوی ها در اسفند ۱۳۲۹ به دست خلیل طهماسبی عضو فداییان اسلام در مسجد شاه تهران

### با اجازه مراجع

بای منافع ملی و دین که وسط می آمد سید مجتبی نواب صفوی از حق و عدالت کوتاه نمی آمد، سیاست های ضد دین شاه در دهه ۲۰ و بعد از اشغال ایران توسط متفقین نوعی تفکر ناسیونالیسم افراطی را ترویج داد، سید احمد کسروی از آن دست از افرادی است که هر چند در خانواده مذهبی به دنیا آمده بود اما به انتقاد و طعن علیه شیعه پرداخت، شهید مهدی عراقی در ناگفته ها در خصوص اعدام انقلابی او توسط اعضای فداییان می گوید نواب بارها

همدیگر را برادر صدا می زدند، گروه فداییان در کاشان و قسمت های دیگر کشور شعبه داشت البته نواب وقتی از عراق به ایران آمد در خوزستان چند روزی اقامت کرد و همان مدت کم با سخنرانی های طوفانی باعث شکل گیری شعبه دیگری از تشکیلات در خوزستان شد، بچه های فداییان آنقدر تابع تشکیلات بودند که وقتی نواب به تهران آمد آنها هم در جلسات حاضر می شدند و به عنوان رابط پیام ها را به اعضای استان ها می رساندند.

### سید قبراق ورزیده

نواب وقتی به ایران بازگشت مشی مبارزاتی خود را بر اساس امر به معروف و نهی از منکر گذاشت. بر خلاف تصور خیلی ها که گمان می کنند سید جوان، زود جوش بوده و بی دلیل دست به اسلحه می برده او دقیقاً با منطق اسلام با مخالفانی که عمدتاً عضو شبکه منحوس بهاییت یا وابسته به اجنبی بودند برخورد می کرد، منطقی که ابتدایش به اسلحه ختم نمی شد. مسجد برای او بهترین پایگاه اجتماعی بود، او با نفوذ کلام و منطق گفتار جوان ها را به خودش جذب می کرد، جوان هایی مثل مرحوم هاشم امانی و شهید مهدی عراقی او را سید جوان قبراق و ورزیده ای که در مسجد شاه سخنرانی می کرد دیدند و با سید همراه شدند، فداییان اسلام در سال های ۱۳۲۵ تا ۱۳۲۸ پرچمدار مبارزه با حرکت های ضد دین بود.

### یک تشکیلات جوان پسند

فداییان اسلام تشکیلات جوان و سرپایی بود، آنها ضوابط دفتری نداشتند، اعضا بخوبی می دانستند که بیشتر کارها و مأموریت ها احتیاج به فداکاری زیاد داشت و اگر لومی رفت منجر به خطرات جدی می شد اصلاً برای همین بود که افراد باید توسط فردی مطمئن معرفی می شدند و بعد از عضویت

### اولین اعتراض

نواب پس از دوران تحصیل وارد شرکت نفت شد و به آبادان رفت، همان روزها بود که اولین برخورد انقلابی نواب برایش در درس ساز شد، یکی از متخصص های انگلیسی شرکت نفت با یکی از کارگران درگیر شد و نواب کارگران را به اعتراض و اجرای قصاص دعوت کرد و او پیشتر درس علوم دینی خوانده بود بخوبی می دانست سکوت در این مواقع موجب ظلم ظالم می شود، تظاهرات آن روز توسط عناصر رژیم سرکوب شد و نواب شبانه با قایق از آبادان به بصره و سپس به نجف هجرت کرد.

### نجف: خانه پدری

نجف برای نواب حکم پنجره تازه ای را داشت که به سمت عدالت گشوده می شد. او از همان روزهای نخست، با علامه امینی که در یکی از حجره های فوقانی مدرسه علمیه قوام، کتابخانه ای تأسیس کرده و مشغول تألیف الغدیر بود، رفاقت کرد. چهار سال اقامت او در نجف و زیر سایه حرم امن امیرالمؤمنین باعث پختگی علمی اش شد و به دستور آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی برای مبارزه با کج روی ها و کج اندیشی ها به ایران برگشت. تشکیل جمعیت فداییان اسلام دستاورد همان سال هاست.



شهبان سید مجتبی نواب صفوی و سید محمد واحدی در کنار تیمور بختیار و اسکندر آزموده در آغازین لحظات دستگیری در فرمانداری نظامی تهران



نمایی از دادگاه دوم رهبر و اعضای جمعیت فداییان اسلام



۱۳۲۷. شهید سید مجتبی نواب صفوی در کنار آیت الله سید ابوالقاسم کاشانی و اصحاب وی

شخصیت نواب صفوی یک انقلابی دو آتشفشان است. او در تمام سال‌های کوتاه حیاتش به واسطه عقایدی که برخی آن را رادیکال می‌خواندند مورد تهمت و افترا قرار گرفت حتی حالا هم برخی‌ها همان حرف‌های مخالفان نواب را تکرار می‌کنند، برای نواب اسلام و وطن مهم بود، او اهل مماشات نبود



شهید سید مجتبی نواب صفوی در بازگشت از سفر به مصر در فرودگاه مهرآباد تهران



همین ۱۳۳۱. شهید سیدمجتبی نواب صفوی در جمع یاران و علاقه‌مندان پس از آزادی دکتر مصدق از زندان



هدف گلوله قرار گرفت. رزم آرا قصد داشت قرارداد الحاقی نفت معروف به کس گلشاییان را با انگلیس‌ها ببندد و منافع ملت را مفت به اجنبی بدهد، همان سال‌ها و البته بعد از آن شنیده می‌شد در این ترورها از آقای کاشانی اجازه گرفته‌اند.

### تقلب رمز پیروزی

انتخابات شانزدهمین مجلس شورای ملی برای فداییان مثل گروه‌های ملی و مذهبی مهم و تعیین‌کننده بود. دربار می‌خواست در نتیجه انتخابات دست برد برای همین بچه‌های فداییان محافظت صندوق‌ها را به عهده گرفتند، شمارش اولیه آرا نشان می‌داد کاشانی، مصدق و ملیون به نمایندگی انتخاب شده‌اند، هژیر و عوامل دربار چاره‌تغییر را در تقلب دیدند و با برگزاری مراسم صوری روضه محرم صندوق‌ها را دزدیدند. همان موقع بود که سید مجتبی نواب صفوی برای آنکه حق مردم را بگیرد وارد میدان شد، ترور هژیر که باعث و بانی تقلب بود این بار در صحن مسجد سپهسالار اتفاق افتاد.

### مصدق یا کاشانی؟!

تاریخ معاصر شبیه یک دالان تو درتوی مبهم است، شخصیت نواب صفوی یک انقلابی دو آتشفشان است. او در تمام سال‌های کوتاه حیاتش به واسطه عقایدی که برخی آن را رادیکال

می‌خواندند مورد تهمت و افترا قرار گرفت حتی حالا هم برخی‌ها همان حرف‌های مخالفان نواب را تکرار می‌کنند، برای نواب اسلام و وطن مهم بود، او اهل مماشات نبود شاید به همین علت است که در میانه راه از مصدق می‌برد و با کاشانی به اختلاف



شهید سید مجتبی نواب صفوی پس از خلع لباس در حال انتقال به سلول انفرادی



شهیدان سیدمجتبی نواب صفوی، خلیل طهماسبی و سید محمد واحدی در حال انتقال به سلول انفرادی

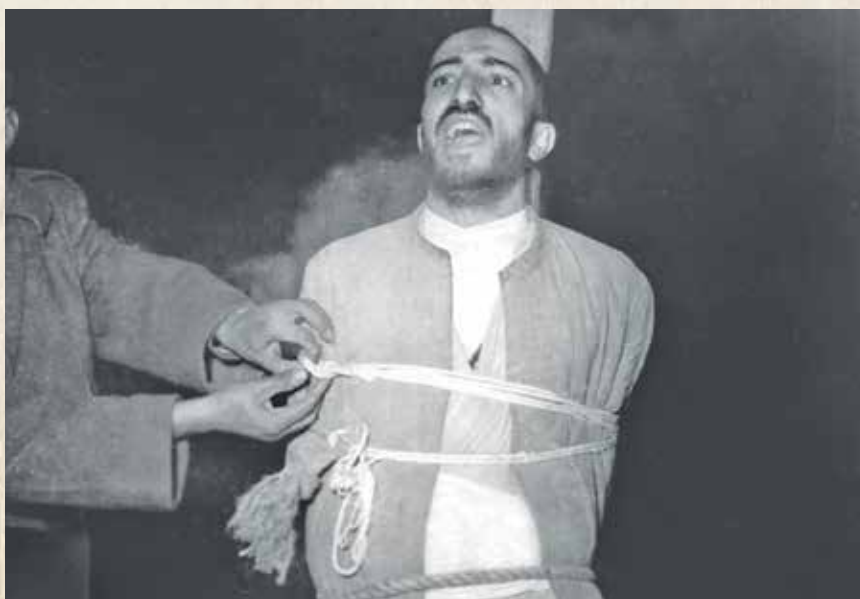
### این بخت نامراد

می‌خورد. نمی‌توان به قطعیت گفت او با آیت‌الله کاشانی تمام و کمال همکاری می‌کرد، آیت‌الله کاشانی در برخی از حوزه‌ها دست به عصا تر از نواب حرکت می‌کرد و همین باعث اختلاف نظر آنها با هم می‌شد. ملی‌گراها نیز با افراط در عقاید خودشان کم‌کم مذهب را کنار زدند و نواب با آنها هم مخالف شد. نقش نواب در ملی شدن صنعت نفت اگر پیشتر از مصدق نباشد کمتر نیست، نقشی که عده‌ای آن را منحصر به ملی‌گراها می‌دانند و نقش جاودانه شهید نواب صفوی و یارانش در جمعیت فداییان اسلام نادیده گرفته می‌شود.

گرفت اما شخصیت او و تأثیرات رهبر نواب چنان بود که سال‌ها بعد از پیروزی نهضت امام خمینی (ره)، رهبر انقلاب درباره او چنین فرمودند: این‌که چه شخصیت‌هایی روی من اثر گذاشته‌اند، باید بگویم اشخاص زیادی بودند. آن کسی که در دوره جوانی من خیلی روی من اثر گذاشت، در درجه اول، مرحوم «نواب صفوی» بود. آن زمانی که ایشان به مشهد آمد، حدوداً ۱۵ سالم بود. من به شدت تحت تأثیر شخصیت او قرار گرفتم و بعد هم که از مشهد رفت، به فاصله چند ماه بعد، با وضع خیلی بدی شهیدش کردند. این هم تأثیر او را در ما بیشتر عمیق کرد.



اختلاف نواب با مصدق به خاطر عمل نکردن به احکام اسلامی باعث شد در زمان نخست وزیر وقت که باعث و بانی تکیه زدند بر آن جایگاه بچه‌های فداییان بودند، دستگیر شود و به زندان بیفتد



۲۷ دی ماه ۱۳۳۴. شهید سیدمجتبی نواب صفوی لحظاتی پیش از شهادت و در حال بسته شدن به چوبه اعدام

# حاشیه‌های مرگ نخستین نخست وزیر

محمد مهدی اسلامی  
نویسنده و پژوهشگر



۱۵ بهمن ۱۳۵۷. سالن آمفی تئاتر مدرسه علوی، مهندس مهدی بازرگان در مراسم معرفی خویش به عنوان نخست وزیر دولت موقت از سوی امام خمینی

نهضت آزادی که روزگاری آن قدر مورد اعتماد امام قرار گرفت که نخستین نخست وزیر پس از انقلاب اسلامی، دبیرکل آن بود و حتی پس از همه اختلاف سلیق و مواضع ناهمگون با انقلاب نوپا، همچنان پس از استعفا به دلیل تسخیر لانه جاسوسی رانده نشد؛ تا آنجا که در میان گزینه‌های رأی امام در مجلس اول بازرگان، سحابی‌های پدر و پسر، معین فرو... جای گرفته بودند؛ به دلیل رفتار ناشایست در دوره دفاع مقدس و تزریق یأس و ناامیدی به ملت که مکمل جنگ صدام بود. از چشم امام تا آنجا افتادند که فعالیت آنها غیرقانونی اعلام شد. انگار مهندس بازرگانی که روزگاری به احتیاط شهره بود، در روزهای آخر عمر پیرانه یاد از جوانی کرده بود. از این رو این روند، پس از ارتحال امام نیز ادامه یافت؛ ۱۲ خردادماه ۱۳۶۸، چشم مردم نگران حال امام خمینی بود. جدی بودن بیماری امام تازه به افکار عمومی رسیده بود و در کنار اضطراب ناشی از عشق عمیق امت به امام، مجموعه‌ای از عوامل گوناگون همچون عزل قائم مقام رهبری که دو ماه قبل از آن رخ داده و پس لرزه‌هایش باقی مانده بود، بقای تنش‌های مرزی با عراق پس از آتش بس و وجود احتمال حمله مجددی مشابه آنچه در مردادماه ۱۳۶۷ و پس از قبول قطعنامه رخ داده بود، نگرانی مردم از افزایش تنش‌های سیاسی میان مسئولان مثل آنچه در صحن علنی مجلس دیده می‌شد و... موجهی از نگرانی جدی برای آینده انقلاب اسلامی و کشور را پدید آورده بود. در چنین فضای اضطراب‌آلودی، نهضت آزادی با انتشار بیانیه‌ای به مخالفت با دستور امام برای بازنگری در قانون اساسی پرداخت با اشاره به اینکه «اصل ۵۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی اجازه می‌دهد که در مسائل بسیار مهم مملکتی و به شرط تصویب دو سوم آرا مجموع نمایندگان مجلس مراجعه به آراء عمومی بشود» مدعی شد چنین استجازه‌ای از مجلس به عمل نیامده است و از این رو مأموریت امام خمینی به شورای بازنگری قانون اساسی را خلاف قانون و فاقد اعتبار دانست.

کاملاً آشکار بود و فضای نقد و شور و انتخاباتی برای انتخابات میان‌دوره‌ای مجلس بر فضای سیاسی کشور حکمفرما بود. پاشیدن بذر یأس و ناامیدی و پمپاژ موج منفی از سوی نهضت آزادی به همین نقطه منتهی نشد. اعضای این تشکل به همراه دیگر چهره‌های همسو با آن در ۲۶ اردیبهشت ۱۳۶۹ نامه‌ای تفصیلی در چهار بند «اقتصادی و اجتماعی و زندگی»، «آزادی و بقا و بازنگری معنوی و مدیریت»، «استقلال و بقا و بازنگری کشور» و «روابط جهانی و سیاست خارجی» منتشر کردند که اوضاع کشور را به چالش و نقد کشیده بود.

## تأثیر کلیدی مرگ بازرگان

سال ۱۳۷۳ برای نهضت آزادی سالی تعیین کننده بود؛ زیرا بیماری مهندس بازرگان موجب نگرانی این تشکل درباره آینده آن شده بود. مهندس بازرگان در عصر روز ۱۴ آذر ماه به علت عارضه ناشی از نارسایی قلب در بخش اورژانس بیمارستان دی بستری شد و ۳ روز بعد دفتر بازرگان با صدور اطلاعیه‌ای اعلام کرد «به اطلاع دوستانه‌ای که جویای حال جناب آقای مهندس بازرگان هستند، می‌رساند که ایشان برای انجام پاره‌ای آزمایش‌ها و معاینات، چند روزی در بیمارستان بستری شده‌اند و به شکر خداوند، با دریافت نتایج آزمایش‌ها نگرانی رفع شده و قرار است که به زودی از بیمارستان مرخص شوند.» مهندس بازرگان خود نیز طی اطلاعیه‌ای در روزنامه اطلاعات مورخ ۲۸ آذر مراتب تشکر خود را از پزشکان و کارکنان بیمارستان دی و عبادت‌کنندگان و علاقه‌مندان اعلام کرد. اما خیلی زود شرایط بازرگان به مرحله‌ای رسید که نیازمند اعزام به خارج کشور شد. هاشمی رفسنجانی در خاطرات روزانه خود ذیل تاریخ ۷ دی ۱۳۷۳ نوشته است: «در باره درخواست مهندس [مهدی] بازرگان، برای معالجه در خارج از کشور که از ما هم کمک خواسته، صحبت شد؛ قرار شد کمک کنیم.» سرانجام او به توصیه پزشکان برای انجام

نهضت آزادی ۲۴ موضع‌گیری رسمی منتشر کرد، بیانیه‌هایی که علیه انتخابات، علیه رهبر منتخب نمایندگان مردم در مجلس خبرگان رهبری، علیه رئیس جمهور منتخب مردم، علیه همه‌پرسی بالغ بر ۹۷ درصدی مردم، علیه ۳ رسانه از جناح‌های مختلف، علیه دستگاه قضا و... بود. همچنین در مهرماه این سال دهمین کنگره خویش را برگزار نمود و برای آن قطعنامه رسمی صادر کرد که سران آن (مهندس بازرگان، دکتر یزدی و مهندس توسلی) با «رینالدو گالیندوبیل» نماینده کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد ملاقات کرده و محدودیت‌های قانونی برای فعالیت‌های براندازانه نهضت آزادی ایران را به عنوان نقض حقوق بشر در ایران گزارش کرده و رسماً این اقدام خود را اعلام کرد و به سم‌پاشی علیه اقدامات دیپلماتیک ایران پیرامون آتش بس پرداخت.

قطعنامه دهمین کنگره نهضت آزادی ایران که سه ماه بعد در دی‌ماه منتشر شد؛ مملو از سیاه‌نمایی و اتهامات گوناگون به حاکمیت بود. این قطعنامه مدعی بود «ملت و مملکت ایران در حال حاضر دشوارترین، نگرانی‌آورترین و تاریک‌ترین روزهای تاریخ خود را می‌گذراند.» آن هم در شرایطی که در سال ۶۸ شکست نظامی صدام در تعرض به خاک میهن قطعی شده و شکست دیپلماتیک‌اش در حال تحقق بود، آثار فروپاشی ابرقدرت بلوک شرق - که طی قرون اخیر همواره در شمال کشور یک دشمن قوی محسوب می‌شد و از حامیان اصلی صدام بود - عیان گشته و با ارتحال امام خمینی (ره)، نه تنها پیش‌بینی‌های دشمنان در خصوص اضمحلال قدرت انقلاب اسلامی محقق نگشته بود، بلکه با انسجامی چشمگیر در فضای سیاسی، سازندگی در داخل کشور با شدت آغاز و قدرت منطقه‌ای ایران در نقش قاطع ولی فقیه جدید در پایان دادن منازعات داخلی لبنان که اوایل همان ماه رخ داده بود، آشکارا مشخص شده بود. مؤلفه‌های امید به آینده در زندگی مردم

آزادی برای چندمین بار در فاصله‌ای کوتاه از ارتحال امام خمینی (ره) بیانیه‌ای صادر کرد و با القای وجود تقلب در انتخابات، مدعی شد باز هم میزان مشارکت مردم و استقبالی که از انتخابات ریاست جمهوری و همه‌پرسی تغییرات قانون اساسی به عمل آمده است، در مقایسه با دفعات گذشته تأییدکننده هیأت حاکمه نمی‌باشد و انتخابات را بدون رقیب تلقی کرد.

## نادیده‌گرفتن حضور عضو سابق

ادعای فقدان رقیب برای هاشمی رفسنجانی در انتخابات ۱۳۶۸ در حالی است که رقیب هاشمی رفسنجانی در این انتخابات دکتر عباس شیبانی بود. وی از اعضای مؤسس نهضت آزادی بود که اگرچه بعدها راه خود را از آنها جدا کرد و منتقد انحصارطلبی مهندس بازرگان شد؛ ولی حضور او در این انتخابات می‌توانست مورد توجه کسانی قرار گیرد که قصد نفی نامزد اصلی را داشتند. شیبانی رقابتی واقعی با نامزد اصلی را در دستور قرار داده بود. جدیت او در رقابت به حدی بود که به رغم رایج نبودن نده‌های دهه‌های بعد در رقابت‌های آن دوره، به صورت ضمنی به نقد رقیب پرداخته و گفته بود: «بنده ستاد تبلیغاتی به سبک آمریکایی ندارم و از چاپ پوستر و نظایر آن خودداری کرده‌ام [...] مسأله ریاست جمهوری احتیاج به تبلیغات شدید هم ندارد بلکه مسأله این است که رئیس جمهور باید از کسانی باشد که افراد او را بشناسند.»

با این حال هاشمی رفسنجانی ۹۴/۵۱ درصد کل آرا را اخذ کرده و به خود اختصاص داد که رقمی فراتر از انتظار منتقدین بود. این رأی گسترده بیانگر اعتماد مردم به روند تغییرات سیاسی سال ۱۳۶۸ و یکی از آخرین تدابیر بنیانگذار فقید انقلاب اسلامی بود که با عزل منتظری کلید خورد. موضوعی که به نظر می‌رسد یکی از ریشه‌های اقدامات این مقطع نهضت آزادی را شامل می‌شود.

از ۱۲ خرداد سال ۱۳۶۸ تا پایان آن سال،



برخی از اعضای جریان نهضت آزادی در زمستان ۱۳۵۹

## ارتحال امام خمینی (ره)

ارتباط جمعی تنها یک نظر و تشخیص بتواند در جامعه مطرح گردد. با چنین مقدمه‌ای و طرح سؤال‌هایی همچون «چگونه می‌توان انتظار استقبال عمومی از انتخابات را داشت؟» و «چه تضمین و اطمینانی وجود دارد که انتخابات با امانت و مطابق قانون انجام گرفته امکان نظارتی برای ملت و مخالفین وجود داشته باشد؟» یکی از حساس‌ترین انتخابات کشور که حائز شرایطی همچون تمرکز جهان برای بررسی میزان مشارکت عمومی در انتخابات پس از ارتحال امام برای جمع‌بندی چگونگی مواجهه با آن و نیز تعیین سرنوشت آتش بس بود را تحریم و صریحاً اعلام کرد در آن شرکت نمی‌کند. نهضت آزادی در فاصله‌ای کوتاه ۴ بیانیه صادر کرد اما در عزم راسخ مردم اثری نداشت و اهمیتی پیدا نکرد. همه‌پرسی بازنگری قانون اساسی همزمان با انتخابات ریاست جمهوری در ۶ مرداد ۱۳۶۸ با مشارکت پرشور مردم برگزار شد و ۹۷/۳۸ درصد از آراء، آری به تغییرات پیشنهادی هیأت بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بود. با چنین جواب محکمی از سوی مردم، انتظار می‌رفت نهضت آزادی بر مواضع گذشته خود پافشاری نکند. اما نهضت

فردای این بیانیه، بنیانگذار کبیر انقلاب اسلامی، به ملکوت اعلی پیوست. نهضت آزادی در فردای اعلام رسمی این خبر با صدور اطلاعیه‌ای کوتاه اما مملو از تلویح و کنایه، «رحلت رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران» را بدون استفاده از واژه امام، که در آن روزگار معنادار بود، تسلیت گفت؛ اقدامی که با توجه به احساسات برانگیخته عمومی، دور از انتظار می‌نمود.

سه هفته پس از ارتحال امام خمینی (ره)، در شرایطی که هنوز احساسات مردم از این ضایعه دردناک جریحه دار بود، نهضت آزادی با صدور اطلاعیه‌ای با چشم‌پوشیدن بر این واقعیت که حتی پیشنهاد ریاست شورای بازنگری قانون اساسی از سوی امام خمینی (ره) به آیت الله منتظری داده شده بود و عزل وی، حاصل اقدامات براندازانه در سایه او بوده است؛ مدعی شد «حاکمیت، به ویژه با اطلاعیه‌ای که احتمالاً از شدت بیماری رهبر انقلاب داشته‌اند، با برنامه‌ریزی قبلی تمامی صاحبان بینش‌های دیگر، حتی قائم مقام رهبری، را حذف و بی‌اثر کرده‌اند تا از این طریق و به مدد مؤثر تمامی وسایل



عمل جراحی قلب در مرکز پزشکی مایو، ساعت ۶ صبح روز جمعه ۳۰ دی ماه تهران را به مقصد آمریکا از طریق سوئیس ترک کرد اما در میانه راه، دچار عارضه مجدد قلبی شد. هاشمی رفسنجانی در خاطرات ۳۰ دی ۱۳۷۳ خود نوشته است: «آقای [محمود] واعظی، [معاون اروپا و امریکای وزارت امور خارجه]، اطلاع داد که مهندس [مهدی] بازرگان در زوریخ [سوئیس]، هنگام سوار شدن به هواپیما برای سفر به آمریکا جهت معالجه، در پله‌های هواپیما سگته و فوت کرده و بناست جنازه‌اش را به خواست خانواده‌اش، با اولین هواپیما به ایران بیاورند.» روز اول بهمن ماه خبر درگذشت او به عنوان اولین نخست‌وزیر انقلاب اسلامی در رسانه‌ها منتشر شد و بازتاب قابل توجهی داشت و مسئولان نظام برای تکریم او از هیچ کوششی دریغ نوزیدند، تا آنجا که نهضت آزادی در اطلاعیه‌ای بدان اذعان داشت که «باید یادآور شویم که در انتقال پیکر به تهران و تشییع آن و نیز برگزاری مجالس ختم نه تنها از سوی دولت و مسئولان ممانعتی به عمل نیامد بلکه بعضی از مقامات و مسئولان به طور مستقیم و غیرمستقیم ولی عمدتاً به صورت محدود و حساب‌شده از شخصیت مهندس بازرگان تجلیل کردند. پیام تسلیت مقام رهبری به آقای دکتر سحابی، پیام ریاست جمهوری به آقای مهندس عبدالعلی بازرگان، پیام‌های تسلیت آیت‌الله سیدمحمد شیرازی، آیت‌الله حائری و آیت‌الله منتظری و حضور تعدادی از روحانیون در مراسم ختم در قم و تهران نیز جلوه‌ای دیگر از بزرگداشت شخصیت مهندس بازرگان بود.»

مبارزاتی وی تأکید شده و آمده بود: «ایشان یکی از مبارزان دیرین با رژیم ستمشاهی و نیز از جمله پیشروان ترویج و تبیین اندیشه‌های ناب اسلامی با زبان و منطق و شیوه نوین بود و از این رهگذر بی‌شک در چشم همه علاقه‌مندان به گسترش و رواج ایمان اسلامی در میان طبقات تحصیلکرده در دوران خفقان و دین‌زدایی رژیم پهلوی، دارای شأن و ارزش بخصوصی بود. خداوند ایشان را مشمول رحمت و مغفرت و فضل خود قرار دهد و به تلاش‌های ایشان با چشم‌پوشی و قبول بنگرد.»

در کنار شخصیت‌های داخلی، برخی چهره‌های بین‌المللی همچون نجم‌الدین اربکان، دبیرکل حزب اسلامی رفاه ترکیه، راشد الغنوشی رهبر جنبش اسلامی تونس، دکتر محمد حامد ابونصر مرشد جماعت اخوان المسلمین مصر، دکتر عبدالله حسن الترابی دبیرکل کنفرانس مردمی عربی-اسلامی سودان و... نیز پیام تسلیت‌هایی صادر کردند. مجلس ترحیم بازرگان در حسینیه ارشاد، با سخنرانی یدالله سحابی و عبدالکریم سروش و مراسم هفت‌اورد آرمگاه بیات قم با سخنرانی مهندس توسلی برگزار شد. فعالیت نکردن ابراهیم یزدی در مراسم بزرگداشت وی را به شیوه‌های مختلف تفسیر کرده‌اند، اما سخنرانی وی در دومین مراسم سالگرد بازرگان نشان می‌دهد این سکوت به هر دلیلی بوده است، رفسنجانی ذیل خاطره روز جمعه ۵ بهمن ۱۳۷۵ نوشته است: «آقای [علی محمد] بشارتی، وزیر کشور، تلفنی گفت، در جلسه بزرگداشت سالگرد [مهندس مهدی] بازرگان، دکتر [ابراهیم] یزدی، [دبیرکل نهضت آزادی]، برضد ولایت فقیه حرف زده و جمعی از حزب‌اللهی‌ها که حضور داشتند، جلسه را به هم زده‌اند و بازداشت شده و تحویل دژبان شده‌اند.» اگرچه دکتر یدالله سحابی نفر دوم نهضت آزادی

بی تردید یکی از مؤثرترین اقدامات انقلاب بزرگداشت وی، پیام تسلیت رهبر معظم انقلاب اسلامی بود که با وجود همه بی‌مهری‌های گذشته در اقدامات معنادار، خطاب به دکتر یدالله سحابی صادر شده بود. در این پیام بر کارنامه



به حساب می‌آمد و از مؤسسان آن بود؛ اما دو هفته پس از درگذشت بازرگان و در جلسه ۱۳ بهمن این حزب، ابراهیم یزدی - چهره فعال‌تر و دارای سابقه وزارت خارجه این گروه - به عنوان دبیرکل انتخاب شد.

ابراهیم یزدی دقیقاً یک هفته پس از دبیرکلی در مصاحبه با روزنامه کریستین ساینس مانیتور به دولت حمله کرد و گفت: «نهضت آزادی ایران، از همه طرف تحت فشار دولت قرار دارد. [کمسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد و سایر سازمان‌های بین‌المللی حقوق بشر، شواهدی را جمع‌آوری و منتشر کرده‌اند که حاکی از نقض جدی حقوق بشر در ایران است.»

علاوه بر رسانه‌های غربی و به ویژه امریکایی که به بهانه‌های مختلف، ناراضی خود را از محدودسازی این گروه لیبرال و غربگرا بازتاب می‌دادند، دولت آمریکا نیز در قانون داماتو برای تحریم ایران، رسماً یکی از علل تشدید فشار بر دولت و ملت ایران را وضعیت نهضت آزادی اعلام کرد. مهندس سحابی گفته که در فروردین ۷۴ در جلسه‌ای «حرفی را مطرح نمودم که دکتر یزدی نیز آن را تأیید کرد. در آن زمان طرحی در سنای آمریکا تصویب شده بود مبنی بر تحریم ایران... [داماتو] که در مقدمه طرحش یادآور شده بود در ایران حقوق بشر زیر پا نهاده می‌شود و شواهد آن رایجی موضوع بهائیان و دیگری نهضت آزادی، بیان کرده بود.»

**تغییر رویکرد انتخاباتی**

در زمستان سال ۱۳۷۴ دکتر یزدی جانشین مهندس بازرگان و دبیرکل گروه کوچک و نیمه‌جان نهضت آزادی به همراه چند تن دیگر، برای انتخابات پنجمین دوره مجلس ثبت نام کردند که صلاحیت آنها تأیید نشد. ولی با ظهور نشانه‌های تغییرات سیاسی پیش‌رو، از جمله ظهور حزب کارگزاران سازندگی که تمایلات و سوگیری‌های بازرگرا را داشت و به برخی مواضع نهضت آزادی نزدیک بود، به گفته یزدی: «از این تاریخ، نهضت وارد دوران تازه‌ای شد.» دکتر یزدی در بهمن ۷۴ از تولد این جریان استقبال کرد و گفت: «[کارگزاران سازندگی] از افراد متفکر و تحصیلکرده‌ای تشکیل شده است که به بحث و تبادل نظر آزاد در مورد مسائل داخلی و بین‌المللی عقیده دارد و هوادار سیستم سرمایه‌داری صنعتی است.» نشریه بهمن سخنگوی این جریان به مدیرمسئولی عطاءالله مهاجرانی معاون رئیس‌جمهور، به تجلیل از رهبران نهضت آزادی می‌پرداخت و برخی صفحات خود را به انعکاس نظرات نهضتی‌ها نیز اختصاص می‌داد که روابط پنهان مهاجرانی و برخی دیگر از مقامات دولت آقای هاشمی با نهضت آزادی، در حال بیرون زدن از پشت پرده بود. در اولین بیانیه «جمعی از کارگزاران سازندگی» مورخ ۱۳۷۴/۱۰/۲۷ که مانیفست آن حزب محسوب می‌شد، با تأکید بر اینکه: «هاشمی و مجلس، دو کلمه مترادفند»، پیش‌بینی شده بود که در مجلس پنجم، نیروهای «تحت‌امر» سردار سازندگی و توسعه یعنی آقای هاشمی، حضور خواهند داشت.

با وجود بهبود زیرپوستی و روبه‌ترازید روابط نهضت آزادی تحت رهبری دکتر یزدی، با جناح اصلی دولت آقای هاشمی و تداوم آن طی سال‌ها، دکتر یزدی بعدها در همسویی با حملات جبهه اصلاحات علیه رئیس‌جمهور سازندگی، چند بار ارزیابی منفی خود از دولت مزبور را تکرار کرد و از جمله در آبان ۷۷ که تأکید کرد: «رفسنجانی زیربنای سیاسی حکومت را توسعه نداد و نظام سیاسی بسته را تداوم بخشید.» مع الوصف، دکتر یزدی چند بار اشاره کرده که مبدأ تجدید تحرک سیاسی نهضت آزادی پس از دهه شصت، انتخابات مجلس پنجم در دولت آقای هاشمی بود. از جمله این که وی گفته است: «ما در انتخابات دوره‌های قبل گفته بودیم که شرکت نمی‌کنیم و دلایل مان را هم گفته بودیم



که اگر آزادی‌ها قانونی نباشد، شرکت نمی‌کنیم ولی در انتخابات مجلس پنجم و بعد در ریاست جمهوری [هفتم] و بعد در انتخابات شورای شهر به شدت با تمام نیرو شرکت کردیم.» البته دکتر یزدی تأکید داشت که ریشه تغییر راهبرد نهضت آزادی را به زمان حیات مهندس بازرگان نسبت بدهد: «نهضت آزادی... در سال ۱۳۷۲ تصمیم گرفت با تمام توان وارد مبارزات انتخاباتی مجلس پنجم شود... این، یک سیاستی نبود که در زمان مرحوم مهندس بازرگان نباشد و بعد به وجود آمده باشد.»

**تداوم روند میرایی**

با این وصف، می‌توان گفت نهضت آزادی در دوره پس از بازرگان رنگ و بوی متفاوتی یافت، اما تأثیر زیادی در روند میرایی آن نداشت. تا جایی که دیری نپایید که مواضع آن در جامعه ایران هیچ دنبال‌کننده جدی نداشت. وقتی دوره ابراهیم یزدی نیز با مرگ وی پایان یافت، یک خبرگزاری چنین برآیندی ارائه داد: «نسل سیاستمداران نهضت آزادی، پیش از ۴۰ سالگی انقلاب، روبه زوال و فراموشی است. سالخورده‌گان نهضت آزادی که هرگز نتوانستند بدنه جوان و پرشوری برای گروه‌شان دست و پا کنند، زود به آخر خط رسیده‌اند. وقت خداحافظی با پیرمردهای مطرود و مشکوک تاریخ انقلاب اسلامی فرا رسیده؛ دوران عبرت گرفتن از سرنوشت آنها و ورق زدن داستان‌شان، اما تازه آغاز شده.»

ابراهیم یزدی در کنار مهدی بازرگان



بی تردید یکی از مؤثرترین اقدامات برای بزرگداشت وی، پیام تسلیت رهبر معظم انقلاب اسلامی بود که با وجود همه بی‌مهری‌های گذشته در اقدامات معنادار، خطاب به دکتر یدالله سحابی صادر شده بود. در این پیام بر کارنامه مبارزاتی وی تأکید شده و آمده بود: «ایشان یکی از مبارزان دیرین با رژیم ستمشاهی و نیز از جمله پیشروان ترویج و تبیین اندیشه‌های ناب اسلامی با زبان و منطق و شیوه نوین بود»

دهه ۱۳۹۰، مقبره بیات قم، نمایی از مزار مهندس مهدی بازرگان



# کتاب



مرز باریک میان ترحم و لطف!

## پروانه‌های سفید

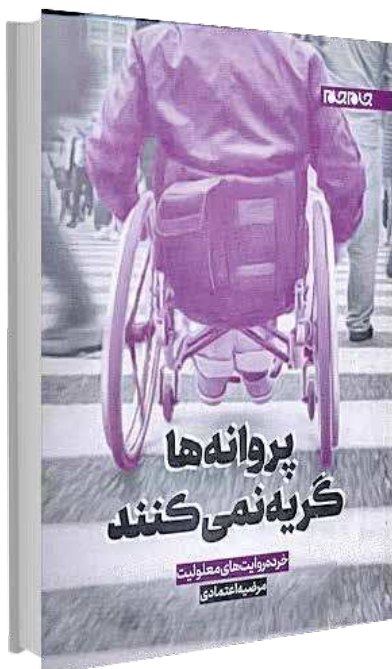
طاهره راهی

روزنامه نگار



با خواندن کتاب در ذهنمان خاطراتی از برخورد هایمان با افراد مبتلا به چنین بیماری‌هایی زنده می‌شود و با خواندن هر روایت اشک چشم جاری می‌شود اما در نهایت، این لبخند و امید است که در ذهن می‌ماند. کتابی که ظرایف مادرانه در همه روایت‌هایش به وفور دیده می‌شود، حتی روایت علی آقا

مجرد سخن می‌گوید که دختری معلول را به فرزند قبول کرده است. روایتی که برای من خواننده همان نقطه تعلیق زندگی بود، آنجا که از درون نیتش سخن می‌گفت: «کنار همه این‌ها، من سؤال‌های دیگری هم دارم. اگر جانان را از پرورشگاه نیاورده بودم، چه بلایی سرش می‌آمد؟ هیچ کس بود که شب‌ها بغلش کند، زیر گردنش را ببوسد و... اصلاً زنده می‌ماند؟» مادری که حالا درخواست فرزند دوم نیز داده: «چند شب پیش خواب دیدم دختر بچه‌ای شبیه جانان دم در یک اتاق منتظر آمدن من است. ایستاده بود دم در. یک پیراهن لیمویی قشنگ پوشیده بود. وسط چین‌های پیراهنش پروانه‌های سفید چسبیده بودند.»



بعضی از تفاوت‌ها در افراد است که با اسم کم توانی، ناتوانی یا معلولیت از آنها یاد می‌کنیم. افرادی که بیشترمان آنها را در کوچه و خیابان و پارک دیده‌ایم یا اینکه عضوی از خانواده و نزدیکانمان باشند. نَفَس‌هایی در سنین مختلف که با دیدنشان، ناخودآگاه ما را به ورطه ترحم و دلسوزی می‌کشاند، اما در نگاه و لبخندهایشان می‌توان امید را حس کرد.

بهانه این چند سطر، خواندن کتابی درباره همین تفاوت‌ها و افراد است. کتابی با عنوان «پروانه‌ها گریه نمی‌کنند» که به قلم مرضیه اعتمادی نوشته شده است. نویسنده که خود یک فرزند معلول دارد، در کنار روایت خود از دخترش، پای صحبت ۱۵ خانواده دیگر نشسته است، خانواده‌هایی که هر کدام فرزند مبتلا به بیماری‌هایی چون مشکلات مغزی، اعصاب و روان، اوتیسم، فلج مغزی یا سندروم داون دارند.

اعتمادی در این روایت‌ها سعی کرده مشکلات چنین خانواده‌هایی را بیان کند، مشکلاتی چون برخورد و مواجهه با سایرین. اینکه چگونه می‌توانند در مورد این مشکل با بقیه صحبت کنند و یا شرایط قبلی زندگی خودشان را از دست داده‌اند و حال چگونه می‌توانند خودشان را به زندگی عادی و حضور در جمع بازگردانند. نویسنده در خلال روایت‌ها، به کمبودهای جامعه درباره افرادی با چنین بیماری‌هایی و همچنین به مشکلات مالی و هزینه‌ای چنین خانواده‌هایی نیز پرداخته، اگرچه می‌توانست بیشتر به این موضوع در خانواده‌ها ورود کند.

وقتی کتاب را می‌خوانیم، در ذهنمان خاطراتی از برخورد هایمان با افراد مبتلا به چنین بیماری‌هایی و خانواده‌هایشان زنده می‌شود که از ترحم بدشان می‌آید و چه مرز باریکی است میان ترحم و لطف! کتاب «پروانه‌ها گریه نمی‌کنند» را می‌توان کتابی سخت نامید اما تلخ، نه؛ هرچند با خواندن هر روایت اشک چشم جاری می‌شود اما در نهایت، این لبخند و امید است که در ذهن می‌ماند. کتابی که ظرایف مادرانه در همه روایت‌هایش به وفور دیده می‌شود، حتی روایت علی آقا.

روایت‌های کتاب همگی متفاوت‌اند و هر کدام، خواننده را به گونه‌ای به فکروا می‌دارند، اما روایت سیزدهم کتاب، از مادری

تحلیل، عذرخواهی، ترجمه  
یک یادداشت در  
سه روایت!

محمد علی یزدانبار  
دبیر گروه کتاب

Mohammadaliyazdanyar@gmail.com



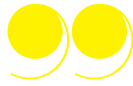
اول. به نظر من آخرین کتاب واقعاً مهمی که در ایران ترجمه و منتشر شد، سه‌گانه «مجمع الجزایر گولاگ» است که سال‌ها جای خالی اش در کتابخانه فارسی زبان حس می‌شد. اگر کمتر به رفقای ناشر سخت بگیرم، نهایتاً می‌توان ترجمه‌ای جدید و بالاخره قابل خواندن از «تصویر دوریان گری» را هم به اثر قبلی اضافه کنم. به اعتقاد من در سال ۱۴۰۲ هیچ اثر خاص و مهم دیگری که آدمیزاد اهل کتاب از انتشارش به وجد بیاید، منتشر نشده است و فکر هم نمی‌کنم تا نمایشگاه سال بعد خبری از کتاب مهمی بشود. دوم. در شماره ۵۶ مطلبی از خانم «فاطمه السادات شه‌روش» منتشر شد با عنوان «معلق میان روایت و گزارش» که بررسی کوتاهی بود در مورد کتاب «باغ‌های معلق» و به مقاومت زنان سوری در «نبل» می‌پرداخت. عبارت «نبل» در مطلب منتشر شده به دلیل اشتباهی سهوی - احتمالاً توسط شخص اینجانب! - به «نیل» تغییر کرد که باعث می‌شد هر خواننده‌ای تعجب کند که چرا اصلاً زنان سوری باید از رودی مصری محافظت کنند؟ خلاصه کلام اینکه من با استفاده از همین ستون شخصی، اول از شما و سپس از خانم شه‌روش بابت اشتباهی که در مطلب منتشر شده پیش آمد، عذرخواهی می‌کنم.

سوم. با دوستی در مورد بایکوت کامل پروفیسور فینکلشتاین و آثارش در ایران صحبت می‌کردم. او هم البته مثل بقیه استادان نمی‌شناخت و از این شناختن هم در عجب و فغان بود تا اینکه گفت وگویی مان رفت سمت اینکه بالاخره یکی باید ترجمه این آثار مهم را به عهده بگیرد. کمی فکر کردم دیدیم کسی نیست یا اگر هست ما او را نمی‌شناسیم و اگر هم شخصی را بشناسیم به او دسترسی نداریم. برای همین تصمیم گرفتیم خودمان یکی، دو تا از این کتاب‌ها را دست بگیریم تا ببینیم ماجرا به کجای رسد. هنگام نوشتن این یادداشت یاد مباحثه جذاب مان افتادم و پیامی هم برای این رفیق ارسال کردم که پس کجاست این فایل‌های کتاب‌های فینکلشتاین؟ طبعاً اگر خبر جدیدی در این مورد وجود داشت از همین ستون با شما در میان خواهیم گذاشت.



به نظر من آخرین کتاب واقعاً مهمی که در ایران ترجمه و منتشر شد، سه‌گانه «مجمع الجزایر گولاگ» است که سال‌ها جای خالی اش در کتابخانه فارسی زبان حس می‌شد. اگر کمتر به رفقای ناشر سخت بگیرم نهایتاً می‌توان ترجمه‌ای جدید و بالاخره قابل خواندن از «تصویر دوریان گری» را هم به اثر قبلی اضافه کنم

او اولین داستان کوتاهش را وقتی ۲۴ ساله بود منتشر کرد و چند سال بعد به سرودن شعر مشغول شد و به شما پیشنهاد می‌کنم که صدای فوق العاده او را در هنگام شعر خواندن گوش دهید و لذت ببرید



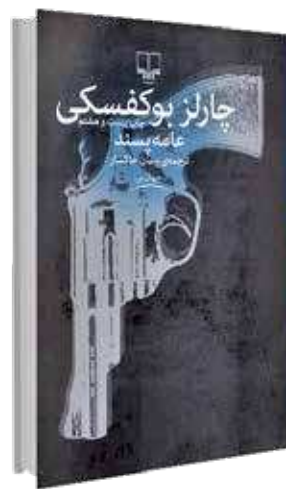
# بوکفسکی و آخرین رمان او «عامه پسند»

سرگذشت کارآگاهی بدشانس و یک پرونده اسرارآمیز

ریحانه میرحسینی  
کارشناس ارشد ادبیات فارسی



چارلز بوکفسکی رمان‌ها و شعرهای بسیاری نوشته ولی در میان آنها رمان عامه پسند از محبوبیت بیشتری برخوردار است که آخرین رمان این نویسنده آمریکایی بوده و در سال ۱۹۹۴ منتشر شده و کمی بعد از انتشار آن، بوکفسکی از دنیا می‌رود. هاینریش چارلز بوکفسکی به سال ۱۹۲۰ در شهر آندرناخ آلمان متولد شد و هنگامی که سه ساله بود والدینش به آمریکا رفتند و زندگی بوکفسکی در لس‌آنجلس شکل گرفت. او اولین داستان کوتاهش را وقتی ۲۴ ساله بود منتشر کرد و چند سال بعد به سرودن شعر مشغول شد و به شما پیشنهاد می‌کنم که صدای فوق العاده او را در هنگام شعر خواندن گوش دهید و لذت ببرید. نوشته‌های بوکفسکی بسیار تحت تأثیر فضای شهر لس‌آنجلس قرار داشت و او را یکی از تأثیرگذارترین نویسندگان معاصر می‌دانند که افراد زیادی سبک او را بارها تقلید کرده‌اند. رمان‌های بوکفسکی این‌ها است: هزارپیشه، زنان، هالیوود، ساندویچ ژامبون، آدمکش‌ها، داستان‌های جنون معمولی، عامه پسند و... عامه پسند را به کسانی که دوستدار ادبیات داستانی خصوصاً آمریکا هستند، به ادبیات جنایی علاقه دارند و طنز تلخ می‌خوانند پیشنهاد می‌کنم و نشر چشمه

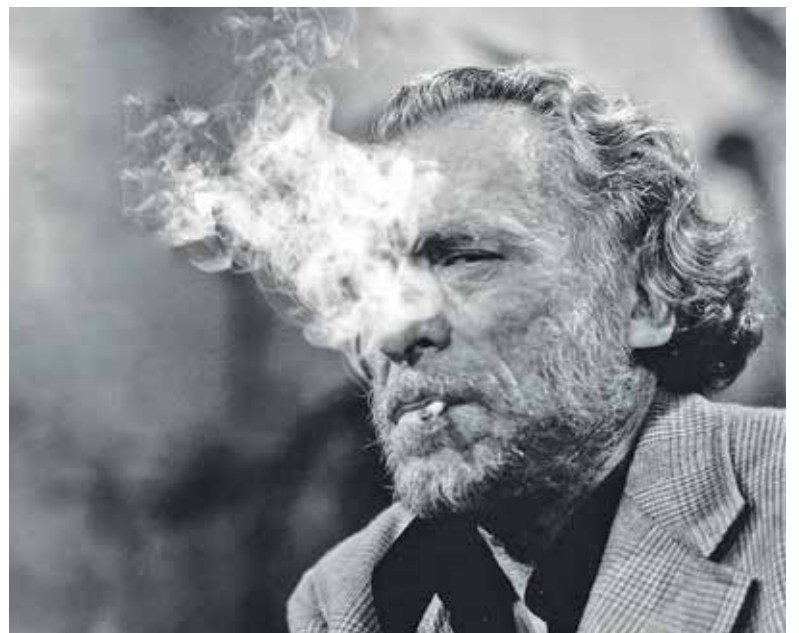


با ترجمه پیمان خاکسار آن را در اختیار مخاطبان قرار داده است. نام اصلی کتاب عامه پسند، پالپ است که به روزنامه‌ها و مجلات زرد گفته می‌شود ولی مترجم کتاب از اسم فیلم pulp fiction الهام گرفته و این عنوان را انتخاب کرده است. عامه پسند داستان زندگی کارآگاهی بدشانس به نام نیک بلان که از زبان خود او تعریف می‌شود و با یکی از مهم‌ترین

پرونده‌ها روبه‌رو است با این حال زیرک و توانا نیست ولی در نهایت با کمک و هزار داستان و اتفاق دیگر موفق می‌شود. در ابتدا با پرونده قتل مواجه می‌شود که مربوط به یک نویسنده فرانسوی است ولی به مرور پرونده‌ها و افراد دیگری هم وارد داستان شده که هر کدام او را درگیر ماجراهای عجیب و غریب می‌کنند مانند مردی که خیال می‌کند همسرش به او خیانت کرده، متصدی کفن و دفنی که به دنبال یک موجود فضایی می‌گردد و کسی که می‌خواهد چیزی به نام گنجشک قرمز را پیدا کند. طنز تلخ بسیار گیرا و جملات عمیق و پر معنا در کتاب سرشار بوده و کشش خاصی دارد که مخاطب را در کلمه به کلمه شریک کرده و همراه با شخصیت‌های داستان می‌شود و خود را در فضای آن احساس می‌کند. بوکفسکی این کتاب را در واپسین لحظات زندگی‌اش نوشت و بسیاری معتقد هستند با اینکه دیدگاهی منفی دارد ولی واقع‌بینی او به اتفاقات، رمان‌های او را جذاب و خواندنی کرده است. شخصیت اصلی کتاب در قسمتی از داستان می‌گوید: همیشه یک نفر هست که روز آدم را خراب کند. البته اگر به قصد نابودی کل زندگی‌ات نیامده باشد!



عامه پسند را به کسانی که دوستدار ادبیات داستانی خصوصاً آمریکا هستند، به ادبیات جنایی علاقه دارند و طنز تلخ می‌خوانند پیشنهاد می‌کنم و نشر چشمه با ترجمه پیمان خاکسار آن را در اختیار مخاطبان قرار داده است



## روایت سه سال محاصره و زندگی در جنگ زندگی در جریان است

مهديه جاهد  
روزنامه‌نگار



کتاب خداحافظ ساریوو روایتگر یکی از بزرگترین نسل‌کشی‌ها و محاصره‌های طولانی معاصر دنیا؛ جنگ صرب‌ها علیه مردم بوسنی است. هانا و آتکا دو خواهر از یک خانواده بوسنیایی هستند که جنگ آن‌ها را مجبور به جدایی می‌کند. یک خواهر با خانواده در میان محاصره می‌ماند و خواهر دیگر مجبور به دوری و فرار می‌شود. این دو طی رمان اتفاقاتی که جنگ برایشان رقم می‌زند را روایت می‌کنند. نویسندگان کتاب پیش رو با بیان خاطرات تلخ خود قدم در برهه‌ای از تاریخ گذاشته و داستان محاصره طولانی و خونین شهر ساریوو را که پر بود از غارت، گرسنگی، بیماری، قحطی و جدایی به تصویر می‌کشند.

خداحافظ ساریوو روایتی متفاوت است از جنگ. رابیان نه قهرمانان غالب داستان‌های مقاومت‌اند و نه قرار است دائم در کتاب از خونریزی و کشتار و بی‌رحمی بخوانیم. هانا و آتکا دو چشم‌اند که زاویه‌های مختلف جنگ را دیده‌اند و از ترس‌ها، ناامیدی‌ها، امیدواری‌ها و روزمره متفاوت یک پناهجو و یک جنگ‌زده در محاصره سه ساله گفته‌اند.

جنگی با تمام ترس‌ها و گریزها و حتی شانس‌هایی که یک خانواده می‌تواند برای در امان ماندن از تبعات آن پیدا کند. در این کتاب همان طور که از خرابی، کشتار، گرسنگی، غارت و... گفته می‌شود، خاطرات و لحظات شیرین مختص این شرایط هم دور از چشم نمی‌ماند.

در این کتاب هر فرد از خانواده نماینده یک شخصیت در دوران جنگ است. اینکه هر فردی می‌تواند در حالی که وانمود می‌کند خودش است اما مراحل مختلف اثرگذاری جنگ بر شخصیتش و اثرگذاری خود بر روند جنگ را مدیریت کند. در خداحافظ ساریوو ما با زاویه‌ای متفاوت از روایت قهرمان نیز روبه‌رو هستیم. قهرمانان کتاب بسیار عادی و معمولی‌اند. از ویژگی این کتاب دوری بودن آن است که علاوه بر «آتکا» خواهر کوچکش «هانا» هم در واگوبه‌های این محاصره و مقاومت، در مقابل مخاطب قرار می‌گیرد. سبک بیان و نوشتار دو خواهر در کتاب به صورت مشخص متفاوت است و آن دور از یکدیگر متمایز می‌کند. بیان خاطرات از زوایای گوناگون، با توجه به فاصله گرفتن مکانی بین دو راوی و بعضی دیگر از اعضای خانواده، باعث می‌شود مخاطب دید وسیع‌تری نسبت به وضعیت جنگ در منطقه و بیرون از منطقه پیدا کند. توصیف جغرافیای کشور، جنگ‌زدگان و پناهجویان و شهروندانی که قرار است با این پناهجویان روبه‌رو شوند، فرهنگ مردم جنگ‌زده و مهم‌تر از آن تعامل و نوع زندگی مسلمانان و صرب‌ها و مسیحیان با هم، از مهم‌ترین ویژگی‌های این کتاب به شمار می‌رود. خداحافظ ساریوو با ترجمه روان و مسلط عابده میرزایی در انتشارات کتابستان به چاپ رسیده است.



جنگی با تمام ترس‌ها و گریزها و حتی شانس‌هایی که یک خانواده می‌تواند برای در امان ماندن از تبعات آن پیدا کند. در این کتاب همان طور که از خرابی، کشتار، گرسنگی، غارت و... گفته می‌شود، خاطرات و لحظات شیرین مختص این شرایط هم دور از چشم نمی‌ماند

# زنده باد مبارزه!

همقدم با ناخدایان دوره گرد نوجوان در پس کوچه های باهیا

مصطفی جواهری  
آموزگار



ناخدایان خاک و شن، یکی از مهمترین نوشته های زوزه (خورخه) آمادو است. نویسنده ای برزیلی که متولد و ساکن ایالت باهیا در نیمه اول قرن گذشته میلادی بوده است. باهیا، شهری با غنای فرهنگی، موسیقی و مذهبی خاصی است که بردگان آفریقایی، نقش مهمی در جامعه شهری آن دوران داشته اند.

کتاب داستان زندگی پرمسأله، سخت و خطرناک گروهی از کودکان خیابانی و بی سرپرست را روایت می کند که در اوایل قرن بیستم در باهیا پایتخت برزیل زندگی می کنند. آنها از راه دزدی امرار معاش می کنند و خود را ناخدایان خاک و شن می نامند. ناخدایان، رهبری نوجوان به اسم پدروبالا دارند که با نام مستعار فشنگ شناخته می شود. فشنگ، عملیات های گروهی اش را با همفکری لنگه پای مکار، استاد خوشفکر و هنرمند، گربه جذاب و کلاهدردار و خوش خیال گنده و مهربان مدیریت می کند. ماجرا، از آغاز یک جنبش عمومی علیه ناخدایان آغاز می شود که مردم مرفه، کانون اصلاح و تربیت، پلیس، مطبوعات و نهاد کلیسا، در مقابل این نوجوانان قرار می گیرند. اما پدروبالا که متأثر از پدر خود است، در پی یافتن عدالت به مبارزه می اندیشد. پدر او، در جریان فعالیت های اعتراضی به اختلاف طبقاتی موجود، کشته شده و حالا او بدون سرپرست زندگی می کند.

شخصیت پردازی های رمان، تقریباً بدون نقص و بسیار همراه کننده است. آهسته آهسته با ناخدایان آشنا می شویم. علایق و ویژگی های خلق و خویی هر کدام را درمی یابیم و به مرور خودمان هم یکی از اعضای در سایه ناخدایان می شویم. آمادو بسیار دقیق می داند که از کدام شخصیت در کدام قسمت داستان بهره ببرد. این موضوع حتی در معرفی شخصیتی جدید در نیمه های کتاب نیز به خوبی رعایت می شود؛ جایی که پای یک دختر، به انبار مخفی محل خواب ناخدایان باز می شود تا نقش مادر نداشته آنها و البته محبوب پدروبالا را ایفا کند.

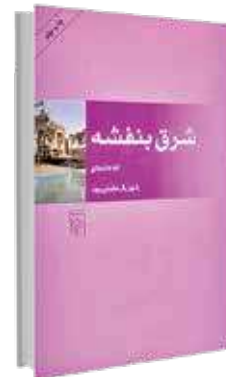
نسخه فارسی موجود، برای نشر خوب است و چون به طور مستقیم از زبان پرتغالی نویسنده ترجمه نشده است، با ترجمه نسبتاً ضعیف و گاه آزاردهنده ای روبه رو هستیم. این نکته حتی در ترجمه عنوان کتاب هم دیده می شود. ترجمه دقیق (هم تحت اللفظی و هم معنایی)، ناخدایان شن های ساحل است که در نسخه فارسی رعایت نشده است و با توجه به سابقه سیاسی وایدئولوژیک آمادو، رگه های تفکرات کمونیستی در داستان دیده می شود، خصوصاً در پایان بندی کتاب. لذا توجه به این موضوع نیز، حائز اهمیت است.

در نهایت، می توان گفت که آمادو در این کتاب، فرهنگ و زبان مردم برزیل را هوشمندانه به تصویر می کشد و درک خوبی از آنچه در اوایل قرن بیستم در این کشور اتفاق می افتد، به دست مخاطب

می دهد. مضامینی همچون عشق، آزادی، اختلاف طبقاتی، فقر، عدالت اجتماعی و مبارزه، در سرتاسر رمان همراه مخاطب است.



آمادو در این کتاب، فرهنگ و زبان مردم برزیل را هوشمندانه به تصویر می کشد و درک خوبی از آنچه در اوایل قرن بیستم در این کشور اتفاق می افتد، به دست مخاطب می دهد. مضامینی همچون عشق، آزادی، اختلاف طبقاتی، فقر، عدالت اجتماعی و مبارزه، در سرتاسر رمان همراه مخاطب است



پاسخ به سؤال  
«ادبیت در داستان چقدر اهمیت دارد»  
با نگاه به کتاب «شرق بنفشه»

## جمع نقیضین

لادن عظیمی  
روزنامه نگار

«شرق بنفشه»، عنوانی که با جادوی مجاورت حروف و واج آرایسی حرف شین موسیقی لطیف و ملایمی را در ذهن تداعی می کند و شعرهای عارفانه و عاشقانه مشرق زمین را یادآور می شود. این ترکیب اسمی عنوان کتابی از «شهریار مندنی پور» است.

کتابی که با جلد بنفش و تصویر کوچکی از آرامگاه خواجه حافظ شیرازی از نشر مرکز منتشر می شود و شامل ۹ داستان است. عموم داستان های این مجموعه را مندنی پور در دهه هفتاد نوشته است. داستان هایی که عمدتاً از پیرنگ های خوب و تعلیق های مناسبی برخوردارند. در چهار داستان ابتدایی مجموعه شیراز موقوف پرنگی است که در کنار فضاسازی داستان ها پازل ادبی و شاعرانه ای را تکمیل می کند. و دقیقاً نقطه توقف و تأمل ما در این کتاب هم همینجاست. همین پازل ادبی. به بیانی کامل تر باید گفت که از مهم ترین ویژگی های این مجموعه داستان زبان ادبی و شاعرانه داستان ها است. زبانی که البته هرچه به پایان آن و داستان های متأخر نویسنده نزدیک تر می شویم از شدت شاعرانگی آن کاسته می شود. اما به هر روی در همان داستان های آغازین مجموعه و بویژه داستان اول که عنوان کتاب از آن نام گرفته شده است؛ ما شاهد زبانی بسیار ادبی هستیم. زبانی که می توان ادعا کرد برخی از جملات آن به شعر پهلوی می زند. زبانی که گاه ممکن است مخاطب را چنان با خود ببرد که مخاطب از مضمون و پیرنگ جا بماند. در همین نقطه تفکر و تأمل سؤالی مطرح می شود و آن این است که «ادبیت در داستان چقدر اهمیت دارد؟» و پاسخ به این سؤال را می توان در همین کتاب جست و جو کرد.

در داستان های اول تا پنجم این مجموعه ما شاهد اوج بازی های زبانی هستیم. شاهد منتهای شاعرانگی ای که می شود در یک نثر گنجانند. باز هم در همین داستان ها، از داستان اول تا چهارم زبان پایه پای قصه پیش می رود و پیرنگ به هیچ وجه از زبان جانی ماند. اما در داستان پنجم، «ناربانو»، پیرنگ سست و بی جان است و زبان ادبی و بازی های زبانی نیز نمی تواند بار سستی پیرنگ را به دوش بکشد و از یک جایی به بعد کسالت بر فضای داستان حاکم می شود.

همین نیمه ابتدایی کتاب قاطعانه پاسخ سؤالی را که مطرح شد می دهد. ادبیت زبان اگر در فرم حل نشود و بخشی از فرم نباشد، عنصر ناکارآمدی بیش نیست و جایی بیرون از اثر می ایستد و مانند وصله ای ناجور به چشم می آید و توی ذوق می زند. در حقیقت ادبیت جدا از فرم فقط منجر به تولد جملاتی ناب و شاعرانه می شود که به شکلی مستقل به حیات ادبی خود ادامه می دهند و در داستان کاری از پیش نمی برند. مندنی پور در اغلب آثار این مجموعه توانسته توازن قابل قبولی میان زبان و فرم برقرار کند؛ حتی اگر این میزان از شاعرانگی در داستان پذیرفته نباشد.



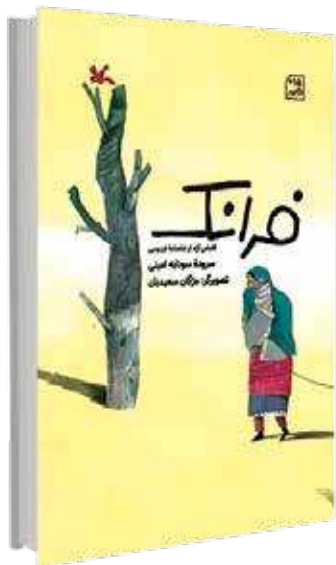
ادبیت زبان اگر در فرم حل نشود و بخشی از فرم داستان نباشد، عنصر ناکارآمدی بیش نیست و جایی بیرون از اثر می ایستد و مانند وصله ای ناجور به چشم می آید و توی ذوق می زند





کتاب

هرآنچه که در رابطه با کتاب می خواهید بدانید



«به جای سیب و گندم در بیابان مار می کارند»  
شاهنامه، در لباسی تازه

معصومه فراهانی  
خبرنگار

نوجوان که بودم نسبت به شاهنامه احساس دوگانه ای داشتم، دوست داشتم بخوانمش اما قطر زیاد و کلمات دشوار بسیارش ترس در دلم می انداخت. کتاب های باز نویسی شاهنامه را در نمایشگاه ها می دیدم، اما سرو و شکل کتاب ها هیچ وقت جذیب نمی کرد. بزرگ تر که شدم و چند باز نویسی را خواندم دیدم کتاب های خوبی بودند اما وقتی زمان انتخاب می رسید، همیشه رمان های نوجوان نشرها برنده رقابت می شدند. به تازگی نشرهای خوبی را دیده ام که کتاب های باز نویسی و باز آفرینی شاهنامه را زیباتر، چشم نوازتر و خلاقانه تر چاپ می کنند. یکی از کتاب های خوبی که به تازگی پیدایش کرده ام «فرانک» است.

کتاب با کابوس فرانک آغاز می شود: «هوا سرد است و برف آهسته می بارد، فرانک می دود در تیرگی هایی که دشوارند / و می بیند که مردانی هراس انگیز / به جای سیب و گندم در بیابان مار می کارند.» هنوز پیش از تولد فریدون است و آبتین زنده است و هراس از ضحاک بر جان ایران و ایرانیان سایه انداخته است. در صحنه بعد، فریدون را می بینم که در کنار مادرش فرانک نشسته است و نام و نشان پدر را از او می پرسد و فرانک قصه گویی اش را آغاز می کند. از این صحنه به صحنه ای دیگر می پرد و قصه ضحاک و کشتن پدر، بوسه شیطانی بر شانه او، کابوس ضحاک و ماجراهای پس از آن را روایت می کند، در آن میان به داستان جمشید هم اشاره کوتاهی می کند. و بعد فریدون را می بینیم که تصمیم می گیرد تعبیر کابوس ضحاک شود و فصل دیگری در قصه آغاز می شود. فرانک همچنان در کنار فریدون است و او را برای شکست دادن ضحاک راهنمایی می کند.

یکی از نکات جالب توجه کتاب، استفاده از قالب شعر نیمایی برای روایت یک قصه کهن است. تلفیق داستانی کهن با قالبی نو که شاعر بخوبی از عهده آن برآمده است. یکی از نکات دیگر کتاب، به هم ریختن ترتیب زمانی داستان، از قصه ای به قصه ای دیگر سرگ کشیدن و گذاشتن جاهای خالی در داستان است که نوجوان را ترغیب می کند داستان اصلی را بخواند و اطلاعات بیشتری به دست آورد. در طول روایت داستان به چند نام برمی خوریم که به آن ها اشاره ای مختصر شده است اما خواننده تشویق می شود سرگذشت آن ها را نیز بداند، برای مثال: «ارنواز و شهرناز»، «ارمایل و گرمایل». در نهایت چیزی که این کتاب را به اثری جذاب تبدیل کرده است، تصویرگری های هوشمندانه آن است که با استفاده از تکنیک کلاژ انجام شده است. انتخاب با دقت رنگ ها در ساخت هر کاراکتر، انتخاب رنگ های خاص در پس زمینه و انتقال احساس هر کاراکتر فقط با نشان دادن حالت چشم ها از زیرکی های تصویرگر است. در چند بخش از داستان اگر با دقت نگاه کنیم، تصویرگر به کمک شاعر آمده است و بخشی از جاهای خالی قصه را به کمک تصویر پر کرده است. برای مثال در صفحه ای که ماجرای کشتن مرداس روایت می شود، مردی را می بینیم که با اسب در حال فرار است، در حالی که در شعر اشاره مستقیمی به او نشده است. همه این نکات و ریزبینی ها و همکاری نویسنده و تصویرگر باعث می شود «فرانک» کتابی متفاوت شود. کتابی که می شود با نوجوان ها خواند و با هم در قصه و جزئیاتش غرق کشف و گفت و گو شد.



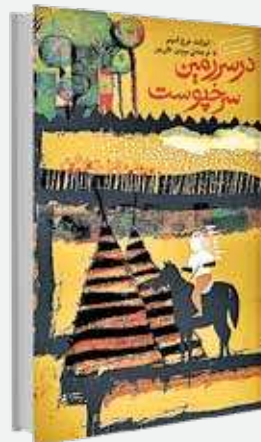
تک و تنها؛ در سرزمین سرخپوست  
کتابی برفی، برای روزهای زمستانی

ریحانه عارف نژاد  
خبرنگار

می کند. چطور غذا می پزند؟ آرد از کجا بیاورد؟ چه راهی برای گرم ماندن هست؟ چطور باید دست خالی در جایی پر از خرس و جک و جانورهای دیگر زنده بماند؟ مات جواب هیچ کدام این سؤال ها را نمی داند و چاره ای غیر از یاد گرفتن شان هم ندارد. اما مات، در این سرزمین جدید تنها نیست. درست در نزدیکی او، قبیله ای از سرخپوست ها مستقر شده اند. آنها راه و رسم زندگی در این سرزمین را بهتر بلدند. سفیدپوست ها هیچ وقت رابطه خوبی با سرخپوست ها نداشته اند، ولی آشنایی مات با یک پسر سرخپوست، می تواند خیلی چیزها را برای هر دویشان تغییر دهد. معامله ای دوسر برد بین بچه ها شکل می گیرد و با وجود همه تفاوت هایشان، بین آنها دوستی شکل می گیرد. اتفاقی که حتی در شدیدترین بوران هم قلب هر دویشان را گرم می کند. در سرزمین سرخپوست، فضا سازی فوق العاده و داستانی فراموش نشدنی دارد. شخصیت پردازی به خوبی انجام شده است و داستان با وجود محدود بودن مکان اتفاقات، یکنواخت نمی شود. بالا و پایین های هیجان انگیز ماجرا و کنجکاوی دانستن پاسخ سؤال ها، مخاطب را با خود تا پایان داستان می کشاند.

کتابی برفی برای روزهای زمستان

الیزابت جرج اسپیر، نویسنده معروف کودکان و نوجوانان در آمریکا بود که دوبار برنده مدال نیوبری شد. در سرزمین سرخپوست که در ایران با نام «علامت سمور» هم منتشر شده است، توانست نامزد و برنده جوایز مهم و زیادی شود. این کتاب که یکی از بهترین آثار این نویسنده شناخته می شود، هنوز در کشورهای مختلف جزو پرفروش های قفسه کودک و نوجوان کتابفروشی هاست. زمستان سرد، بهترین وقت خواندن این کتاب است! خصوصاً اگر دوست داشته باشید چیزهای بیشتری درباره سرخپوست ها و آداب و رسوم زندگی هایشان بدانید.



تنها در جنگل

هیچ کس نمی آید! مات، بکه و تنها، با نگرانی در خانه کوچکشان انتظار می کشد و انتظار می کشد، اما خبری نمی شود. معلوم نیست پدر و بقیه کجا هستند. روزها به سرعت سپری می شوند و آذوقه خیلی سریع به انتها می رسد. با دست روی دست گذاشتن و صبر کردن، هیچ چیز درست نمی شود. باید خودش آستین ها را بالا بزند و فکری به حال لباس و خورد و خوراکش بکند. آب و هوا و ناشناخته های این سرزمین پر رمز و راز، شرایط را هزار برابر پیچیده

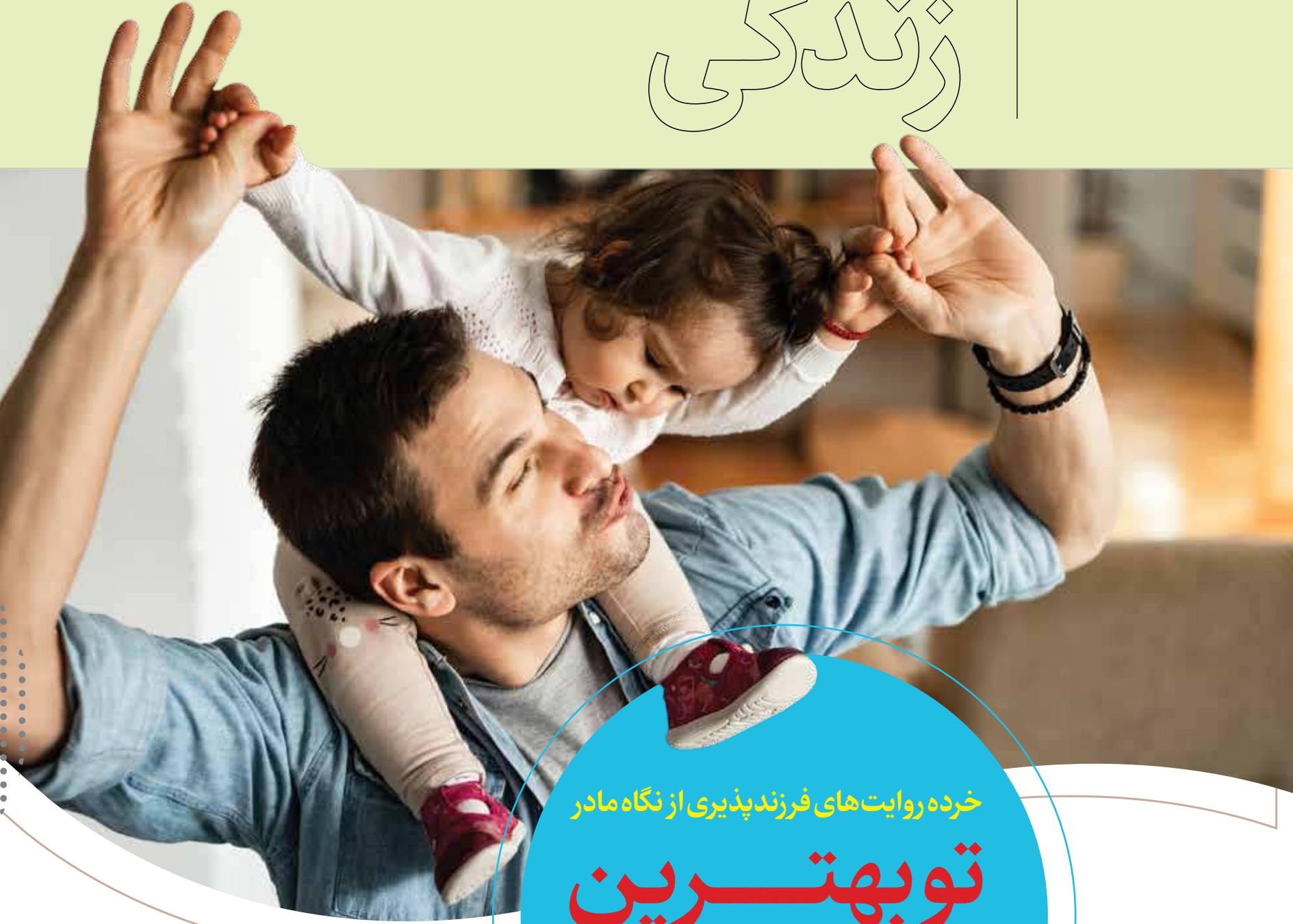


در سرزمین سرخپوست، فضا سازی فوق العاده و داستانی فراموش نشدنی دارد. شخصیت پردازی به خوبی انجام شده است و داستان با وجود محدود بودن مکان اتفاقات، یکنواخت نمی شود. بالا و پایین های هیجان انگیز ماجرا و کنجکاوی دانستن پاسخ سؤال ها، مخاطب را با خود تا پایان داستان می کشاند



کتاب با کابوس فرانک آغاز می شود: «هوا سرد است و برف آهسته می بارد / فرانک می دود در تیرگی هایی که دشوارند / و می بیند که مردانی هراس انگیز / به جای سیب و گندم در بیابان مار می کارند.»

# زندگی



خرده روایت‌های فرزندپذیری از نگاه مادر

## توبه‌ترین بابای دنیایی

آیه طائبی  
دبیر سرویس زندگی

و استیصال عمیق روز اول را تبدیل کرد به یک عاشقانه آرام. یک بار کسی گفت، در این سن و سال (۳-۴ سالگی منظورش بود) همه دخترهاشان را دوست دارند، اما پدری که در ۱۳-۱۴ سالگی، عاشقانه به دخترش نگاه کرد و بازی کرد و خندید و او را پذیرفت، واقعاً عاشق است. اما به عقیده من، کسی که ساختن بلد باشد، سن و سال برایش تفاوتی نمی‌کند، بلد است روی چالش‌ها پل بسازد. ساختن امید، اعتماد، آرامش و عشق، سخت‌ترین ساختنی‌های این دنیاست. و من باور دارم مردی که در شش، هفت ماه توانست دلبستگی ایمن فرزندش را تأمین کند، اعتماد و آرامش بسازد و پس از دو سال، بزرگ‌ترین نقطه اتکا و حمایت فرزندش شد، پدری است که در هر سن و سالی از پس چالش‌های آن دوره برمی‌آید. برای یک مرد، پدرخواندگی شاید سخت‌ترین تصمیمی باشد که در طول زندگی‌اش بتواند بگیرد و شنیدن «تو بهترین بابای دنیایی» شیرین‌ترین حرفی است که می‌تواند در تمام زندگی‌اش بشنود.

بی‌وقفه این پدر و دختر را در رابطه‌شان می‌بینم، عشقی که ذره‌ذره دریا شد، انسی که قطره قطره جمع شد و اعتمادی که آرام آرام در دل‌هایشان جوشید. صبر بسیار و انگیزه بی‌حد بود که در این مسیر دشوار باور همسرش شد؛ در راه پدر بودن. و او ایمان داشت به قدرت عشق. چند شب پیش که به دلایلی همسرش به ساعت خواب دخترمان نرسید. دخترم موقع خواب، پیش از آنکه لالایی بخوانم، مشتش را جلو آورد، انگشت کوچکش را باز کرد و گفت «وقتی بابا اومد، ازش قول انگشتی بگیر که دیگه شب جلسه نره، باشه؟ من بابام رو لازم دارم. قول بده که می‌گی» و با انگشت کوچکش انگشت من را گرفت و چند بار تکان داد تا به خیال خودش قول سفت و محکمی از من گرفته باشد و من دیدم که حالا بعد از این مدت و گذر از این مسیر، چطور توان دوری از پدرش را ندارد. پدری که خوب می‌خندد و خوب تر می‌خنداند، پدری که پای کوچکترین تا بزرگ‌ترین قول‌هایی که می‌دهد می‌ماند، پدری که با قوانین دخترش ساعت‌ها بازی می‌کند و خسته نمی‌شود. پدری که آن ترس

ناشی از بزرگ‌ترین بغضی که یک دختر دو سال و نیمه می‌تواند تجربه کند و مادر احساس ناتوانی مطلق دست و پا می‌زدیم. من تمام مسیر دخترم را بغل کرده بودم اما همسرم باید رانندگی می‌کرد. نگاه مستأصلش را در آینده می‌دیدم و حرفی به زبان نمی‌آمد که ذره‌ای شرایط را ساده کند. ذره‌ای آرامش برای خانواده‌مان داشته باشد. دخترم از همان روز اول (شاید به خاطر «زن» بودنم و شباهتم به مادرهایم در مرکز) من را پذیرفت، آغوشم را قبول کرد و دلش را به روی محبت و عشقم باز کرد. اما رابطه‌اش با پدرش را قدم به قدم با هم ساختند. و حالا تقریباً دو سال است که من تلاش

دوماه دیگر می‌شود دو سال. دو سال از آن روز که پدر شد و من برای اولین بار در طول زندگی ۹ ساله‌مان ترس را در چشم‌هایم دیدم. من و همسر، بعد از سال‌ها گفت‌وگو و تحقیق و بررسی به نتیجه رسیدیم از طریق فرزندخواندگی، مادر و پدر شویم. پیش از آن روز همه چیز را درباره تصمیم‌مان می‌دانستیم. و بینارهای مختلفی دیده بودیم، مقالات بسیاری خوانده بودیم، اما تجربه آدم‌های زیادی را شنیده بودیم. اما لمس تمام آن موارد، چیز دیگری بود. آن روز که ما از شیرخوارگاه با دخترمان راهی هتل شدیم، نیم ساعت اول را فقط گریه کرد و بعد از آن دیگر سکوت بود و سکوت. سکوتی



پدری که خوب می‌خندد و خوب ترمی‌خنداند، پدری که پای کوچکترین تا بزرگ‌ترین قول‌هایی که می‌دهد می‌ماند، پدری که با قوانین دخترش ساعت‌ها بازی می‌کند و خسته نمی‌شود

پدری به شیوه فرزندپذیری (والبته مادری هم) یک مسیر فوق العاده سخت است؛ یک اثبات مداوم به همه



## خرده روایت های فرزندپذیری از نگاه پدر

# پدری از مسیر فرزند خواندگی

علیرضا شاطری  
نویسنده

مرکز و با نگاه خشمناک به ما نگاه می کرد. بغلش که کردم استخوان های ظریفش زیر دستم حس جوجه های ترسیده را می داد. تا امضاها تمام شود بردمش توی حیاط با بالاترین صدایی که می شد گریه می کرد.

وقتی نشستیم توی ماشین هنوز با بلندترین صدایی که از گلویم کوچکش درمی آمد داشت هواری می کرد و اشک هایش مثل انیمه ها از دو طرف صورتش می پاشید. آخرین نگاه ها را که به در مرکز کرد ساکت شد، انگار ناامید شده باشد.

چند ساعت بعد توی هتل نشسته بود روی تخت، زل زده بود به تلویزیون و عمیق ترین بغضی که می شود تصور کرد را به سختی قورت می داد. کاپشن بعبی اش (این اسم را بعداً خودش روی آن کاپشن گذاشت) را تنش کردم، رفتیم به قدم زدن، دستش را گرفته بودم و پراز اضطراب بودیم. هم من از اینکه این بار را می توانم به دوشم بکشم یا نه، هم او که از محل امنش، خانه اش جدا شده بود.

انگشتش را گرفت بالا، اشاره کرد به توپ و اولین کلمه اش را گفت: توپ. خریدم برایش.

۶ ماه بعد از آن عملاً نه درست سرکار رفتیم، نه درست خوابیدیم، نه توانستیم با هم حرف بزنیم. همه چیز شده بود «او» که حالا باید احساس امنیت می کرد. شب ها تا ۴ و ۵ صبح گریه و زاری او بود و کلافگی ما.

اینها را گفتم برای همه آنهايي که گفتند نه چک زدید و نه چانه، بچه از آب و گل درآمده گرفتید. آنهايي که به همسرم کنایه زدند که حاملگی نکشیده مادر شدی، همه آنهايي که هر بار با کنایه و دعا گفتند «ان شاء الله بچه خودتون» و نفهمیدند این دختر، «بچه خودمان ترین» موجودی است که می توانیم بپروریم. پدری به شیوه فرزندپذیری (والبته مادری هم) یک مسیر فوق العاده سخت است؛ یک اثبات مداوم به همه. از خودش که بداند عزیزترین است، تا خودش که بدانی فرقی با پدرهای دیگرنداری، تا جامعه که بپذیرد تو یک آدم خیر نیستی، یک آدمی که به اقتضای غریزهات نیاز به «پدر بودن» داری و انتخاب کرده ای از این راه بروی.

وقتی از بهزیستی فرزنددار می شوی، مسیر شکل گرفتن رابطه عملاً از صفر شروع می شود؛ از آغاز بارداری، بعدش هم با ۱۸ ساعت خواب شبانه روزی کودک، با یک بچه دراز کشیده توی تخت، با اولین آقون و اقون ها ادامه پیدا می کند و تونوی این مسیر فرصت داری خودت را با آن موجود حوالی ۳ کیلوپی بی صدا تطبیق بدهی و بلا تشبیه بچه آدم وقتی بزرگ تر شد مثل داستان آن کنیز و گوساله ای که گاو شد، به ورنش، رفتارهایش، بازی هایش، شیطنت ها و بدقلقی هایش و... عادت کنی.

اما فرزندپذیری مخصوصاً وقتی بچه ای نوپا را به فرزند می گیری، مثل رفتن زیر باری است که تصویری از ورنش نداری. وقتی بچه به خانه اش می آید، اول چالش های عجیبی است که تصورش را هم نداشتی و حالا شانتهای ناآماده تو باید بارش را روی دوش بکشد.

شاید باورش سخت باشد که بدانی اولین باری که تصمیم گرفت با من دستشویی برود از ذوقم بغض کردم. از اینکه آنقدر اطمینانش جلب شده و برایش آدم امنی شده ام که من را برای شستنش انتخاب کرده است.

حالا صبح ها با صدای «بابا دوست دارم، حالا پاشو دیگه بسه خوابیدی» و قلقلک کف پایم از خواب بیدار می شوم و لای چشم هایم را که باز می کنم، صدای غش غش خنده از روی شیطنتش را می شنوم که می دود و از اتاق فرار می کند و صبح من می شود بهشتی که فرشته ای با قد یک مترواندی توپش پر می زند و شلوغ پلوغش می کند.

نشسته بودیم توی ماشین جلو در خانه اش گفت حالا چرا از این راه؟ گفتم تا حالا دیدی یک خیابان مستقیم بروم؟ تا حالا دیدی مسیر راحت انتخاب کنم؟ گفت عقل نداری دیگر. گفتم ادعایی هم ندارم. گفت این اصلاً پدر شدن نیست، ما توی دین هم چنین چیزی نداریم. چشم هایم را براق کردم و برگشتم سمتش، گفتم بابا ترا از امیرالمؤمنین هم داریم؟ جرأت داری بگو نه تا... خندید گفت نه بابا ترا نداریم. گفتم امیرالمؤمنین هم پدر خوانده بود و یکی از پسرانش فرزند خوانده بود. گفت کدام؟ گفتم نخواندی که فرمود محمد پسر من است از پشت ابوبکر؟ پسر من یعنی من بابایش هستم. سکوت کرد و گفت: خیر است ان شاء الله و پیاده شد.

پدر خواندگی و پدر شدن (مثل مادر شدن) از راه فرزندپذیری اصلاً به آن خوشگلی فیلم ها نبود، اما ازدواج که کردیم حرفش شروع شد. ۸ سال ریزریز دانه اش توی دلم جوانه زد تا سبز شد.

سرکار بودم که زنگ زد و گفت: «علیرضا به دختر ۲ سال و ۸ ماهه بهمون معرفی شده باید بریم شیراز ببینیمش» آب توی گلویم خشک شد، چشم هایم سیاهی رفت، نشستم گوشه جدول روبه روی ساختمان. حرفم نمی آمد. گفت شنیدی؟ گفتم آره، باشه، حرف می زنیم.

از سختگیری ها و بدقلقی های بهزیستی اگر بگذرم، یک سالی از اولین دیدار ما گذشت و ۲۴ اسفندماه بود که رسیدیم شیراز، رفتیم دم مرکز ایستادیم، سینه صاف کردیم، سلفی اول را گرفتیم و رفتیم داخل.

تصورم این بود که دخترم باله بخند می آید بغلم و در نهایت خوشی و خرمی دست تکان می دهد برای خاله ها و راهی می شویم، اما واقعیت خیلی وقت ها از خیال ما زیر و تیزتر است. سفت بغل مادر بار بود



سرکار بودم که زنگ زد و گفت: «علیرضا بچه دختر ۲ سال و ۸ ماهه بهمون معرفی شده باید بریم شیراز ببینیمش» آب توی گلویم خشک شد، چشم هایم سیاهی رفت، نشستم گوشه جدول روبه روی ساختمان





### مواد لازم (همدمای محیط)

تخم مرغ: یک عدد / شکر قهوه‌ای: یک چهارم پیمانه / شکر سفید: یک سوم پیمانه / روغن مایع: یک دوم پیمانه / کدو سبز زنده شده: یک پیمانه / وانیل: یک چهارم قاشق چای خوری / آرد: یک و یک دوم پیمانه / بیکنگ پودر: یک دوم قاشق چای خوری / جوش شیرین: یک چهارم قاشق چای خوری / نمک: یک هشتم قاشق چای خوری / دارچین: دو قاشق چای خوری / جوز هندی: یک هشتم قاشق چای خوری  
(قابل حذف)

### اگر پیمانه‌های

استاندارد شیرینی‌پزی را دارید از همان استفاده کنید. اما اگر به آنها دسترسی ندارید یک لیوان دسته‌دار فرانسوی را معادل یک پیمانه در نظر گرفته و برای اندازه‌گیری از آن استفاده کنید.

## آموزش پخت نان کدوسبز نان فوری و خوشمزه

فائزه صدیقی  
نویسنده



الک کردن به بهتر شدن بافت نهایی نان کمک می‌کند و باعث می‌شود نان بافت سبک‌تری داشته باشد



انجام پخت نان نداریم. این جاست که پای یک سری نان‌ها به سفره ما باز می‌شود که به جای مایه خمیر داخل آنها از بیکنگ پودر یا جوش شیرین استفاده می‌شود و فوق‌العاده سریع آماده می‌شوند. یکی از این دسته‌ها، نان کدوسبز است که بسیار خوشمزه و سالم است. در ادامه آموزش آن را با هم می‌بینیم.

درست کردن نان معمولاً یک برنامه دقیق و زمان‌بر است. شما باید خمیر را در شرایط مناسب آماده کنید و معمولاً از ساعت‌ها قبل برای پخت و آماده‌سازی نان برنامه‌ریزی کنید. حتی در درست کردن نان‌های حجیم، گاهی مراحل آماده‌سازی کار از روزهای قبل شروع می‌شود. اما خوب، ما همیشه آن قدر زمان برای

کردن به بهتر شدن بافت نهایی نان کمک می‌کند و باعث می‌شود بافت سبک‌تری داشته باشد. کاسه مواد خشک را کنار بگذارید. حالا کاسه مواد تر را آماده کنید. وانیل و تخم مرغ همدمای محیط را با چنگال یا ویسک کمی هم بزنید تا بافت تخم مرغ از هم باز و یکدست شود. شکرها را اندازه‌گیری کنید و به تخم مرغ اضافه کنید. روغن را اضافه کنید و حالا کل مواد را خوب با ویسک هم بزنید تا یکدست شوند. کدوها که تا حالا در آبکش بوده و آب اضافی آن خارج شده است را به آرامی و با ملایمت روی آبکش فشار دهید تا از خارج شدن کل آب آن مطمئن شوید، سپس کدوی رنده شده را به مواد ترازافه کنید و با ویسک به آرامی و در حد مخلوط شدن مواد فولد کنید.

در وسط کاسه مواد خشک، گودی ایجاد کنید و مواد تر را در آن گودی بریزید و آنها را با هم مخلوط کنید. برای مخلوط کردن مواد خشک و تر بهتر است از همزن دستی استفاده کنید. مواد را فقط و فقط تا جایی هم بزنید که آرد کاملاً

شود. برای این دستور به یک قالب لوف ۱۰ در ۲۰ سانتیمتری احتیاج دارید. اگر این سایز را ندارید می‌توانید از سایز بزرگتر آن استفاده کنید ولی برآمدگی نان کمتری می‌شود. قالب را کمی چرب کنید و کف آن را با روغن بپندازید. کدوها را بنا به سلیقه با یا بدون پوست رنده کنید و سپس آنها را اندازه‌گیری کنید. برای اندازه‌گیری، پیمانه یک (بزرگترین پیمانه) را با کدوی رنده شده پر کنید و با دست آن را فشار دهید. حالا یک صافی، آبکش یا الک را روی یک کاسه بگذارید و کدوی رنده شده را روی آن بریزید تا آب اضافی از آن خارج شود.

### طرز تهیه نان کدوسبز

ابتدا کلیه مواد خشک یعنی آرد الک شده، نمک، بیکنگ پودر، جوش شیرین، دارچین و در صورت تمایل جوز هندی رنده شده را در کاسه‌ای بریزید و خوب با هم مخلوط کنید تا به صورت یکدست بخش شوند و مجدداً یک بار دیگر همه مواد خشک را با هم الک کنید. الک

### چند نکته در خصوص مواد اولیه

برای اندازه‌گیری آرد، پاکت آرد را با قاشق هم بزنید، پیمانه را با قاشق پر کنید و سر پیمانه را صاف کنید. آرد اندازه‌گیری شده را حتماً دوبار الک کنید. الک کردن به بهتر شدن بافت نهایی نان کمک می‌کند و باعث می‌شود نان بافت سبک‌تری داشته باشد. هر نوع روغن مایع بی‌طعم و بو (کانولا، ذرت و آفتابگردان) برای این نان مناسب است، ولی استفاده از روغن‌های طعم‌دار مثل هسته‌انگور، زیتون و روغن مخصوص سرخ کردنی جایز نیست.

از آنجایی که شکر قهوه‌ای با تنوع بالا در سوپرمارکت‌ها و لوازم قنادی فروش‌ها به وفور در دسترس است، آن را با شکر سفید جایگزین نکنید، چرا که این دو شکر خصوصیات متفاوتی دارند و جایگزینی باعث تغییر در بافت نان می‌شود.

حرارت را روی ۱۸۰ درجه سانتی‌گراد در فرگازی یا حدود ۱۶۰ درجه در فرهای برقی روشن کنید تا گرم



نان‌هایی که به جای مایه خمیر داخل آنها از بیکنگ پودر یا جوش شیرین استفاده می‌شود، فوق‌العاده سریع آماده می‌شوند و نیاز به برنامه‌ریزی از پیش ندارند

نان بمالید و خشک‌بار مورد نظر را روی آن بپاشید و یا می‌توانید نان را ساده سرو کنید. بعد از حدود ۴۰ تا ۴۵ دقیقه نان را تبست کنید. اگر سیخ چوبی از وسط نان تمیز بیرون بیاورد دیواره‌های یک از قالب فاصله گرفته باشند یعنی آماده است. قالب را روی توری خشک‌کننده بگذارید و بعد از اینکه کاملاً خشک شد، نان را روی کف دست برگردانید و کاغذ روغنی را جدا کنید.

### شرایط نگهداری

این نان قابل فریز کردن است و می‌توانید بعد از پایان پخت و خنک شدن، نان را در محافظ غذا یا آلومینیوم بیچید و تا سه ماه در فریزر نگهداری کنید. نان کدودر دمای محیط ۴ روز و در یخچال یک هفته تازه می‌ماند.

از اینکه این آموزش را تا انتها با من همراه بودید از شما سپاسگزارم. امیدوارم لحظات شیرین زندگی‌تان هر روز بیشتر از روز قبل بوده و تنور آشپزخانه دوست داشتنی‌تان به گرمای زندگی‌تان باشد.

مخلوط شده و رگه‌های آرد دیده نشود. زیاد هم زدن در این قسمت باعث شفته شدن نان کدو می‌شود. در این مرحله می‌توانید گردو، کشمش یا شکلات چیپسی را در مقداری آرد غلظانده، الک کنید و بعد به مواد اضافه کنید. مایه نان را در قالب آماده بریزید، روی آن را صاف کنید و به مدت ۴۰ دقیقه در فر گرم شده بگذارید. نان کدو را می‌توانید در قالب مافین هم بپزید. کافی است قالب مافین را آماده کنید، تا دوسوم با مواد پر کنید و به مدت بیست دقیقه در فر بپزید.

می‌توانید روی نان بادام پرک، پودر پسته یا خشک‌بار پودر شده بریزید. برای این کار دوروش وجود دارد، می‌توانید ۲۰ دقیقه بعد از شروع پخت، در فر را باز کنید، قالب را کمی جلو بیاورید و مواد مورد نظر را روی آن بپاشید. بعد از ۲۰ دقیقه نان کاملاً پف کرده و باز شدن در فر مشکلی ایجاد نمی‌کند و در عین حال هنوز رویه آن چسبناک است و مواد روی آن قرار می‌گیرد، یا می‌توانید بعد از اتمام پخت، عسل رقیق شده روی



## با نوجوان سوگوار چه کنیم؟

# ما در گرماگرم زندگی در دلِ مرگیم

الهام اسماعیلی

نویسنده



با مرگ مادر جون، همه به فکر نوه‌های کوچک بودند که حالا چطور مرگ را برای آنها توضیح دهیم. آیا در مراسم تشییع یا تدفین حضور داشته باشند یا بهتر است به خانه دوست یا آشنایی فرستاده شوند؟

اما از نوه‌های نوجوان انتظار داشتند که خودشان را با شلوغی و مراسم تطبیق دهند و در همه جا کمک دست مامان و باباهاشان باشند و به بقیه دل‌داری دهند. حتی کسی به نوجوان‌ها فرصت گریه و سوگواری هم نمی‌دهد.

عموماً سوال‌های زیادی در مغز نوجوان درباره مرگ می‌چرخد اما فرصتی برای پرسیدن آنها نیست، چون همه در حال برگزار کردن مراسم به شکل آبرومندانه و موردپسند هستند.

«کسی نوجوان را که هم‌پای سایر عزاداران به سوگ نشسته نمی‌بیند و درکی از مواجهه او با این غم و اندوه ندارد و ممکن است از او بخواهند تا خودداری کند و مزاحم فامیل به سوگ نشسته نشود. نوجوان مردن را می‌فهمد، اما برای عبور از آن نیاز به توجه و گفتگو دارد. اما خانواده‌ها درگیر انتخاب مکان دفن، نحوه هزینه کردن و برگزاری مراسم می‌شوند و در این بین، گاه مشاجره‌هایی نیز بین افراد فامیل رخ می‌دهد که اوضاع را متشنج کرده و نوجوان مغموم را بیش از قبل منزوی و عصبانی می‌کند.»

این‌ها را جوانی که پدرش را در نوجوانی از دست داده بود با خاطری محزون برایش گفت. اغلب در خانواده‌های سنتی و مذهبی،

چیستی مرگ واضح است. همان را به نوجوان تازه به سن بلوغ رسیده مکلف شده توضیح می‌دهند. مرگ پلی است بین دنیا و آخرت. روح جدا شده از جسم، به برزخ خود وارد می‌شود و آن سیری که در روایت‌ها از امامان نقل شده است را به او توضیح می‌دهند. البته همین انجام مناسک و مراسم از حجم و شدت اندوه از دست دادن و فقدان حضور عزیزان دست رفته می‌کاهد و گاه، حتی در شلوغی دلیل کنار هم بودنشان را کم می‌کنند.

در نوجوانی ما (که فقط دفتر خاطرات و گفتگوهای یواشکی با هم را داشتیم) کم پیش می‌آمد تا از مرگ و دل‌تنگی برای بزرگترها حرف بزنیم. با آن تمایل به خودکشی در خودمان. حالا با حضور نوجوان‌ها در شبکه‌های اجتماعی از نگاه آنها به مسائل آگاه شده‌ایم و گاه از مرگ ناهراسی در آنها تعجب می‌کنیم. اکثر نوجوان‌ها بسیار تمایل دارند مرگ را تجربه کنند و بدانند چه اتفاقی برای شان بعد از مردن خواهد افتاد و بسیار پیش آمده که نوجوان، سوگ ناشی از مرگ را تجربه می‌کند. باز دست دادن دوست صمیمی، پدر یا مادر یا سایر بستگانش که در هر یک از آنها مواجهه‌ش با فقدان آن عزیزان متفاوت است. اندوه، واکنشی طبیعی و عاقلانه به از دست دادن است.

اول نکته در رابطه با نوجوان سوگوار این است که به شیوه سوگواری او احترام بگذاریم و در کنارش بمانیم. دست از نصیحت کردن و صحبت برای بازگشت به زندگی برداریم. حالا او تنها کسی است که بار رفتن اطرافیان، به عمق تنهایی و رنج فقدان عزیزش مواجه

شده و در حال زجر کشیدن و تحمل زندگی بودن خودش است. کافی است با سعه صدر، شیوه‌های متفاوت سوگواری را از او بپذیریم تا با تمام شدن بهم ریختگی‌های جسمی و روانی‌ش بتواند به حالت عادی بازگردد. نوجوان طی این دوران فقط صبوری و محبت می‌خواهد. روزهای ابتدایی شاید دلش بخواهد ساعت‌ها تنها در تختخوابش بخوابد یا مدت طولانی به موسیقی مورد علاقه‌اش گوش دهد. او برای آرام کردن خودش راهی را یافته است. شاید او به کسی نیاز دارد تا فقط اندوه‌ش را بفهمد و بپذیرد.

دوم اینکه اگر او را مایل به گفتگو دیدید از تجربه‌ش در سوگ سوال بپرسید و نسبت به احساسات او کنجکاوی از خود نشان دهید و به او بگویید که از هولناک بودن سوگ با خبر هستید و خودتان هم تجربه مشابهی داشته‌اید. ممکن است نوجوان در هنگام اندوه و سوگ به سمت هنر و خلق اثر روی آورد و با انجام یک کار هنری، مثل نقاشی، سفالگری، سرودن شعر، نوشتن داستان، بدون صحبت کردن از احساسات درونی‌اش به سوگواری بپردازد.

سوم نوجوان سوگوار را با جملات و کلمات تسلی بخش آزار ندهید. مدام از او نخواهید قوی باشد و او را به آینده روشن و سرشار از موفقیت امیدوار نکنید. ما از آینده و

مشکلاتی که یک نوجوان که والد یا دوست صمیمی‌ش را از دست داده بی‌خبریم. با جملات آرام بخش سعی در تسکین بخشیدن او داریم اما عموماً نتیجه عکس دارد و او را بی‌ترنج می‌دهیم. نوجوان در درون خودش طوفانی دارد و از بیرون به یک همراه و دوست برای گذر از این بحران عاطفی که برایش اتفاق افتاده نیاز دارد. تنها یک آغوش امن و مطمئن برای پشت سر گذاشتن بحران فقدان است که به طور ناگهانی در زندگی‌ش اتفاق افتاده است، می‌خواهد. لازم است در هر گفتگو به او یادآور شویم که «عیبی ندارد اگر حالت خوش نیست» \* با خود غمگینت مهربان باش، با گذر زمان، از حجم غم و اندوه تو کاسته می‌شود.

● از جستار پس از زندگی - کتاب لنگرگاهی در شن روان

● عنوان کتابی از نشر میلکان - در باب مواجهه با اندوه و فقدان در فرهنگی که این‌ها را برنمی‌تابد



عموماً پس از تجربه سوگ، سوال‌های زیادی در مغز نوجوان درباره مرگ می‌چرخد اما فرصتی برای پرسیدن آنها نیست، چون همه در حال برگزار کردن مراسم به شکل آبرومندانه و موردپسند هستند



در واقع کسانی که می توانند در زمان چالش و بحران راه حل های ساده و موثر ارائه کنند، دارای هوش هیجانی بالاتری هستند. هوش هیجانی یعنی توانایی شناسایی، درک و مدیریت احساسات خود و دیگران. این مهارت به ما کمک می کند تا احساساتمان را به درستی بشناسیم، به آن ها احترام بگذاریم و آن ها را در جهت مثبت هدایت کنیم.

در محیط کار، کسی که هوش هیجانی بالایی دارد، می تواند بهتر با فشارها و تنش ها کنار بیاید، تعارض ها را به طور مؤثر مدیریت کند و در برقراری ارتباط درست با همکاران و مدیرانش موفق باشد. به عبارت دیگر، هوش هیجانی به شما کمک می کند تا همانقدر که کار خود را خوب انجام می دهید، بتوانید با افراد دیگر هم کار کنید.

در زندگی روزمره هم هوش هیجانی نقش مهمی دارد. شخصی که مهارت های هوش هیجانی بالایی دارد می تواند روابط عاطفی عمیق تر و معنادارتری بسازد، استرس را بهتر مدیریت کند و در مواجهه با مشکلات و چالش ها، احساسات خود را به نحو سازنده تری به کار بگیرد.

پس متوجه شدیم که هوش هیجانی (که به عنوان ضریب عاطفی یا EQ نیز شناخته می شود)، توانایی درک و مدیریت احساسات خود و دیگران است. مانند IQ، هوش هیجانی را می توان از طریق ارزیابی های مختلف اندازه گیری کرد، اما IQ نشان دهنده توانایی های شناختی است در حالی که EQ معیاری برای توانایی های عاطفی فرد است.

در محیط کار، کسی که هوش هیجانی بالایی دارد، می تواند بهتر با فشارها و تنش ها کنار بیاید، تعارض ها را به طور مؤثر مدیریت کند و در برقراری ارتباط درست با همکاران و مدیرانش موفق باشد

## راهکارهایی برای ارتقا و تقویت هوش هیجانی یا EQ چگونه هوش هیجانی خود را ارتقا دهیم؟

نوشین تقیایی  
نویسنده

دارید. عکس العمل شما کدام است؟ مضطرب می شوید و نمی توانید کارهایی که همیشه با کیفیت بالا ارائه می دادید انجام دهید؟ احساس خستگی می کنید و ترجیح می دهید در پروژه همکاری نکنید و طبق روال روزهای عادی شرکت را ترک کنید؟ پروژه را به بخش های کوچک تقسیم و سعی می کنید کارها را بین سایر همکاران طوری پخش کنید که در کمترین زمان ممکن به نتیجه برسید؟ یا ترجیح می دهید به تنهایی بار کار را به دوش بکشید و به هر زحمتی که شده آن را انجام دهید؟ شاید فکر کنید مورد آخر، کارمند محبوب است. ولی این را به خاطر داشته باشید که توانایی مدیریت در محل کار، مهم تر از توانایی انجام کارها به تنهایی است.

احتمالاً همه ما در محیط کار خود همکار یا همکارانی داریم که در مواقع پر استرس و یا زمانی که چالش مهمی پیش می آید، بهتر از سایرین شرایط را مدیریت می کنند. ممکن است گاهی با خود فکر کنید که چرا مدیر واحد با یکی از کارمندان ارتباط بهتری دارد، بیشتر به او اعتماد می کند یا مسئولیت های مهم تری به او می دهد. حتی ممکن است از لحاظ حرفه ای و تخصص شما از آن همکاران بالاتر باشید. بگذارید با یک مثال موضوع را روشن تر کنیم. فرض کنید شما یک مهندس معمار هستید و در یک شرکت مشغول به کارید. یک پروژه به شرکت شما داده می شود که مدت زمان کمی برای تحویل آن



## هوش هیجانی شامل چه مهارت‌هایی است؟

۱. **خودآگاهی:** خودآگاهی یعنی داشتن درک درست از نقاط قوت، محدودیت‌ها، احساسات، باورها و انگیزه‌های خود. شاید به نظر آن خبیلی ساده بیاید، با این حال در مقاله‌ای که توسط دیپارتمان کسب و کار دانشگاه هاروارد منتشر شده است، ۷۹ درصد از مدیرانی که توسط شرکت مشاوره سازمانی Korn Ferry مورد بررسی قرار گرفته‌اند حداقل یک نقطه ضعف مهم داشتند. یعنی مهارتی که آن‌ها در بین قوی‌ترین مهارت‌های خود قرار می‌دادند ولی دیگران آن را به عنوان یک ضعف گزارش کرده‌اند. مدیران و رهبرانی که در تشخیص و مدیریت احساسات خود ماهر هستند، برای درک احساسات دیگران و نحوه ایجاد انگیزه در کارکنان، توانمندتر هستند.

با آگاهی و اعتراف به نقاط ضعف خود، می‌توانید اعتماد و شفافیت در میان تیم خود ایجاد کنید. حتی اگر مدیر یا رهبر یک تیم نیستید، می‌توانید با آگاهی داشتن به حوزه‌هایی که برای پیشرفت شغلی خود باید در آن‌ها بهتر شوید، در حرفه خود ارتقا پیدا کنید.

۲. **خودساماندهی:** خود ساماندهی به نحوه مدیریت احساسات، رفتارها و عکس العمل‌های خودمان اشاره دارد. هرچه خودآگاه‌تر باشید، این کار آسان‌تر می‌شود. اگر بتوانید تشخیص دهید که چه احساسی دارید و چرا، می‌توانید پاسخ مناسبی به آن بدهید.

دانیل گولمن، روان‌شناسی که برای اولین بار هوش هیجانی را مطرح کرد، در وبسایت خود نوشته است: «در طول سال‌ها کار حرفه‌ای، هرگز تمایل به نشان دادن عکس العمل‌های افراطی را به عنوان شاخصی از رهبری قوی ندیده‌ام». اگر مستعد طغیان‌های عاطفی یا واکنش‌های بیش از حد هستید، تاکتیک‌هایی وجود دارد که می‌توانید برای بهبود خودساماندهی از آن‌ها استفاده کنید، مانند:

- قبل از پاسخ دادن مکث کنید: به خودتان زمان بدهید تا قبل از پاسخ دادن فکر کنید. این کار می‌تواند به اندازه یک نفس عمیق باشد. ۲۰ ثانیه مکث کنید تا احساسات شما از مسیر افکار خارج شود.

- یک قدم به عقب بردارید: گاهی اوقات، ممکن است لازم باشد اتاق را ترک کنید، و این اشکالی ندارد. اغلب بهتر است پیاده روی کنید، کمی آب بنوشید یا بایک دوست تماس بگیرید تا اینکه زود قضاوت کنید، یک ایمیل تند و کوبنده ارسال کنید یا همکاران خود را سرزنش کنید.

- احساسات خود را بشناسید: سعی کنید آنچه را که احساس می‌کنید باعث ناراحتی شما شده است، یادداشت کنید. بعد از چند بار تکرار این کار شروع به شناسایی

الگوها خواهید کرد. اگر می‌دانید چه چیزی شما را تحریک می‌کند، دفعه بعد که موقعیت مشابهی رخ می‌دهد، بهتر می‌توانید آن را به روشی سالم و مثبت مدیریت کنید.

۳. **همدلی:** همدلی توانایی درک تجربیات و احساسات دیگران است و امروزه توسط شرکت مشاوره جهانی DDI به عنوان یک مهارت برتر رهبری تعریف می‌شود.

بر اساس تحقیقات DDI، رهبرانی که توانایی گوش دادن و پاسخگویی همراه با همدلی عالی دارند، بیش از ۴۰ درصد در هدایت تیم، برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری عملکرد بهتری دارند.

با گوش دادن فعالانه به کارمندان خود و صرف زمان برای درک خواسته‌ها و نیازهای آن‌ها، می‌توانید تعاملاتتان را تقویت کنید، اعتماد بیشتری ایجاد کنید و به طور مؤثرتری آن‌ها را در چالش‌ها راهنمایی کنید.

۴. **انگیزه:** انگیزه یعنی توانایی شما برای الهام بخشیدن به خود و به دیگران برای انجام کارها. رهبران با انگیزه بیشتر به رسیدن به اهداف مهم سازمانی اهمیت می‌دهند تا سود مالی. آنها اهداف را تعیین می‌کنند، برای رسیدن به این اهداف ابتکار عمل به خرج می‌دهند، از پس چالش‌ها برمی‌آیند و در زمان مشکلات خوش بین باقی می‌مانند. هرچه مثبت‌تر باشید، تیم شما اعتماد به نفس بیشتری خواهد داشت.

۵. **مهارت‌های اجتماعی:** مهارت‌های اجتماعی به توانایی‌های شما در فهمیدن و درک احساسات خودتان و دیگران و همچنین نحوه برخورد و گفتگو با آن‌ها اشاره دارد. این مهارت‌ها شامل توانایی‌هایی چون برقراری ارتباط مؤثر، گوش دادن فعال، غیرکلامی بودن (مانند زبان بدن و تماس چشمی)، و مدیریت و حل تعارضات به روشی سازنده است.

هر چه بیشتر با احساسات خود آشنا باشید، ارزیابی دیگران آسان‌تر خواهد بود. و اگر بتوانید احساسات دیگران را ارزیابی کنید، راحت‌تر می‌توانید روابط مؤثر ایجاد و آنها را حفظ کنید. مدیران دارای مهارت‌های اجتماعی قوی می‌دانند که به تنهایی نمی‌توانند به موفقیت برسند. رسیدن به اهداف و نقاط عطف نیازمند همکاری، ارتباط و چشم‌انداز مشترک است.

## چگونه مهارت‌های هوش هیجانی خود را توسعه دهیم؟

اگر تا اینجا مقاله به این نتیجه رسیدید که هوش هیجانی بالایی ندارید، ناامید نشوید. خوشبختانه این مساله با انجام تعدادی از تمرینات به طور مستمر و صحیح، قابل بهبود است. این روش‌ها عبارتند از:

۱. **یادداشت برداری روزانه را امتحان کنید:** در پایان روز کاری، به نحوه انجام جلسات، پروژه‌ها و تعاملات خود فکر کنید، چه مثبت یا منفی. با نوشتن افکار خود، می‌توانید الگوهای خاصی را در مورد رفتارها و واکنش‌های خود و دیگران تشخیص دهید. کجا عالی بودید؟ آیا احساس و رفتار کارکنان شما چطور بود؟ آیا افراد یا موقعیت‌های خاصی وجود داشتند که شما را ناامید کردند و اگر اینطور بود چرا؟ اگر آدم درونگرایی باشید این روش بیشتر کمکتان خواهد کرد. به این ترتیب از آنچه شما را ناراحت می‌کند آگاه‌تر می‌شوید، به

طوری که می‌توانید از یک رفتار افراطی در آینده جلوگیری کنید یا اقداماتی که ثابت شده روحیه کارکنان را تقویت می‌کند، تکرار کنید.

۲. **ارزیابی ۳۶۰ درجه انجام دهید:** ارزیابی ۳۶۰ درجه، که به عنوان بازخورد ۳۶۰ درجه نیز شناخته می‌شود، یک روش جامع ارزیابی کارکنان است که در آن یک کارمند به‌طور همزمان توسط افراد مختلفی از درون و بیرون سازمان ارزیابی می‌شود. این افراد معمولاً شامل مدیران، همکاران، کارمندان که تحت رهبری فرد قرار دارند، و حتی گاهی اوقات مشتریان و دیگر ذی‌نفعان می‌شوند. ارزیابی ۳۶۰ درجه به کارمندان این امکان را می‌دهد که یک دید کامل از عملکردشان داشته باشند، زیرا آن‌ها نظراتی را از یک دایره وسیع افراد دریافت می‌کنند، نه فقط از مدیر مستقیم‌شان. این فرآیند باید به شکل سازنده‌ای انجام شود تا کارمندان بتوانند از بازخوردها به‌گونه‌ای مثبت استفاده کرده و بر روی مواردی که نشان دهنده بهبود هستند تمرکز کنند.

۳. **گوش دادن فعال را تمرین کنید:** با توجه به روانشناسی امروز، تنها حدود ۱۰ درصد از مردم به طور مؤثر گوش می‌دهند. شما به راحتی می‌توانید با صدای زنگ و پیام گوشی، صداهای پس‌زمینه و حتی افکار خود تمرکزتان را از دست بدهید و متوجه

صحت‌های طرف مقابل نشوید. با این حال، برای اینکه یک ارتباط مؤثر با دیگران ایجاد کنید (چه در محل کار و چه در زندگی شخصی) باید شنونده خوبی باشید.

گوش دادن فعال را تمرین کنید. سعی کنید روی صحبت‌های گوینده تمرکز کنید و با بازگویی و استفاده از نشانه‌های غیرکلامی دیگر مانند تکان دادن سر، نشان دهید که درگیر صحبتش هستید. با گوش دادن فعالانه در محل کار، ارتباط با دیگران و درک واقعی افکار و احساسات آنها آسان‌تر خواهد شد.

۴. **به احساسات خود توجه کنید:** برای درک احساسات دیگران، ابتدا باید احساسات خود را درک کنید. وقتی دچار احساسات شدید (مثل خشم، حسادت، هیجان) می‌شوید، چه مثبت یا منفی، آگاهانه تلاش کنید تا به آنچه احساس می‌کنید فکر کنید. لحظه‌ای وقت بگذارید و به این فکر کنید که چرا چنین احساسی دارید و چه چیزی ممکن است باعث چنین واکنش عاطفی شدیدی شده باشد. این به شما کمک می‌کند تا از احساسات خود آگاه‌تر شوید و همکاران خود را بهتر درک کنید. به عنوان یک رهبر همدل، می‌توانید تیمی با عملکرد بالا پرورش دهید.

## سخن آخر

ایجاد مهارت‌های هوش هیجانی نه تنها می‌تواند به رشد شما به عنوان یک رهبر کمک کند، بلکه شما را قادر می‌سازد انگیزه بیشتر و مؤثرتری در تیم خود ایجاد کنید. همچنین می‌توانید با تقویت روحیه، بهره‌وری و ارتباطات، تأثیر بیشتری بر سازمان خود داشته باشید و در حرفه خود پیشرفت کنید.

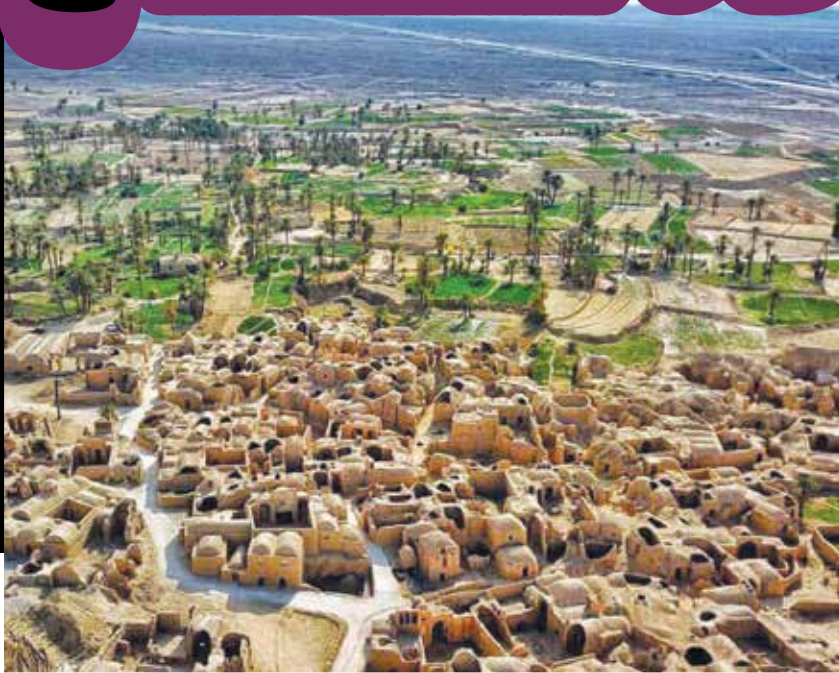
خوشبختانه هوش هیجانی با انجام تعدادی از تمرینات به طور مستمر و صحیح، قابل بهبود است

ایجاد مهارت‌های هوش هیجانی نه تنها می‌تواند به رشد شما به عنوان یک رهبر کمک کند، بلکه شما را قادر می‌سازد انگیزه بیشتر و مؤثرتری در تیم خود ایجاد کنید



## بهترین تعطیلات زمستانی رادر طبس می گذرانید

# کشوری هار قصه در دل ایران



عطیه عیار  
نویسنده



روستای اصفهک

ملی ثبت شد اما در زلزله سال ۵۷ کاملاً نابود شد و آستان قدس بنای فعلی را ساخته است.

### نگین سبز گلشن بر حلقه طلایی کویر

دیدنی عجیب و خاص شهر طبس نه کویر و خانه‌های کویری‌اش که باغ گلشن است. همیشه مایه شگفتی بوده که در دل کویر یزد یا کرمان چطور باغ‌های دلنوازی مثل دولت‌آباد یا باغ شازده را برپا کرده‌اند اما در طبس باغی است که از این دو باغ هم قدیمی‌تر است. سرسبزی این باغ در دل کویر آنقدر منحصر به فرد بوده که ناصر خسرو در سفرنامه خود آن را «طبس گیلکی» نامیده است. باغ گلشن در بحبوحه جنگ‌های زنده و قاجاریه، به دست میرحسن خان، سومین حاکم خاندان شیبانی احداث شد. مثل همه باغ‌های ایرانی متشکل از یک حوض با فواره‌هایش در میان و پیاده‌راه‌هایی برای گردش در کنار درخت‌ها و گل‌هاست. فواره‌های این باغ مثل سایر باغ‌های ایرانی با مهندسی خاص ایرانی و بدون نیروی برق یا مکانیکی کار می‌کند. اکثر باغ‌های ایرانی مستطیل هستند اما باغ گلشن به صورت مربع ساخته شده؛ نکته‌ای که فقط در باغ تاج محل هندوستان دیده می‌شود.

یکی دیگر از ویژگی‌های جالب باغ گلشن پوشش گیاهی آن است. در دل کویری مثل طبس می‌توان انتظار درختی گرمسیری مثل نخل را داشت اما درخت سرمدوست چنار یا درخت استوایی سیکاس نیز در این باغ دیده می‌شود. درخت‌های پرتقال و نارنج و انگورش هم به این شگفتی اضافه می‌کنند. گل‌های لطیفی مثل رز و ختمی کامل‌کننده همه تناقض‌های زیبای این باغ هستند. نام باغ گلشن سال ۲۰۰۸ در فهرست ۵۰ باغ زیبای جهان در دلی تلگراف آمده است. این باغ علاوه بر ناصر خسرو، مایه تعجب افرادی مانند آندره گدار فرانسوی و پنه‌لوپه هابوس کارشناس باغ‌های ایرانی هم شده است.

در زلزله ۵۷، خود باغ آسیبی ندید اما بنای دوطبقه سردرش به طور کامل تخریب شد. این سردر دوباره به همان شکل اولیه بازسازی و در آن موزه‌ای هم احداث شد. با توجه به غنای زمین‌شناختی طبس، این موزه گنجینه‌ای از کانی‌ها، سنگ‌ها و فسیل‌های یافت شده در منطقه است. یکی از فسیل‌های این موزه ۵۴۰ میلیون سال قدمت دارد.

در مستندی که پرویز کیمیای از طبس ساخته، به پلیکان‌های این باغ هم اشاره شده است. این دو پلیکان در مسیر مهاجرتی خود به جنوب در این باغ فرود آمدند و برای همیشه ماندند. بعد از زلزله، یکی از آنها زیرآوار ماند. جفتش تنها ماند اما نرفت و همچنان یکی از نمادهای باغ ماند تا سال ۱۳۹۴ که از دنیا رفت. اما مسئولین نگذاشتند این باغ بی پلیکان بماند و چند سال بعد تعدادی از این پرند به مجموعه اضافه کردند. باغ گلشن همیشه باز است و برای دیدن نیاز به تهیه بلیت ندارید. امکان بردن وسایل پیک‌نیک هم دارد. در واقع این باغ مثل بوستان‌های امروزی برای عموم در دسترس است.

### کهن‌دژ

کمی آن طرف‌تر از باغ، قلعه‌ای قدیمی است از قرن پنجم میلادی. یادگار دورانی که مردم برای حفظ زندگی‌شان از مهاجمین در حصار دیوارها زندگی می‌کردند. برای همین ساختمان‌های زیاد و مسیرهای زیرزمینی زیادی در آن کشف شده است. قنات‌هایی قدیمی در آن است که یکی از آنها هنوز فعال و قابل بهره‌داری است. در خرابات قلعه مزار پیرمردی عارف به نام سیدعلی میرزا آقا به چشم می‌خورد. او به مدت چهل سال زندگی شوریده‌حالی را در قلعه گذرانده است. اگر طالب اطلاعات بیشتر از او هستید، مستند «پ» (۱۳۵۱) ساخته پرویز کیمیای را ببینید.

### در مسیر آب

از طبس ۲۵ کیلومتر به سمت شرق که برویم، به روستای خرو می‌رسیم. سرراه دو سوراخ قدیمی و سرسبز را می‌بینیم. کوهی در این منطقه است که قلعه اسماعیلیه بر بالای آن خودنمایی می‌کند. پای این کوه، تنگه مرتضی‌علی است که چند چشمه آب گرم و یک چشمه آب سرد در آن می‌جوشد و جاری است. تصور کنید در این شرایط پایتان را در آبی بگذارید که هم سرد است و هم گرم؛ تناقض در عین یگانگی! آب گرم چشمه از دیواره‌ها به داخل رودخانه کف تنگه می‌ریزد و تا مسیری ۳۰۰ متری در کنار آب سرد رودخانه جاری است بدون اینکه با هم مخلوط شوند. در تنگه که پیش می‌روید، کم‌کم به جایی می‌رسید که تا زانو در آب هستید. در آغوش دیواره‌های

گزینه‌های مسافرت زمستانی در ایران اگر بیشتر از بهار و تابستان نباشد، کمتر نیست. کافی است فرصت و شرایط سفر داشته باشید. هنوز می‌توانید به انبوهی از مقصدهای گردشگری فکر کنید. هم نیمه جنوبی کشور شامل کویرها، شهرهای کویری، دو دریای جنوب و شهرها و جزیره‌های آن انتخاب‌هایی به موقع و بهاری هستند، هم شهرهای نیمه شمالی که همه می‌دانیم در این فصل چقدر سردند، زیبا و بدیع، دلنوازی می‌کنند. انتخاب اول بسیاری از مسافران، قشم و کیش یا چابهار است. کویرگردی در مناطق مرکزی هم در سال‌های اخیر حسابی رایج شده و آفتاب‌گناه و بومگردی راه افتاده که سفر مطمئن و راحتی داشته باشیم. آنها که ماجراجوتر هستند، به جنگل‌ها و کوه‌ها می‌روند و اگر برف و باران باشد، اسکی و تفریحات زمستانی هم خاطره‌ای خوش به جا خواهد گذاشت. اما در این نوشته می‌خواهیم گزینه‌ای کمتر شناخته شده را بگویم.

### طبس یادگاری از تئیس

هلیکوپترهای امریکایی می‌شناسند. در هر حال، از چند سال پیش، به همت خود طبسی‌هایی منطقه دوباره سرزبان‌ها افتاده و یکی از مقاصد گردشگری و تفریحی نسبتاً بکر شده است.

### از کجا شروع کنیم؟

به نظر بهتر است برای سفر به طبس فقط نیت کویرگردی نکنید! منوی گردشگری طبس آنقدر متنوع است که برای خوب گشتن و کیف کردن دو، سه روز هم کم است. تازه اگر وقت و حوصله و میلش را داشته باشید، می‌توانید سفر به طبس را با سفر به مشهد و زیارت هم یکی کنید و به واقع می‌شود هم فال و هم تماشا! طبس در ۵۴۰ کیلومتری جنوب شهر مشهد است. هم ایستگاه راه‌آهن و هم فرودگاه دارد. پس بسته به شرایط و موقعیت مکانی‌تان می‌توانید انتخاب کنید چگونه به آنجا برسید.

بعد از ورود به طبس، هم می‌توانید به سراغ باغ ایرانی معروفش بروید هم امامزاده‌اش. امامزاده حسین بن موسی‌الکاظم (ع) برادر امام رضا بوده که در مسیر دیدن برادر در این منطقه از دنیا رفته است. بنای اصلی این امامزاده سال ۱۳۱۸ از آثار

زمانی بخش عمده ایران اقیانوسی عظیم بود به نام تئیس که به مرور از بین رفت؛ طوری که بخش عمده ایران کویری خشک شد. در شمال شرق این آب فرورفته، کویری جاخوش کرده که الان به عروس کویرهای ایران شناخته می‌شود: طبس! نام طبس یکی از هیجان‌انگیزترین نام‌ها در تاریخ معاصر ایران است. کویری در ناحیه شمال شرقی ایران که الان جزو خراسان جنوبی است. به غیر از خود کویر و ریگزارهای زیبایش، قلعه‌های باستانی، قنات‌های چند صدساله، روستاهایی با محصولات متفاوت و البته باغ‌های سرسبز ایرانی باعث می‌شود طبس را چکیده‌ای از مجموعه فناوری‌ها و نبوغ ایرانی بدانیم.

سال ۵۵ طبس را شهری باستانی معرفی کردند و به همین دلیل آثار و ابنیه باقی‌مانده جزو میراث ملی شد و تخریب آنها ممنوع. اما دست روزگار به این تصویب‌های دولتی کاری ندارد. سال ۵۷ طبس زلزله و حشتناکی را تجربه کرد که روستاهایش با خاک یکسان شد. در این زلزله ۱۰ هزار نفر کشته شدند. اکثر ایرانی‌ها بخصوص نسل بعد انقلاب، طبس را به خاطر واقعه طوفان‌شن و زلزله و



راه رفتن در کوچه پس‌کوچه‌های کاهگلی ولی نونوار اصفهک مثل سفر در زمان است. در جایی راه می‌روید، می‌نشینید و اقامت می‌کنید که ریشه در ۴۰۰ سال پیش دارد اما مخروبه نیست





پیشنهاد ما رانندگی به جنوب شرقی حلوان و تماشای کال طیس با رودخانه نمک طیس است. زمینی که تا چشم کار می کند، سفید است. در نگاه اول انگار برقی حسابی باریده اما در واقع روی یک نمکزار وسیع ایستاده‌اید. حتماً با کفش مناسب و بسته، پا روی این نمک‌ها بگذارید. چشم‌هایتان را ببندید و به صدای نمک سفتی که زیر پایتان فشرده می شود، گوش کنید. اما چشم‌نوازترین و بی رقیب‌ترین صحنه این نمکزار دریاچه‌ها و جوی‌های آب شفاف هستند که جابه‌جا در نمکزار ایجاد شده‌اند. آبی‌تر از این آب زلال و درخشان هیچ‌جا نمی بینید. دیدنی‌های طیس هنوز تمام نشده است. روستای شگفت‌انگیز از میغان با شالیزارهای برنج، روستای سرسبز نایبندان، روستای تاریخی کریت، کویر روح مرغوم، چاه غار ۵۰ میلیون ساله جهنم و کلی مکان و اسم دیگر هنوز باقی مانده است. طیس خود یک کشور چهار فصل است در دل ایران چهار فصل. نزدیک‌ترین تعطیلات چند روزه چه زمانی است؟ حتماً برنامه بریزید برای طیس.

حلوان



۴۰۰ سال پیش دارد اما مخروبه نیست. خانه‌های آن اکثر یک طبقه و در هم تنیده هستند تا گرمای کویری را کاهش دهند. آب و هوای اصفهک خاص است و امکان پرورش هر نوع محصولی در آن فراهم است. اگر به اصفهک رفتید، حتماً به حمام قدیمی اش سر بزنید. به غیر از زعفران و خرما، صنایع دستی و نعنای اصفهک هم بسیار معروف است.

### بسم الله بگو و رد شو

می شود از کویر گفت و سراغ مقوله جذاب و ترسناک و پرآدرنالین از مابه‌تران نرفت؟ اصلاً نمی از دهشتناکی کویر به خاطر ساکنین خیالی آن است (واقعاً خیالی هستند!). در میانه‌های کوه‌های اطراف طیس، دره‌هایی است حاصل میلیون‌ها سال بوسه باد برسنگ. در فاصله کم و تنگ دیواره‌های عمیق شده و دره‌های گودرفته باد می پیچد و هوهو می کند و صدایی می دهد که مردم محلی می گویند به خاطر رفت و آمد جن هاست و به آن کال جنی می گویند. در شکاف باریک تنگ‌ها که جلو بروید، به قسمتی می رسید که حفره‌هایی روی دیواره‌های بند آن دیده می شود؛ دخمه‌هایی که زمان ساسانیان کنده شده و محل آیین‌ها و مراسم دینی زرتشتیان بوده است.

### آنجا که طلا به لاجورد می رسد

بعد از این همه گشت و گذار سرسبزانه، وقتش است به اصل مطلب برسیم. کویر طیس را عروس کویرها می گویند. در ۹۰ کیلومتری شمال شرق طیس، روستای حلوان در ابتدای کویر مرکزی ایران جا خوش کرده است. می توانید در اقامتگاه‌های روستا اطراق کنید و بعد برای دیدن کویرهای مختلف آن منطقه برنامه بریزید. نزدیک‌ترین کویر حلوان است با تپه‌ها و استپ‌ها و ریگزارهای روانش. اگر بیشتری خواهید به سمت غرب بروید، سه ساعت بعد به کویر معروف مصر می رسید. اما

بلند و سخت تنگه پیش بروید. اگر دیوارها را نگاه کنید، نقش برجسته‌های شیر، خورشید و بیزرا پیدا می کنید. اینها خواسته‌ها و آرزوهای اجداد ما بودند که به شکل نمادهای باروری و دعا برای آب روی سنگ حک شده‌اند.

در انتهای مسیر به سازه‌ای در دل تنگ می رسید: طاق شاه عباسی؛ سدی که حدود هفتصد سال قبل و زمان شاه عباس صفوی ساخته شده است. این سد در واقع مانعی بوده برای انحراف سیلاب‌های ده ساله که هر از گاهی به سمت شهر می آمده‌اند. دیواره آجری آن روی پاکارهای سنگی تنگه بنا شده است. موقعیت خروجی آن طوری است که هیچ رسوبی پشتش جمع نمی شود و برای همین هفتصد سال بدون نیاز به تعمیر و نگهداری باقی مانده و همچنان هم می تواند پارچا باشد. این سد ۶۰ متری به مدت ۵۵۰ سال بلندترین سد جهان بود. قسمت بالای آن که قوسی شکل است، بسیار نازک است. با ضخامت تاج کمی بیشتر از یک متر نازک‌ترین تاج سد جهان است. به علاوه در برابر زلزله ۵۷ دوام آورده و آخ نگفته. فناوری این سد برای زمان خودش تقریباً امری محال بوده است. برای همین آن را پرشی فنی در علم سدسازی می دانند که با سدهای امروزی قابل مقایسه است.

### از خاک و بر خاک

نقطه دیدنی دیگر روستای اصفهک است. روستایی که هم هست و هم نیست. آن زلزله وحشتناک روستا را با خاک یکسان کرد. طبق اسناد بین ۱۰ تا ۱۵ هزار نفر جان باختند. مردم باقی مانده به کلی از آنجا رفتند و در جای دیگری روستایی جدید ساختند اما بعد از چند سال به روستای اصفهک برگشتند و بخشی از آن را با مصالح سنتی یعنی خشت و کاهگل بازسازی کردند. شاید راه رفتن در کوچه پس کوچه‌های کاهگلی ولی نونوار اصفهک را بتوان با محله فهادان یزد مقایسه کرد. مثل سفر در زمان است. در جایی راه می روید، می نشینید و اقامت می کنید که ریشه در

تنگه کال جنی



# «پسند دیده و میل» دل را کجا گم کردیم؟

## خانواده، ازدواج و توقعات کاذب

سارا مؤمنی

دانشجوی دکترای مدیریت رسانه

می گفت

یکی از خواستگاراناش

به او گفته: «شما قورمه سبزی هم بلدید

درست کنید؟ برای من خیلی مهمه.» دیگری

می گفت دختری که به خواستگاری اش رفته، گفته: «من

سرکار می رم و پس تو خونه هیچ کاری نمی کنم.» حتماً شما هم

داستان هایی عجیب و غریب و گاهی خنده دار اما واقعی شنیده اید

از دختران و پسرانی که تصمیم به ازدواج و شروع زندگی مشترک

گرفته اند اما برای آن آماده نیستند، چون برای آن آماده نشده اند.

راستش انتخاب ازدواج و شروع زندگی مشترک، انتخاب خوبی

است که فرد در سبک زندگی فردی اش آن را جاداده، اما

مهم است که برای این انتخاب آماده و از مقدمات،

شرایط و کم و کیف آن باخبر

باشد.

### با اجازه «این رو توصیه کردن»

درباره خود افراد، خانواده، خویشاوندان و قانون گفتیم و رگه های آنها را به عنوان عواملی که مانع آماده شدن جوانان برای ازدواج است، دیدیم. می خواهیم بگوییم این مسأله در امور دینی هم وجود دارد. در این بخش بیشتر کج فهمی ها و برداشت های نادرست از روایات و توصیه های مختلف دینی و گره زدن آن به عرف در بازه های زمانی مختلف، باعث می شود دور خودمان حصار و طنابی بکشیم که اصطلاحاً خسرال دنیا و الاخرة بشویم؛ مثلاً اگر به سوردادن برای ازدواج توصیه شده ایم آنقدر در جزئیات آن غرق می شویم و بر مبنای همین توصیه ساده برداشت های مختلف و پیچیده ای داریم که باعث می شود مراسم و رسم و رسوم عجیب و غریبی خلق کنیم و خودمان را به آن متعهد بدانیم و در نهایت به اختلاف و دلخوری برسیم، فشار را بر هم زیاد کنیم و خوشی را از هم بگیریم.

### با اجازه «پسند دیده و میل دل»

بعد از واکاوی این عوامل داشتیم به این فکر می کردم که پس در این میان تکلیف خود دوست داشتن و محبت چه می شود؟ قصه های قدیمی ادبیات کهن ایرانی و خارجی درباره محبت و عشق زن و مرد به هم چه جایگاهی در انتخاب و شروع زندگی های امروزی دارد؟ پسند دیده و میل دل چه اثری قرار است در شخصیت و رفتار پسر و دختر جوانی داشته باشد که تصمیم به ازدواج دارند؟ راستش همه آن عوامل را که برآمده از خودمان و تصورات مان است، مقصر دیدیم و می دانیم. همه آنها باعث شده پدیده اصلی محبت و دوست داشتن به حاشیه برود و شبیه حضور در یک میدان مسابقه یا حتی جنگ، هرکسی به دنبال غنیمت گرفتن باشد، غافل از اینکه این پدیده اصلی اگر سر جای خودش باشد، بسیاری از مسائلی که بالاتر درباره آن حرف زدیم را حل می کند، در واقع آن محبت شکل می گیرد که آدمی به واسطه آن بسیاری از مسائلی را حل و خودش را تکمیل کند و شکلی از زندگی، انسان و خانواده را خلق کند که ویژه، متفاوت، منحصر و اما کامل باشد. برای همین حتی هیچ دو خانواده موفق و شبیه هم نیستند، چون آدم ها شبیه هم نیستند و جنس آن محبت به گونه ای است که در یکی باعث نرم خوبی می شود، در دیگری باعث اعتماد می شود، در فردی دیگر باعث صبوری می شود و در دیگری باعث خیرخواهی.

### با اجازه «بقیه چی می کن»

الحمد لله این مسأله ای که می خواهیم به آن اشاره کوچکی کنم، در بسیاری از ما درونی و حل شده و ضد فرهنگ «دخالت های خویشاوندان در خواستگاری و ازدواج» در زندگی امروزی اغلب ما در عمل کمرنگ شده است؛ در واقع به قدری مسائل و مشکلات زندگی زیاد شده که هر خانواده از پس دخالت بر تمام امور زندگی خودش هم بر نمی آید، چه برسد به اینکه بخواهد در زندگی پسر دخترم اش هم دخالت کند، اما متأسفانه در تصور، این جمله «بقیه چی می کن» در کوچک و بزرگ و جوان و پیر وجود دارد؛ مثلاً چند روز پیش دختر کوچک چهارساله ام که یکی از گیره های سرش گم شده بود، گریه می کرد و می گفت: «حالا اگه اون روزنم به موهام، تو مهد بهم می کن وای وای چه زشتی!» و من هر روز این نکته را در بیانی کودکانه یادش می اندازم که این مهم است که خودش ظاهرش را دوست داشته باشد و نباید نگاه بقیه نسبت به او برایش مهم باشد، هر چند در عمل چنین اتفاقی هم از جانب بقیه نمی افتد. این مسأله طی سال های مختلف، با تغییر الگوی رفتاری افراد و به سختی تغییر می کند، اما نباید دست از تلاش برداشت. تصور «بقیه چی می کن» قاتل بسیاری از آغازها، آرزوها و اهداف مهم است.

### با اجازه «قانون چی می گه»

اینکه از قانون، حقوق و وظایف قانونی خودمان در زندگی فردی و اجتماعی باخبر باشیم، امر مهمی است، اما داشتن نگاه افراطی به مسائل حقوقی در خواستگاری و ازدواج و زندگی مشترک، فقط حال و روح مان را نسبت به هم تلخ می کند؛ مثلاً چند روز پیش یک طرح جوراب ست در یکی از رسانه های اجتماعی دیدیم که روی یک جفت آن «سام» و روی جفت دیگر «زن سام» بافته شده بود. این را برای یکی از دوستان مجردم فرستادم. در پاسخ خندید و گفت: «ولی اگر من ازدواج کنم، همه باید همسر رو به نام من بشناسن و نه اینکه من رو به نام همسرم بشناسن». با خودم فکر کردم که این آگاهی افراطی از مسائل قانونی ازدواج، باعث شده که اصل مسأله انتخاب ازدواج و زندگی مشترک که بر مبنای محبت، همراهی، رفاقت و پایه هم بودن است، به حاشیه برود. اگر نخواهیم بگوییم جنگ، انگار زندگی مشترک را چیزی شبیه یک رقابت دیده ایم و شروعش از همان روز خواستگاری است. درباره قانون های تشویقی ازدواج هم چیزی نمی گویم چون آن را مؤثر ندیدم.

### «مزا حمت برای امر خیر!»

یکی از دوستانم که مجرد است و تصمیم به ازدواج دارد، تعریف می کرد در سالی که گذشت تقریباً در ماه دو آخر هفته میهمان خواستگار داشتند اما به هیچ نتیجه ای نرسیده. با او که صحبت کردم و مسائل جزئی برخی از این میهمانی ها را روایت کرد، فهمیدم عوامل مختلفی در این «به هیچ نتیجه ای نرسیدن» مؤثر است که بسیاری از آنها حل شدنی است و با یک فکر و منطق ساده این «مزا حمت برای امر خیر» را به رحمت و خود خیر تبدیل می کند، اما انگار آدم ها دیگر به صبوری قبل نیستند و همه چیز را بی پروبرگشت کامل، مطلوب، اندازه و در قواره می خواهند گویی یادشان رفته خودشان هم بی نقص نیستند. تصورات، توقعات، تربیت های مختلف و نگاه های اشتباه به قانون و توصیه های دینی همگی یک ارتش نامرئی هستند که خودمان آنها را سازماندهی می کنیم و به آنها پروبال می دهیم و بزرگ شان می کنیم، آنقدر بزرگ که زنده ماندن را جایگزین زندگی کردن کنیم.

### «با اجازه بزرگ ترها»

درباره عامل بزرگ ترها و والدین در امور خواستگاری و ازدواج «کم کاری در تربیت بالغانه فرزندان» و پس از آن «دخالت های افراطی و بدون پشتوانه در زندگی فرزندان» دو مسأله ای هستند که می توانند کاسه و کوزه عروس و داماد بالقوه را تا مدت ها به هم بریزند؛ مثلاً برخی از پدر و مادرها در بازه زمانی ازدواج فرزندان شان با منطق های عاطفی مختلفی مانند «۳۰ سال بچه م رو بزرگ نکردم که...»، «خودم اون سختی ها رو نکشیدم که حالا بچه م هم...»، «بچه م مظلومه و خوشبختی حقشه و خوشبختی چیزی نیست جز...» و خلاصه به خوبی نقش خاله خرسه را برای فرزندان شان بازی می کنند. یک دلسوزی و دلرحمی بیجا و بدون منطق که فقط زمان، احساس، عقل و فرصت را از فرزند جوان شان می گیرد و همین باعث می شود جوانی که انتخاب کرده در ادامه عمر زندگی اش با دیگری سهیم شود و ازدواج کند، بترسد، سختگیری های عجیب داشته باشد و در تصمیم گیری دست و پایش بلرزد. آنجایی که نیاز بود وقت بگذارد و پسر و دخترشان را مستقل، فهمیده، صبور و بالغ تربیت کنند و برای شروع یک زندگی مشترک آماده کنند، برای او هر چه خواسته مهیا کردند و آن را در قالب «نمی خوام بچه م چیزی کم داشته باشه و عقده ای بشه» گذاشتند. آنجایی هم که نیاز بود فقط راهنمایی کنند و عقب بایستند، یا به وسط ماجرا گذاشتند و شد «پسر من از کار میاد خونه خسته س، کارای خونه رو زنش «باید» انجام بده. وظیفه شه» یا «دختر من درس نخونده که بشینه خونه آشپزی کنه و کار خونه وظیفه ش نیست.»



آدم ها دیگر به صبوری قبل نیستند و همه چیز را بی پروبرگشت کامل، مطلوب، اندازه و در قواره می خواهند گویی یادشان رفته خودشان هم بی نقص نیستند



هیچ دو خانواده موفق و شبیه هم نیستند، چون آدم ها شبیه هم نیستند و جنس محبت شان متفاوت است



## یکی دربارۀ گیاه قاشقی یا پیرومیا و نحوه نگهداری از آن یک گوشه بگذار نان و ماستش را بخورد

نسرین تقی خانی

مهندس کشاورزی و مشاور نگهداری گیاهان آپارتمانی

قاشقی برگ هندوانه ای



قاشقی ابلق



قاشقی قرمز

شما آب بدون املاح و کلردرخواست می کنید. برای تکثیر قاشقی می توان از روش قلمه برگ یا ساقه استفاده کرد. برای تکثیر به روش قلمه ساقه، باید یک ساقه حدود ۷ تا ۱۰ سانتیمتری با حداقل دو برگ برای این کار در نظر گرفت. برگ های اضافه را جدا کرده تا انرژی قلمه روی ریشه دهی متمرکز باشد. این قلمه در ترکیب بستر سبک مثل کوکوپیت، پرلیت و پیت ماس یا ماسه و خاک برگ قرار می گیرد. بهتر است گلدان حاوی قلمه در محیطی گرم قرار گیرد تا روند ریشه دهی سریع تر صورت گیرد. برای قلمه گیری به روش قلمه برگ هم می توان یک برگ با دم برگ انتهایی یا بدون دم برگ یا بخشی از برگ را در ترکیب گفته شده خاک گذاشت و آن را در محیط گرم برای ریشه دهی قرار داد.

زردی برگ های قاشقی علل گوناگونی دارد؛ آبیاری بیش از حد و پوسیدگی ریشه، کمبود عناصر مغذی، کمبود نور در محیط نگهداری یا حضور کثیف باعث تغییر رنگ اعتراضی به عدم تعادل در مدیریت شرایط محیطی است.

کپک خاکستری روی ساقه پیرومیا، میهمان ناخوانده برای گیاه در شرایط مرطوب و سرد است. برای رفع و پیشگیری یا جلوگیری از انتشار آن، باید گیاه به محل گرم تر منتقل شده و از سم قارچ کش استفاده کرد.

ایجاد حالت تاول گونه روی برگ های قاشقی، نوع دیگر قارچ است که در شرایط آبیاری غیر اصولی، حیات قاشقی را تهدید می کند. باید به فاصله بین دو آبیاری گیاه دقت کرد؛ همچنین چک کردن زهکش و تخلیه زیرگلدانی از راه های دیگر برای مقابله و پیشگیری این عارضه است.

از دیگر مشکلات آبیاری غیر اصولی، سیاه شدن ساقه، دم برگ و برگ پیرومیاست. گاهی برگ های گیاه به سمت پایین متمایل است که تشنگی پیرومیا را نشان می دهد؛ سریع ترین روش برای آبیاری و کمک به بهبود شرایط در این موقعیت، قرار دادن گلدان در تشت پر از آب به مدت ۱۵ دقیقه است. پیرومیا در طول دوره نگهداری اش به رطوبت نیاز دارد اما اسپری بیش از حد آب یا قرارگیری در محیط مرطوب می تواند لکه های حلقوی روی برگ را ایجاد کند که حضور ویروس در گیاه را هشدار می دهد. ایجاد حالت پنبه مانند و سفید روی ساقه هم از حضور آفت شپشک آردآلود خبر می دهد. توجه به تهویه و تعادل مناسب بین رطوبت و خشکی هوا از این ویروس و آفت جلوگیری می کند.

که دما افزایش و کاهش ناگهانی و زیاد داشته باشد، گیاه با تغییر در فرم برگ ها ناراضی اش را نشان می دهد. بالا بودن دما در کنار خشکی هوا، برگ ها را چروکیده می کند و کاهش ناگهانی دما نیز ریزش برگ ها را در پی دارد.

برای قاشقی بعد از یک دوره رشد، باید کوددهی انجام گیرد. از آنجا که بهار و تابستان فصل رشد گیاه است، پیرومیا پیشنهاد تغذیه کمکی را می پذیرد. این تغذیه کمکی که به وسیله کودها انجام می گیرد، در تابستان هر دو هفته یک بار و در زمستان و فصول سرد، باید هر ماه در اختیار پیرومیا قرار بگیرد. بهتر است برای کوددهی از کودهای دارای نیتروژن، پتاسیم و فسفر با درصد نیتروژن بالاتر برای پیرومیا استفاده کرد.

می توان قاشقی را در آب نگهداری کرد. برای این منظور، باید با ملاحظت، طوری بخش انتهایی ساقه را در آب قرار داد که ریشه در تماس با آب شرایط رشدی اش را فراهم کند. در این روش، پیرومیا از

گیاه قاشقی، خاک سبک با زهکش بالا را دوست دارد. پس ترکیب خاک باغچه، ماسه و پیت ماس مورد پسند قاشقی است. پیرومیا عاشق رطوبت است، بنابراین با اسپری آب می توان رطوبت مورد نیازش را تأمین کرد، البته اسپری بیش از حد برگ ها باعث ایجاد لکه روی آنها می شود. از آنجا که پیرومیا، یک گیاه مستقل است از پس خودش برمی آید. این گیاه در ساقه و برگ هایش آب ذخیره می کند، پس نیاز به آبیاری چندانی ندارد. برای آبیاری گیاه قاشقی باید به آن زمان داد تا خاک گلدان کاملاً خشک شود. اگر خاک مرطوب بوده یا دفعات آبیاری بی نظم باشد، پوسیدگی ریشه برای گیاه اتفاق می افتد.

محدوده دمایی مورد قبول برای پیرومیا، ۱۵ تا ۳۰ درجه سانتیگراد است. دمای انتخابی این گیاه برای زندگی، ۱۵ درجه سانتیگراد است. در صورتی

گیاه قاشقی یک گیاه علفی و همیشه سبز از نواحی برزیل و آمریکای مرکزی است. پیرومیا بچه جنگل های انبوه است، پس کم توقع بوده و نور کم و کم آبی را تحمل می کند. این گیاه همین قدر کم توقع است که گوشه دنج محیط با حداقل شرایط محیطی مطلوبش را انتخاب کرده و می نشیند و نان و ماست خودش را می خورد و توقع رسیدگی چندانی ندارد.

گیاه قاشقی به برگ های تخم مرغی، گوشتی و براقش معروف شده است.

اگر شرایط بر وفق مراد این گیاه باشد، گل های ریزی به رنگ قرمز یا صورتی می دهد. این گل ها، در خوشه های عمودی رشد می کنند. از این خانواده سه نسل متفاوت رشد می کند. گیاه قاشقی با دم برگ قرمز، قاشقی بالارونده و قاشقی ساقه بلند.

گیاه قاشقی با دم برگ قرمز، به شکل بوته ای است و برگ های قلبی شکل دارد.

پیرومیا رونده دارای برگ های ظریف نقره ای و سبز است. در قاشقی ساقه بلند، علاوه بر برگ ها، ساقه ها هم گوشتی است و روی برگ ها پرزهای ریزی قرار دارد.

از انواع پیرومیا، نوع مشهور آن با برگ های سبز، گوشتی و قلبی شکل است. نوع ابلق آن، زیبایی اش با ترکیب رنگ سبز و سفید برگ ها عجین شده است. نوع ابلق پیرومیا، به نور بیشتری برای رشد نیاز دارد.

نوع دیگر پیرومیا، دارای برگ های چروک و حجم برگی بیشتر است. پیرومیا برگ هندوانه ای از انواع دیگر پیرومیا بوده و علت نامگذاری آن به خاطر راه بودن و سبزو سفیدی برگ های آن است.

نیاز نور گیاه قاشقی، کم است. با نور غیرمستقیم محیط سازگار بوده و به حیانتش ادامه می دهد، البته عدم دریافت نور کافی، رشد پیرومیا را متوقف می کند. نوع ابلق آن در کنار زیبایی خاصش، برای شادابی به نور بیشتری نیاز دارد. نور مستقیم باعث آسیب، سوختگی و از بین رفتن برگ ها می شود.

گیاه قاشقی یا پیرومیا



اگر شرایط بر وفق مراد باشد، گیاه قاشقی گل های ریزی به رنگ قرمز یا صورتی می دهد

# فناوری و رسانه



تجربه کپی رایت محبوب‌ترین چهره کارتونی

## فرهنگ زیرسیبیلی در مواجهه با هنر

به کپی برداری یا حتی تغییر و اصلاح آنها به دلخواه خود خواهند بود. تصاویری که کپی رایت‌شان منقضی شده، مربوط به انیمیشن صامت «بخند با میکی» تولید سال ۱۹۲۸ است. البته مسئولان شرکت دیسنی تأکید کرده‌اند که این لغو کپی رایت تنها شامل تصاویر میکی و مینی قدیمی می‌شود و نسخه‌های جدیدتر آنها را دربر نخواهد گرفت.

با داستان یک موش کارتونی بار دیگر بر سر زبان‌ها افتاد؟ با آغاز سال ۲۰۲۴، کپی رایت یا حق مالکیت معنوی چند اثر مهم و قدیمی در آمریکا از جمله نسخه‌های اولیه میکی ماوس و مینی ماوس، دو شخصیت محبوب انیمیشن‌های والت دیزنی، به پایان رسیده است. در واقع مالکیت این آثار اکنون «عمومی» شده و مردم در آمریکا مجاز

موضوع نقض کپی رایت یکی از خالهای جدی در رفتار حقوقی و بلوغ قانونی ما است. موضوعی که در تجربه‌های جهانی بشدت جدی گرفته شده است. او نیل کسی بود که تجربه تلخی در نقض کپی رایت داشت و زمانی که از شخصیت میکی موس تقلید کرد، به جرایم نقدی سنگینی محکوم شد. اما کپی رایت چیست و چرا

### این موش ۹۵ سال متعلق به ما است

طبق قانون کپی رایت در ایالات متحده، حق مالکیت معنوی هر اثری به مدت ۹۵ سال پس از انتشار برای خالق آن حفظ می‌شود.

بنابراین با پایان یافتن این دوره در آمریکا برای آثاری که در سال ۱۹۲۸ منتشر شده‌اند، اکنون کپی رایت آنها نیز به پایان رسیده است.

از جمله دیگر آثار مهمی که کپی رایت‌شان در آمریکا منقضی شد، می‌توان به کم‌دی رمانتیک معروف چارلی چاپلین با عنوان «سیرک» و همچنین کتاب محبوب کودکان «خانه‌های در گوشه پُوه» نوشته الکساندر میلن اشاره کرد.

علاوه بر اینها، رمان «اورلاندو» نوشته ویرجینیا وولف که به نوعی زندگینامه این نویسنده محسوب می‌شود نیز در ۱۱ اکتبر ۱۹۲۸ منتشر شده و حالا پس از ۹۵ سال کپی رایت آن هم در آمریکا به پایان رسیده است.

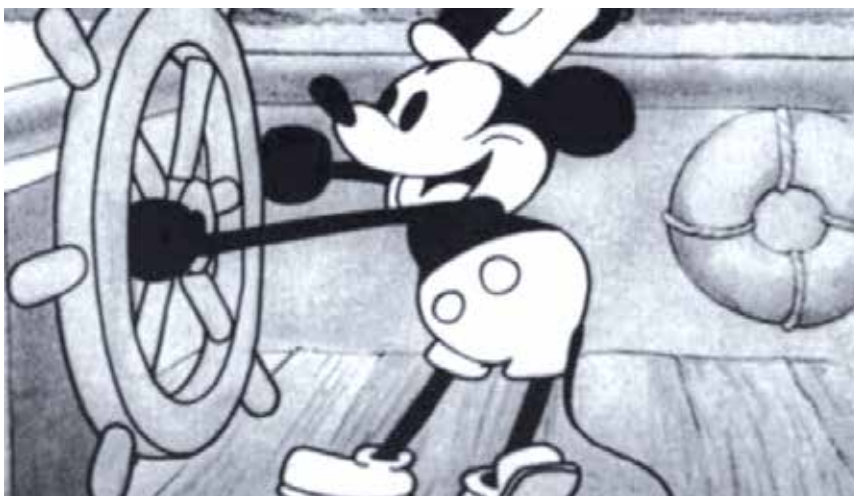
میکی ماوس یا میکی موس شخصیت کارتونی و نامزد جایزه اسکار است که توسط شرکت والت دیزنی تولید شده است. خلق این شخصیت کارتونی توسط والت دیزنی به همراه آب‌پورکس در سال ۱۹۲۸ اتفاق افتاد. این شخصیت کارتونی که تنها یکی از تصاویر آن و نه تمامی تصاویر بعد از ۹۵ سال مالکیت انحصاری خود را از دست داده از شخصیت‌های محبوب و پولساز سینمای جهان است.

شهرت دیزنی برای اجرای قانون کپی رایت به دهه‌ها پیش برمی‌گردد یا دست‌کم به دوران کمیک بوک Air Pirates مربوط می‌شود. این قضیه براساس دو حادثه در سال ۱۹۸۹ ثابت شده است. اول دیزنی از آکادمی جوایز اسکار برای به تصویر کشیدن غیرمجاز سفیدبرفی شکایت کرد.

پس از آن تقاضا کرد تا نقاشی‌های شخصیت‌های دیزنی از دیوارهای سه مرکز مراقب‌های روزانه در هالاندیل کالیفرنیا



این مجموعه در حال حاضر با رعایت استانداردهای تجاری و عملیاتی بین‌المللی در زنجیره تولید و تأمین و با مراقبت از جامعه و محیط زیست جهت حفظ جنگل‌ها توانسته علاوه بر تأمین نیازهای داخلی، محصولات خود را به خارج از کشور نیز صادر کند



بخش یا عرضه کند، به شش ماه تا سه سال حبس تأدیبی محکوم می‌شود. هرکس ترجمه شخص دیگری را بدون اجازه به نام خود یا شخص دیگری چاپ و نشر کند، به سه ماه تا یک سال حبس تأدیبی محکوم خواهد شد. براساس ماده ۱۲۸ اگر شخص حقوقی (مثلاً یک شرکت) کپی رایت را رعایت نکند، علاوه بر تعقیب جزایی، خسارت شاکای خصوصی از اموال شخص حقوقی جبران خواهد شد. در قانون نحوه مجازات اشخاص فعال در امور سمعی و بصری غیرمجاز (مصوب ۱۳۸۶):

در قانون حمایت حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان یکی از مصادیق عدم رعایت کپی رایت (تکثیر بدون مجوز آثار مجاز به صورتی که باعث ضایع شدن حقوق صاحب اثر شود) مورد توجه قرار گرفته است. ضمانت اجرای جبران خسارت مادی و جریمه نقدی از ۲۰۰ تا ۲ میلیون ریال برای آن در نظر گرفته شده است. ماده ۱۳ این قانون، ضمانت اجرای عدم رعایت کپی رایت را بررسی کرده است که جبران خسارت متضرر، از ۹۱ روز تا ۶ ماه حبس و شامل جزای نقدی از ۵۰۰ تا ۵ میلیون می‌شود.

### فرهنگ ما کپی و تقلید

حتماً نمونه‌های متعددی از دزدی شعر و کتاب و نقاشی را در پیرامون خود شنیده‌اید. موضوعاتی که اغلب پیگیری قضایی جدی نمی‌شود و به همین دلیل فرهنگ کپی کردن زیرسیبیلی به قوت باقی است. در واقع بخشی از مقوله مقابله با منع کپی رایت، آموزش جامعه است که نه تنها در خصوص آن سهل‌انگاری شده است بلکه نهایت برخورد جامعه با یک فرد خاطی، تمسخر او بوده است. این‌طور افراد ممکن است حتی به دلیل فراهم بودن فرصت تخلف و به دلیل اینکه فضای مجازی نیز یاری‌گر آنها شده است، به تخلفات خود ادامه دهند و چه بسا که شمارد میانه یک تئاتر موسیقی از یک فیلم جایزه‌دار را بنسبند و کسی هم اعتراضی نداشته باشد. پایبندی به کپی رایت به منزله ارج نهادن به تولیدات و تلاش‌های دیگران است و در مقابل زائل کردن آن نشان می‌دهد که برخی از زحمات دیگری به دنبال سکونی برای قدرت و معروفیت هستند.

معمولاً قوانین متعددی وجود دارد که فقط برای مالکیت ادبی، هنری و حقوق مربوط به آنها است. این قوانین در لایحه جامع به صورت یکپارچه به بحث نقض کپی رایت پرداخته است که البته آن هم هنوز به تصویب نرسیده است.

به طور مثال قانون کپی رایت موسیقی وجود ندارد و در این زمینه سخت‌گیری انجام نمی‌شود. حتی قانون کپی رایت نرم‌افزار در ایران وجود ندارد و بسیاری از سایت‌ها، نرم‌افزارها را به رایگان در اختیار کاربران قرار می‌دهند. تا چند سال پیش نیز قانون کپی رایت فیلم‌های سینمایی به طور جدی وجود نداشت و بسیاری از دستفروشان، سی‌دی‌های فیلم‌های سینمایی را با قیمت کم به فروش می‌رساندند. البته هنوز هم کانال‌های تلگرامی هستند که فیلم‌ها را به رایگان در دسترس همه قرار می‌دهند. اما قانون در مورد سایت‌ها سخت‌گیری‌هایی اعمال کرده است. البته قانون کپی رایت عکس وجود دارد و معمولاً نام عکاسان در هر پلتفرم عکسی منتشر شود، عنوان می‌شود.

### قانون حمایت حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان

بخشی از قوانین مربوط به مالکیت معنوی و کپی رایت به این ترتیب است که اگر شخصی قسمتی از یک اثر یا کل یک اثر که متعلق به شخص دیگری مورد حمایت قانون است را به نام خود یا شخص دیگری بخش کند یا حتی به اسم پدیدآورنده و بدون اجازه او

طور خودکار به وجود می‌آید که آن اثر موجودیت پیدا کرده باشد. معمولاً آثاری مانند کتاب، شعر، یک اثر سمعی-بصری، موسیقی، نقاشی، عکس، اثر معماری و اثر فنی شامل حمایت کپی رایت می‌شوند. حتی قانون کپی رایت در اینستاگرام هم وجود دارد و افراد نمی‌توانند یک فیلم یا عکس را بدون اجازه صاحب پیج اینستاگرام اصلی یا صاحبین اثر در صفحه خود منتشر کنند. اگر پدیدآورنده یک اثر بخواهد این حقوق انحصاری را به شخصی انتقال دهد، معمولاً می‌تواند با انعقاد یک قرارداد این کار را انجام دهد. در جهان هیچ قانونی وجود ندارد که از حق کپی رایت یک اثر در سرتاسر جهان محافظت کند. فقط می‌توان به پیمان برن (سال ۱۸۸۶) اشاره کرد که قبل از این پیمان از هر اثری فقط در همان کشور خودش حمایت می‌شد؛ بر این اساس از یک اثر که پدیدآورنده آن شامل کشورهای عضو این پیمان هست، در همان کشورهای عضو محافظت می‌شود که ایران در این اتحادیه عضو نبوده است تا دبیرخانه «اتحادیه برن (Union)» در ماه ژوئن ۲۰۲۳ اعلام کرد که با اکثریت آرای اعضا، صندوق ضمانت صادرات ایران واجد شرایط عضویت در کمیته کوتاه مدت این اتحادیه شناخته شده و به عضویت دائمی این کمیته درآمد.

در داخل کشور نیز قانونی که به صورت یکپارچه برای عدم حق کپی رایت بیان کند وجود ندارد.

حذف شوند. یکی از طرف‌های شکایت دیسنی در مورد میکی موس نیز او نیل بوده است که بعد از الزام به پرداخت جرایم سنگین از کپی این شخصیت کارتونی منصرف شد و بعدها می‌گفت: «ما برای همیشه درگیر میکی موس شده‌ایم. او متعلق به همه است.» اما در سال‌های اخیر شکایت‌های کمپانی دیزنی در خصوص کپی رایت کمی کاهش یافته است. پرونده‌های دادگاه فدرال نشان می‌دهد که دیزنی نسبت به ۲۰ سال پیش پرونده‌های حقوق کپی رایت و شکایت‌های مربوط به علائم تجاری بسیار کمتری را ثبت می‌کند.

### کپی رایت چیست؟

اما منظور از کپی رایت این است که فقط شخصی که یک اثر را خلق کرده است می‌تواند از این حقوق استفاده کند. اشخاصی که به هر نحوی به این اثر دست پیدا می‌کنند، نمی‌توانند از این حقوق استفاده کنند. زمانی حمایت کپی رایت به



آیا محتوای سالمی برای کودکان تدارک دیده شده یا صرفاً دوبله فیلم‌های کودک و حذف برخی بخش‌های یک انیمیشن مصداق توجه وی اودی به کودک و نوجوان است؟

## چه کسی تماشای کند؟ کودک یا بزرگسال؟

ونوس بهنود

دبیر تحریریه



در دسته بندی‌ها مشاهده می‌شود که به دلیل ضعف تولیدات داخلی ویژه کودک و نوجوان این انیمیشن‌های خارجی است که میدان دار است و به نوعی وی اودی داخلی ابزاری برای فروش و دیده شدن هر چه بیشتر یک تولید خارجی شده است

موضوع فضای امن مجازی برای کودکان نه تازگی دارد و نه در مورد آن حرف کم گفته شده است. سؤال این است که ما چه کردیم و چقدر وی اودی‌های ما که این روزها بخش قابل توجهی از مخاطبان تلویزیون را روبرو اند به آن توجه نشان داده‌اند؟

فضای امن مجازی به تعبیری که همه می‌دانیم این است که کودک به محتوای مربوط به گروه سنی خود و در عین حال محتوای سالم که به رشد و بالندگی او کمک کند، دسترسی داشته و در مقابل از محتوای ناسالم که منجر به تربیت نادرست او یا تأثیرگذاری منفی شود، دور بماند. هر چند تبادل اطلاعات در فضای مجازی هیچ دروازه‌ای ندارد اما بعد از اینکه مدتی از تجربه زیست انسان در دنیای مجازی سپری شد، آسیب‌های مختلف موجب شد تا ایمنی روانی و محتوای سالم مورد توجه پلتفرم‌ها قرار گیرد.

به همین دلیل بود که به عنوان مثال عضویت در واتس‌آپ یا اینستاگرام محدودیت سنی داشت و یکی از مصادیق گزارش یک محتوا نیز مشاهده محتواهایی که کودک آزاری یا خشونت را ترویج کند، تعریف شد. اما داستان وی اودی‌ها متفاوت است. وی اودی‌های ایران شاید در حدود یک دهه اخیر توانسته‌اند بازار را به سمت خود خم سازند و سیلی از مخاطبان تلویزیون، رادیو و حتی کرایه فیلم را به سمت خود معطوف سازند. در تمام این مدت به دلیل رویکردهای ویژه تجاری اغلب در مورد فیلم‌های انحصاری سکوی خود مورد نقد بوده‌اند و بخشی از نقدها معطوف به وضعیت کودک و نوجوان در فیلم و آسیب‌های احتمالی تربیتی بوده است. از سویی این سؤال پارچاست که آیا محتوای سالمی برای کودکان تدارک دیده شده یا صرفاً دوبله فیلم‌های کودک و حذف برخی بخش‌های یک انیمیشن مصداق توجه وی اودی به کودک و نوجوان است؟ به عنوان مثال در برخی وی اودی‌ها دسته بندی محتوای ویژه کودک و نوجوان دیده می‌شود و حتی آموزش کمک درسی نیز در برخی گنجانده شده است. اما واقعیت این است که محتواهای وی اودی‌ها برای همه اعضای خانواده در دسترس است و شاید در کودکان کم سن و سال پدر و مادرها قدری در انتخاب محتوا دقت کنند. از سویی نگاه تجاری وی اودی‌ها که اساس شکل گیری آن است، غیرقابل انکار است. بسیاری از انیمیشن‌ها و فیلم‌های سینمایی بویژه خارجی صرفاً به دلیل اینکه پرطرفدار است و می‌تواند فروش خوبی داشته باشد، گنجانده می‌شود.

فارغ از تلاش‌ها برای کنترل محتواهای خشن و مصادیق کودک آزاری موضوع نگاه تجاری موجب شده تا هنوز که هنوز است تولیدات شسته رفته کودک و نوجوان ارائه نشود. از طرفی در دسته بندی‌ها مشاهده می‌شود که به دلیل ضعف تولیدات داخلی ویژه کودک و نوجوان این انیمیشن‌های خارجی است که میدان دار است و به نوعی وی اودی داخلی ابزاری برای فروش و دیده شدن هر چه بیشتر یک تولید خارجی شده است. به نظرمی رسد وقت آن رسیده که حوزه کودک و نوجوان از حاشیه و نگاه تزئینی خارج شده و در اولویت سرمایه‌گذاری وی اودی‌ها در تولید محتوا قرار گیرد و البته نباید این بار نیز گرفتار شعارزدگی شد و ناخواسته مخاطب را به سمت تولید خارجی هدایت کرد. باید به صدای کودکان گوش داد و در پاسخ به آن محتوا ارائه کرد.



# محققان ایرانی: زنان بیشتر در معرض بیماری آرتروزند

مشکلات مانند آسیب دیدگی، عفونت، اختلالات متابولیکی، یک سیستم ایمنی فعال و حتی مشکلات ناشی از وزن اشتباه گرفته شود. آرتروز یکی از انواع آرتريت و بیماری دیگری برای عارضه اوستئوآرتريت است که یک بیماری غیر التهابی در مفاصل بوده و طی آن غضروف مفاصل تخریب می‌شود. این بیماری تحلیل برنده در نتیجه آسیب دیدگی، افزایش سن و کشیدگی یا پارگی طولانی مدت غضروف در مفاصل بروز می‌کند و سبب ایجاد درد و سفتی مفاصل می‌شود.

است و شایعترین نوع آرتروز، استئوآرتروز است. دیگر انواع شایع بیماری روماتیسم که به التهاب مفصل مربوط می‌شوند عبارتند از نقرس، فیبرومیالژیا و آرتروز روماتوئید (RA). برخی از انواع آرتروز، مانند آرتروز روماتوئید و لوپوس (SLE) می‌توانند چندین ارگان را درگیر کنند و باعث بروز علائم گسترده شوند. در مقابل آرتريت به التهاب مفاصل گفته می‌شود. این بیماری با درد، تورم، سفتی و داغی در مفاصل آسیب دیده، همراه است. آرتريت ممکن است با برخی

آرتروز یا آرتريت به معنای التهاب مفصل است. بیماری که این روزها اغلب میانسالان با آن مواجه می‌شوند. درباره این بیماری و نتایج مطالعات محققان کشور در این مقاله بخوانید. واژه آرتروز برای توصیف حدود ۲۰۰ بیماری مختلف که مفصل، بافت‌های اطراف مفصلی و دیگر بافت‌های همبندی و اسکلتی عضلانی را درگیر می‌کند، استفاده می‌شود. اما آرتروز چیست و دقیقاً چه اتفاقاتی موجب بروز و ظهور آن می‌شود؟ آرتروز یکی از انواع بیماری روماتیسمی

کمک به بیماران مبتلا به آرتروز جهت کنترل برخی مشکلات و کاهش محدودیت حرکتی توصیه می‌کنند.

● آموزش به بیمار و خودمدیریتی: شامل رعایت مواردی است که در بهبود شرایط بیمار مؤثر هستند؛ مانند داشتن فعالیت جسمانی همراه با استراحت کافی، حفظ وزن متعادل، اجتناب از سیگار و الکل، حفاظت از مفاصل در برابر استرس غیر ضروری، بهبود خواب با اجتناب از کافئین و ورزش شدید در شب و محدودیت استفاده از صفحه نمایش قبل از خواب، مراقبت از مفاصل با انجام کارهایی مانند استفاده از مفاصل بزرگ به عنوان اهرم باز کردن در و استفاده از چند مفصل برای تقسیم وزن اشیایی که فرد بلند می‌کند مانند استفاده از کوله پشتی و عدم قرارگیری در یک وضعیت برای مدت طولانی، چکاپ منظم توسط دکتر.

### درمان خانگی آرتروز زانو

همچنین با توجه به گستردگی آرتروز زانو، برای درمان خانگی آرتروز زانو تمرینات و ورزش توصیه می‌شود. برخی از ورزش‌هایی که هوازی هستند و می‌توانید از آنها برای بهبود شرایط خود استفاده کنید شامل موارد زیر هستند؛ می‌توانید یک دوچرخه ورزشی در خانه داشته باشید و به آرامی ورزش کنید. می‌توانید در خانه تردمیل داشته باشید و راه بروید. پیاده روی در بیرون از منزل هم می‌تواند مؤثر باشد. سعی کنید هفته‌ای ۱۵۰ دقیقه ورزش‌های هوازی انجام دهید تا وضعیت زانوی شما بهبود پیدا کند.

اگر به زانوی شما آسیب می‌رسد و درد می‌گیرد، می‌توانید ورزش خود را به زمان بندی ۱۰ دقیقه‌ای برسانید و در روزها و زمان‌های مختلف پخش کنید.

آسیب نسوج نرم زانو باشد. نتایج مطالعه ما نشان داد که سن بالا، جنسیت زن و استیج بالای آرتروز زانو از جمله ریسک فاکتورهای آسیب بافت نرم زانو در بیماری مبتلا به آرتروز زانومی باشند.»

### درمان آرتروز چیست؟

احتمالاً می‌خواهید بدانید که درمان قطعی آرتروز چیست؟ هدف از درمان آرتروز کنترل درد، به حداقل رساندن آسیب مفاصل، حفظ عملکرد و بهبود کیفیت زندگی است. در عمل درمان قطعی برای این بیماری وجود ندارد و صرفاً کاهش درد و پیشگیری از تشدید با درمان‌های دارویی مانند تیف و وسیعی از داروها مثل تولمتین و قرص نوروبین و تغییر شیوه زندگی مورد تأکید است. از جمله اقدامات برای تغییر سبک زندگی و کاهش دردهای آرتروز به این ترتیب است:

● رژیم غذایی: تحقیقات نشان می‌دهد که رژیم غذایی سالم و متعادل شامل پروتئین حیوانی و گیاهان دارای آنتی اکسیدان بالا و دارای خواص ضد التهابی مانند ماهی، آجیل و دانه‌ها، میوه و سبزیجات، لوبیا، روغن زیتون و غلات کامل می‌تواند در درمان افراد مبتلا به آرتروز کمک کند، در حالی که مواد غذایی حاوی ماده شیمیایی به نام سولانیون مثل گوجه فرنگی برای افراد مبتلا به آرتروز مفید نیستند.

● درمان فیزیکی: پزشکان اغلب دوره‌های فیزیوتراپی و ماساژ، درمان آب گرم، کار درمانی و مدیریت خستگی را برای

### انواع نشانه‌های آرتروز و چگونگی بروز آنها

نشانه‌ها بسته به نوع آرتروز متفاوت است. علائم آرتروز می‌تواند به تدریج یا ناگهانی ایجاد شود، اگر کسی هریک از چهار علائم آرتروز هشداردهنده اصلی زیر را تجربه کند، باید به پزشک مراجعه کند. درد: درد آرتروز می‌تواند ثابت یا متغیر باشد، مانند زانو درد.

● تورم: در برخی از انواع آرتروز، پوست روی مفصل آسیب دیده قرمز و متورم و گرم می‌شود.

● سفتی و خشکی مفصل: خشکی مفصل یک علامت معمول است که پس از بیدار شدن از خواب در صبح، یا پس از نشستن طولانی مدت پشت میز، رانندگی طولانی مدت و بعد از ورزش رخ می‌دهد. اختلال در حرکت مفصل: حرکت دردناک مفصل یا خشکی و درد هنگام بلند شدن از روی صندلی می‌تواند نشان دهنده آرتروز باشد.

### احتمال بروز آرتروز با افزایش سن بیشتر می‌شود

معاونت تحقیقات و فناوری دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی کرمانشاه در تحقیقی با عنوان «بررسی فراوانی آسیب‌های بافت نرم همراه با primary osteoarthritis زانو در ۶ ماه نخست سال ۱۴۰۱ در شهر کرمانشاه» به عوامل تشدید آرتروز اشاره دارد.

در این پژوهش آمده است: «آرتروز زانو یک بیماری شایع در جهان می‌باشد که در اثر تخریب مفاصل سینوویال ایجاد می‌شود و بر غضروف مفصلی اثر می‌گذارد و در نهایت منجر به تخریب کامل غضروف مفصلی و التهاب غشای سینوویال، ضخیم شدن کپسول مفصلی، ضعف عضلات و تشکیل استخوان جدید می‌شود. تصور می‌شود که وقوع آرتروز زانو همزمان با



# فرهنگ

## مروری بر شگفتی سازان جشنواره چهل و دوم فیلم فجر



۲۲ فیلم راه یافته به بخش سودای سیمرغ چهل و دومین جشنواره بین المللی فیلم فجر، در حالی اعلام شده اند که در کنار نام های معتبر و چهره های شناخته شده، اسامی ناشناخته، اما کنجکاو و برانگیزی هم به چشم می خورد

هانیه شجاعی زند خبرنگار

لیست صاحبان آثار امسال نشان می دهد که با تمام حواشی سال گذشته و قهر و آشتی های برخی از فیلمسازان و خالی کردن پشت سینما، بعد از چهل و اندی سال، جبهه انقلاب می تواند در غیاب آن ها، فیلم فجر خود را تأمین کند. در ادامه، فیلم های بخش سودای سیمرغ را بررسی کرده ایم.

### ● رموز و زندگی پروین اعتصامی روی پرده سینما

● «معجزه پروین» به کارگردانی محمدرضا ورزی فیلم معجزه پروین، روایتی از داستان زندگی پروین اعتصامی بانوی شاعر ایرانی است. محمدرضا ورزی در مقام کارگردان برای اولین بار در جشنواره حضور یافته است. سابقه طولانی او در ساخت سریال های و تله فیلم های تاریخی، از او یک کارگردان کار بلد ساخته است که باید دید چقدر توانسته یک کار قابل قبول در ابعاد سینمایی ارائه دهد. زندگی پروین اعتصامی با دنیای روشنفکری ایران پیوند عمیقی دارد. زندگی پررمز و رازی که ورزی آن را سوژه فیلم خود کرده است.

### ● فیلم جنگی در ژانر کودک و نوجوان «میرو» به کارگردانی حسین ریگی

میرو یک فیلم جنگی در ژانر کودک و نوجوان است. کار قبلی ریگی با نام «هوک» یک کار متوسط بود که تلاش داشت داستان یک قهرمان را بسازد که در مجموع موفق نبود. باید دید بعد از دو تجربه ساخت فیلم بلند در سومین تلاش خود، چقدر توانسته بر کیفیت کار خود بیفزاید. این فیلم به تهیه کنندگی سعید الهی و با سرمایه گذاری بنیاد شهید و بنیاد فاریابی ساخته شده است.

### ● تولد دوباره ننه سرما و حاجی فیروز در قالب رئالیسم جادویی

● «نوروز» به کارگردانی سهیل موفق حضور علی نصیریان در فیلم نوروز کافی است



تاریخی، چهره های ارزشمند و تاریخی ایران دچار خدشه شده است.

### ● ژانر کمدی در میان دو تضاد خنده و غم «صبحانه با زرافه ها» به کارگردانی سروش صحت

سروش صحت توانسته برای دومین بار در مقام کارگردان، پا به عرصه رقابت در سودای سیمرغ بگذارد. فیلمی کمدی با بازیگرانی که این روزها در گیشه کمدی خوب فروش داشته اند. در این فیلم، بهرام رادان، پژمان جمشیدی و هوتن شکیبا نقش های اصلی آن را ایفا می کنند. صحت در اولین فیلم کمدی اش «با من برقص» با زبان طنز به تلخ ترین حقیقت بشر، مرگ می پردازد. باید دید این کارگردان در آخرین اثرش، طنز خود را به کدام سمت کشانده است. هرچند از تنها عکس منتشر شده از این فیلم که چهره های عبوس ستارگان خود را بولد کرده است می توان فهمید این فیلم همانند جهان با من برقص، کارگردان، دو تضاد میان خنده و غم را کنار هم نشانده است و فضای طنز این فیلم در همان راستا بوده باشد.

به کارگردانی مهدی شاه حسینی است. مستند سازی که این بار وارد فضای داستانی شده است. برنده یکی از سیمرغ های جشنواره فجر ۴۱، سجاد بابایی نقش شهید مهدی زین الدین را در این فیلم ایفا می کند.

### ● روایتی از روح آزادی طیب در سینما در بستر ژانر تاریخی سیاسی

● «صبح اعدام» به کارگردانی بهروز افخمی بهروز افخمی پس از مهر و موم ها، تحقیق و پژوهش، بالاخره توانست دغدغه خود را به فیلم تبدیل کند. فیلمی امروز در صف رقابت برای گرفتن سیمرغ لحظه شماری می کند. فیلم صبح اعدام، داستانی اعتراضی و سیاسی، اقتباسی از گزارش واقعی خبرنگار روزنامه کیهان از مراسم تیرباران این دو شخصیت تاریخی با نام طیب حاج رضایی و حاج اسماعیل رضایی است. باید دید افخمی توانسته یک طیب حاج رضایی در ابعاد واقعی اش تصویر کند یا به اسم دراماتیک کردن، مانند برخی از آثار

تا تماشای این کار با استقبال مخاطبان مواجه شود. هرچند کارهای قبلی سهیل موفق، توقع مخاطبان را برای دیدن یک فیلم خوب بالا برده است. فیلم نوروز یک ژانر متفاوت در میان فیلم های چند سال اخیر جشنواره است. فیلمی با فرم و ساختاری متفاوت در قالب رئالیسم جادویی است. مضمون فیلم در مورد نوروز، آیین و رسوم، افسانه ها و اساطیر نوروزی است. باید دید این کارگردان خلاق، چگونه آیین کهن ایرانی ها را در قالب ننه سرما و حاجی فیروز روایت می کند.

### ● پرتره شهید مهدی زین الدین در جزیره مجنون «مجنون» به کارگردانی مهدی شاه محمدی

مجنون، یکی دیگر از پرتره های امسال در جشنواره فجر چهل و دوم است. داستان فیلم که برشی از حماسه آفرینی شهیدان مهدی و مجید زین الدین و رزم آوران لشکر ۱۷ علی بن ابی طالب (ع) را در جزیره مجنون و عملیات بزرگ خیبر به تصویر می کشد،



با تمام حواشی سال گذشته و قهرو آشتی های برخی از فیلمسازان و خالی کردن پشت سینما، بعد از چهل و اندی سال جبهه انقلاب می تواند در غیاب آنها فیلم فجر خود را تأمین کند



● **پرافتخارترین کارگردان از ملی شدن صنعت نفت می گوید**

● **«بهشت تبهکاران» به کارگردانی جعفری جوزانی**

جعفری جوزانی اسمش با فیلم های با کیفیت و قابل قبول عجین است. مرد پرافتخار سینمای ایران که امسال با یک فیلم تاریخی از دوران ملی شدن صنعت نفت ایران به جشنواره آمده تا رونق سینمای ایران باشد. این فیلم تاریخی - سیاسی - جنایی با یک مضمون جنجالی در کنار یک کارگردان پرافتخار، آن را جزء مهم ترین های جشنواره کرده است. در لیست عوامل فیلم، اسامی نام آشنایی زیادی حضور دارند از جمله لادن مستوفی، پژمان بازغی، رضا شفیعی جم، فرهاد قائمیان و بسیاری دیگر...

● **ایرانگردی شاعر سینمای ایران**

● **«آبی روشن» به کارگردانی بابک خواجه پاشا**  
کارگردان خوش ذوق آغوش درخت بابک خواجه پاشا، امسال با فیلم آبی روشن، در جشنواره چهل و دوم حضور دارد. فیلمی که آذرماه امسال فیلمبرداری خود را در شهر خلخال، تالش، نیشابور، مشهد و تهران به پایان رسانده است. فیلمی که توانسته دو سازمان بزرگ سینمایی را پای کار سرمایه گذاری خود بیاورد. آبی روشن، اولین محصول مشترک سازمان هنری رسانه ای اوج و بنیاد سینمایی فارابی است که فیلمنامه آن را امیرابیلی و داوود گنجوی نوشته اند.

● **یک کار اولی از دغدغه های اجتماعی اش می گوید**

● **«نیپتون» به کارگردانی محمد ابراهیم غفاریان**  
یکی دیگر از کار اولی های راه یافته به بخش سودای سیمیرغ فیلم نیپتون است. این فیلم یک درام اجتماعی است. در خلاصه این فیلم آمده است: افسانه و همسرش به دلیل مشغله کاری از فرزند خود غافل شده اند که فرزند آنها دچار مشکلی می شود...

● **ترین های جشنواره**

از پرکارترین های بازیگر مرد در جشنواره امسال می توان به عباس جمشیدی فر (تمساح خونی، شمسوار و باغ کینوش به بخش بخش نگاه نو) و روح الله زمانی (آبی روشن، آسمان غرب و ظاهر در بخش نگاه نو) اشاره کرد و در میان زنان پرکار بازیگر نیز دو اسم نسیم ادبی (آسمان غرب و تابستان همان سال) و الناز حبیبی (تمساح خونی و شمسوار) به چشم می خورد.

● **از با سابقه ترین بازیگر مرد: علی نصیریان**  
● **با سابقه ترین بازیگر زن: احترام برومند و با سابقه ترین کارگردان: مسعود جعفری جوزانی**  
در این دوره از جشنواره می درخشند.

● **همدستی ایران و بنگلادش در ساخت یک فیلم اجتماعی**

● **«دروغ های زیبا» به کارگردانی آتش زمزم**  
این فیلم محصول مشترک ایران و بنگلادش و سیزدهمین اثر مرثی آتش زمزم است. این کارگردان پیش از این هم در ساختن فیلم برای کشورهای لبنان و پاکستان دستی بر آتش داشته است. از مهم ترین افتخارات او جایزه ویژه هیأت داوران در شانزدهمین جشن بزرگ سینمای ایران است. اما نکته مهم آن است که تا امروز هیچ محصول مشترکی نتوانسته به فیلمی پر مخاطب و جذاب تبدیل شود.

● **من یه تمساحم، به تمساح خونی! یک خطی یک فیلم اجتماعی**

● **«تمساح خونی» به کارگردانی جواد عزتی**  
یکی از فیلم های پرطرفدار امسال جشنواره تمساح خونی است. هرچند کارگردان این فیلم، کار اولی است اما اسمش در ردیف بازیگرانی که سال ها در صدر پرکارهای سینماست، برای خودش اعتبار خریده است. به تهیه کنندگی کامران حجازی که پیش از این در دو فیلم کت چرمی و مرد بازنده، با هم همکاری داشته اند. هرچند عوامل فیلم، یک کار خوب را نوید می دهند اما دوخطی داستانش از یک فیلم اجتماعی سیاه خبر می دهد. در خلاصه داستان «تمساح خونی» آمده است: «من یه تمساحم، یه تمساح خونی! یه آدم زخمی که کل زندگیش فقط باخته و چیزی برای از دست دادن نداره... ولی باز دلش ریسک های بزرگ می خواد!»

● **نمایش جبهه مقاومت سوریه روی پرده جشنواره فجر**

● **«قلب رقه» روایتی از مقاومت در سوریه**  
سینمایی «قلب رقه» به نویسندگی و کارگردانی خیرالله تقیانی پور و با تهیه کنندگی سعید پروینی، اثری از بنیاد سینمایی فارابی است که در جشنواره فیلم فجر حضور داشته و روایتی از مجاهدت های جبهه مقاومت در سوریه است. فرهاد قائمیان، محمدرضا شریفی نیا، هدایت هاشمی، عبدالرضا نصاری، مصطفی ساسانی و شادی مختاری در این فیلم به ایفای نقش می پردازند.

● **رمزوراز یک فیلم با چهره متفاوت مهران مدیری**

● **«تابستان همان سال» به کارگردانی محمود کلاری**  
محمود کلاری دومین مدیر فیلمبرداری است که امسال در جشنواره فیلم دارد. کارنامه پر و پیمان این فیلمبردار سینما با چندین سیمیرغ بلورین توقع مخاطبان را برای دیدن یک فیلم خوب بالا برده است. هرچند تجربه اولین کارگردانی این فیلمبردار به سال های بسیار دور بازمی گردد. باید دید کلاری در کارگردانی هم حرفی برای گفتن دارد یا ستاره فیلمبرداری ایران بودن برایش برانگیزه تر است. مهران مدیری، مرد جامانده از سودای سیمیرغ هم در این فیلم ایفاگر نقش است.

فیلم جنگی در جشنواره حضور دارد. داستان این فیلم، رشادت های زنان در دفاع مقدس را به تصویر می کشد. این اثر را می توان یک فیلم اقتباسی از کتاب حوض خون بنامیم. کتاب حوض خون داستان زنان مجاهد جنگ تحمیلی است و حال یک زن فیلمساز به کمکش آمده تا این مجاهدت ها را به فیلم تبدیل کند. فیلمی که اکنون در بزرگ ترین رویداد سینمایی حرفی برای گفتن دارد.

● **نمایش عشق به روایت کارگردانی که برای ایران فیلم می سازد**

● **«در آغوش باز» به کارگردانی بهروز شعبی**  
بهروز شعبی یکی دیگر از کارگردانی است که با فیلم آغوش باز بار دیگر به جشنواره چهل و دوم آمده است. کارهای استاندارد شعبی تا امروز توانسته در جشنواره فجر در کنار سایر فیلم های خوب جشنواره رقیب قدری برای تصاحب سیمیرغ محسوب شود. در خلاصه داستان فیلم آمده است: سه قصه عاشقانه... سه زوج در فراز و نشیب روابط عاطفی، فرصت می یابند به تعریف جدیدی از عشق برسند. با این یک خطی داستان می توان حدس زد که با یک فیلم از ژانر اجتماعی روبه رو هستیم و باید دید که پرداخت این کارگردان در نمایش عشق چگونه است.

● **از فیلم اتاق گلی تا پرتبه شهید شیرودی**

● **«آسمان غرب» به کارگردانی محمد عسگری**  
یکی دیگر از فیلم های پرتبه در جشنواره امسال، فیلم آسمان غرب است به کارگردانی محمد عسگری و تهیه کنندگی حبیب الله والی نژاد. فیلمی که زندگی شهید شیرودی را دستمایه داستان خود قرار داده است. محمد عسگری پیش از این در جشنواره قبل، با فیلم اتاق گلی توانست نظر منتقدان را به خود جلب کند. همین کارنامه درخشان، سبب شده تا فیلم آسمان غرب یکی از آثار مهم امسال جشنواره محسوب شود. این فیلم سینمایی محصول بنیاد سینمایی فارابی و سازمان سینمایی سوریه است که با مشارکت ارتش جمهوری اسلامی ایران ساخته شده است.

● **دوروز دیرتر به کارگردانی اصغر نعیمی**

امسال دست جشنواره در اکران فیلم های کمدی در بخش سودای سیمیرغ حسابی پر است؛ چرا که روایت فتح هم به فیلم اجتماعی با رویکرد طنز روی آورده است. فیلمی که حامیان اسم و رسم داری همچون جمال ساداتیان را پشت سر خود دارد که به عنوان مشاور تهیه کننده در جمع عوامل حضور دارد. در داستان یک خطی این فیلم آمده، این فیلم داستان پدر مریم است که عاشق نوه بوده و برای نوه دار شدن مریم و همسرش را تحت فشار قرار می دهد.

● **پرتبه احمد کاظمی، شهید عملیات نجات در بم**

● **«احمد» به کارگردانی عباس ربیعی**  
احمد روایت شهادت شهید احمد کاظمی است. روایتی ملتهب از ۱۸ ساعت ابتدایی زلزله بم به کارگردانی امیر عباس ربیعی و تهیه کنندگی حبیب الله والی نژاد. ربیعی برای سومین بار دل به تاریخ زده است و برای نمایش پرتبه ای از شهید احمد کاظمی بهترین ها را کنار هم قرار داده است. از حبیب الله والی نژاد در مقام تهیه کننده تا سرمایه گذارانی مانند سوره حوزه هنری و مؤسسه تصویر شهر سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران که پای کار ربیعی آمده اند.

● **نگاه متفاوت شاگرد اصغر فرهادی به مهاجرت**

● **«نیودنت» به کارگردانی کاوه سجادی حسینی**  
سجادی حسینی در چهارمین کارگردانی بلند خود، یک درام عاشقانه را روایت می کند. این کارگردان که سال ها شاگردی اصغر فرهادی را در کارنامه دارد، در دل یک داستان اجتماعی قصه ای عاشقانه و زنانه با تم مهاجرت دارد. سجادی در یک گفت و گو اشاره کرده بود قصد دارد به مهاجرت های بی جا که باعث فروپاشی خانواده ها می شود بپردازد. یک دوخطی که ذهنیت مخاطبان را به فیلم جدایی نادر از سیمین می برد. باید دید رویکرد او هم همان مسیر فرهادی را رفته است یا این بار نگاه انتقادی نسخه بهتری را برای مخاطبان در نظر گرفته است. این فیلم عاشقانه محلی، بازیگران سرشناسی چون سحر دولتشاهی، آزاده صمدی و امیر آقایی را دارد.

● **رشد فیلم های اقتباسی در جشنواره ۴۲**

● **«پرویز خان» به کارگردانی علی ثقی**  
پرویز خان یک فیلم اقتباسی از زندگی شهید علی هاشمی به کارگردانی دانش اقباشاوی است. این فیلم سینمایی که محصول سازمان هنری رسانه ای اوج است در خصوص «پرویز دهرداری» یکی از متفاوت ترین مریبان بزرگ تیم ملی فوتبال ایران است که روزهای پایانی فیلمبرداری خود را می گذراند. «پرویز دهرداری» زمانی مسئولیت مدیریت فنی تیم ملی فوتبال ایران را در دست گرفت که بازیکن سالاری حرف اول و آخر ورزش فوتبال را در دنیای ستارگان آن زمان ها می زد و اتفاقاً مدیران فوتبال آن سال ها که از شاگردان دهه های ۴۰ و ۵۰ «پرویز دهرداری» بودند، او را به همین منظور به این سمت برگزیدند که بتواند بر این جوانسال غلبه کند.

● **تنها زن کارگردان این دوره از ناگفته های جبهه های جنگ می گوید**

● **«دست ناپیدا» به کارگردانی انسیه شاه حسینی**  
تنها فیلمساز زن امسال جشنواره چهل و دوم انسیه شاه حسینی است که امسال هم با یک



هشت درام اجتماعی، شش فیلم در ژانر دفاع مقدس و جنگ، سه فیلم از تاریخ معاصر ایران و چهار فیلم در ژانرهای کمدی، تاریخ اسلام، کودک و ورزشی ترکیب حال حاضر فیلم های جشنواره تا به اینجاست، ترکیب متفاوتی که نشان از رونق درام های اجتماعی نسبت به سایر ژانرها در فیلم های امسال جشنواره فیلم فجر دارد



# چرا بعد از یک دهه هنوز مخاطبان «افسانه جومونگ» رامی بینند؟! این جومونگِ ول نکن

دسته دومی از مخاطبان نیز وجود دارند که اصولاً در دفعات و بارش پیام، این پیام (فیلم، سریال و...) به علت های مختلف از جمله مشغله، عدم اعتماد، عدم علاقه و... به آنها نرسیده است چراکه اثر رسانه ای زمان می برد تا خود را اصلاح کند و در بسیاری مواقع یک فصل از یک سریال که به پایان می رسد بسیاری از افراد فصل اول آن را ندیده اند اما از تعریف و صحبت های سایرین مشتاق می شوند تا در دفعات و فصل های آتی به بیننده تبدیل شوند؛ اما باید اذعان کرد که این دسته عداد پایینی دارند که در تعریف مخاطب جدید قرار می گیرند.

دسته سوم نیز کسانی هستند که به عنوان مخاطبان دفعی و موقتی رسانه به شمار می روند. یعنی کسانی که در زمره وفاداران و مخاطبان جدید قرار نمی گیرند و هر از گاهی ارتباطات کوتاهی با رسانه برقرار می کنند و رسانه برای آنان کاربرد موقتی دارد که این دسته نیز از تعداد محدودی برخوردار است. به طور کلی، در سیاست بازپخش، ما به اهمیت مخاطبی به نام مخاطب وفادار برمی خوریم با ویژگی هایی که در فوق ذکر شده و رسانه تمایل دارد این مخاطبان را نا امید نکند و به دنبال آن پاداش دریافت کنند و با پخش یک محتوای رسانه ای با حداکثر رضایت مخاطبان و لذت بردن از آن، باعث تسلی

**پس از گذشت سال های بسیار از پخش نخستین قسمت سریال کره ای جومونگ و استقبال سیل عظیمی از مخاطبان، رسانه برای چندمین بار متمادی اقدام به بازپخش آن کرده و مجدد نیز مخاطبانی به تماشای آن می نشینند، دلیل این حجم از تکرار و همراهی مجدد مخاطبان را چه می دانید؟**

مادر حوزه سیاست بازپخش با چند دسته مخاطب رو به رو هستیم و تحلیلی که باید انجام شود، بیشتر تحلیل مخاطب شناسانه است تا رویکرد محتوا شناسانه و نخستین موضوع مورد توجه، حضور تعداد زیادی از مخاطبان وفادار هستند. مخاطبان وفادار در استراتژی رسانه ای، همیشه خریدار پیام هستند، این مخاطبان عموماً سطح نقادی و تحلیل پایینی دارند و تنوع مجاری دریافت پیام ندارند که به دلیل تک سویه و تک کانالی بودن، باعث وفاداری به محتوا می شود. بازپخش چندین باره سریال هایی همچون پایتخت، جومونگ، یوسف پیامبر و راه اندازی شبکه هایی مانند آی فیلم و تماشا که در سنوات گذشته فعالیت بیشتری داشت، ابقا و اقتناع این دسته از مخاطبان را هدف قرار داده است.

ابتدایی ترین دلیلی که مردم یک فیلم را چندین بار تماشا می کنند، این است که به آن فیلم علاقه دارند؛ البته ممکن است تماشای دوباره و دوباره فیلم یا سریالی باعث شود که جذابیت اولیه خود را از دست بدهد. اما از سوی دیگری می تواند به رابطه ای عمیق تر و حسی تر با آن فیلم منجر شود در نتیجه شاید میزان علاقه مخاطب به آن فیلم، هر بار بیش تر از قبل شود؛ چرا که در هر دیدار تازه ای با فیلمی تکراری، می تواند مکاشفه ای تازه نیز به همراه داشته باشد؛ مکاشفه ای که درک مانسبت به آن فیلم را دستخوش تغییر می کند. حتی اگر چنین مکاشفه ای هم در کار نباشد همین که مدام در معرض چیزی که دوست داریم قرار بگیریم، می تواند باعث شود که هر بار آن را بیش تر از قبل دوست داشته باشیم. همچنین پس از عبور از بحران کرونا، در مواجهه با احساسات مشابهی از بیگانگی و تنهایی در طول دوران پاندمی، رسانه دوباره به آیین بازمینی سریال های تلویزیونی بازگشته است. هر چند که تلاش کرده طیف بیشتری از علاقه ها را راضی نگه دارد و مجموعه برنامه های متنوع تری در سبب پخش شبکه ها قرار گرفته است، اما دلیلی که مخاطب را به تماشای مجدد این نوع از محتوا سوق می دهد، ثابت مانده است و آن هم این که برای او وقتی دنیای بیرون ترسناک و غیر قابل پیش بینی است، دوست دارد سریالی را تماشا کند که می داند به او آرامش می دهد. در این خصوص گفت و گویی با محمد لسانی کارشناس رسانه و مدرس سواد رسانه ای داشتیم که در ادامه می خوانید:







موج‌سازی اجتماعی همواره کاری دشوار است و حفظ و نگهداشت مخاطب موجود، فرایندی سهل و آسان به شمار می‌رود و روندی که اکنون در بازپخش سریال‌هایی همچون جومونگ گرفته شده، این است که ارتباط رسانه با مخاطب وفادار حفظ شود اما در توسعه مخاطب و مخاطب‌یابی کمکی نمی‌کند.

### قهرمان محوری و قهرمان پروری در جامعه می‌تواند در بازپخش سریال‌هایی همچون جومونگ نقش داشته باشد؟

تنها این عامل مؤثر نیست اما رجوع به چنین عاملی و تمرکز بر آن به نوعی تقلیل دلایل به حساب می‌آید. قسمت دیگر آن می‌تواند قرابت چند دهه‌ای فرهنگ جنوب شرق آسیا و کشور کره با کشور ایران باشد و زمینه دیگر آن موج جهانی است که از طریق گروه‌هایی همچون کی‌پاپ و بی‌تی‌اس شکل می‌گیرد.

همچنین دلایل دیگر آن ارتباطات خانوادگی و بستر اجتماعی سریال‌هایی همچون جومونگ است که تنها به عنوان یک سریال سیاسی نمی‌توان به آن نگریست و ابعاد رزمی، دفاعی و اجتماعی آن نیز مورد توجه است و نباید در یک مؤلفه آن را خلاصه کرد.

### حرف پایانی...

نکته‌ای که مهم به نظر می‌رسد این است که فهم ذاتی به خوراک‌دهی تکراری منجر نشود و این شناخت به خوراک‌سازی منتج شود و پس از درک سلیقه مخاطب چنانچه قرابت فرهنگی در پیمایش مهم شناخته شد، تولیدات جدید در همان راستا در دستور کار قرار گیرد و محتواسازی مطابق یا ذاتی مخاطب صورت گیرد، لذا ساده‌ترین و محافظه‌کارترین روش این است که مخاطبان قبلی را حتی با کمترین تعداد حفظ نماییم که این خود نیز به نوعی تنها موجب امنیت روانی برای سازندگان و تولیدکنندگان محتوا در سازمان صداوسیما به حساب می‌آید و صاحبان رسانه را برای این اقل مخاطب به آرامش می‌رساند. به همین دلیل لازم است در

این زمینه با پژوهش‌های انسان‌شناسی و فرهنگ‌شناسی ریسک‌پذیری خود را بالا ببریم و نسبت به تولید محتواهای جدید یا یافتن آن اقدام کنیم و فهم بهتری از علایق مردم داشته باشیم.

محتوایی که ساخته می‌شود باید بررسی شود که کدام یک از آنها به یک موج اجتماعی تبدیل شده است، به نحوی که در مورد آن صحبت شود و هنرپیشه‌های آن محبوب شوند، صفحات بازیگران آن در شبکه‌های اجتماعی با افزایش عضو مواجه شود که این موارد به عنوان نمود یک موج اجتماعی در نظر گرفته می‌شود.

### آنچه ذکر شد به نوعی به رقابت فضای مجازی با رسانه مرجع دامن نمی‌زند؟

رقابت تنها با فضای مجازی صورت نمی‌گیرد، بلکه موضوع هویت رسانه ماکرو سنتی است. امروزه هویت رسانه سنتی نه در ایران بلکه در جهان رو به افول است. رسانه سنتی شامل رسانه‌ای است که یک سازمان واحد و یارویکرد بالا به پایین اداره می‌شود، یک خط واحد در آن دنبال می‌شود، نسبت به وقوع رویدادها در آن تصمیم گرفته می‌شود و فرایند تولید آن هزینه‌بر و زمان‌بر است؛ این رسانه هویت آن در جهان در حال کمرنگ شدن است و رسانه ما نیز در ایران در دسته بندی رسانه سنتی و جزو نازل‌ترین سنتی‌ها قرار دارد؛ هم از نظر فنی و هم از نظر محتوایی! چرا که در دنیا تلویزیون بر پایه اینترنت است و به یک رسانه تعاملی تبدیل شده که در آن نوع از رسانه امکان ابراز سلیقه مخاطب در تولید محتواها نیز وجود دارد. در سازمان صداوسیما تصمیم‌گیران و مدیران کلان این سازمان موظف بودند خیلی پیش‌تر این رسانه سنتی را احیا کنند و به نسخه‌های جدیدتری از این رسانه سنتی می‌رسیدیم. امروزه در دنیا از طریق آی‌پی تیوی تعداد صعود یا نزول بیننده در لحظه و به صورت کیفی امکان‌پذیر است، حتی اگر این تعداد یک نفر از مخاطبان باشند، اما کمکان در رسانه ملی ما به شکل سنتی و با گزارش‌های میدانی و تهیه نظرسنجی تعداد حدودی مخاطبان برآورد می‌شوند که این نوع از نظرسنجی به ندرت در دنیا یافت می‌شود. آنچه اکنون با آن مواجه هستیم، تخمین‌ها، پیش‌بینی‌ها و تعمیم‌های ناقص و ناروا در شهرها و مراکز استان‌ها پیمایش می‌شود و بر این اساس تعداد مخاطبان را برآورد می‌کنند و به سبب نبود نوآوری در پلتفرم رسانه این موارد حاصل شده است.

### یعنی این روند تک‌محصولی بودن و حفظ مخاطب وفادار سطح رسانه ملی را تنزل می‌بخشد؟

در فضای رسانه‌ای یافتن و توسعه مخاطب و

روانی می‌شود و هنگامی که بیننده با یک واقعه‌ای ارتباط برقرار می‌کند، میزان تمایل به نوشوندگی و تنوع‌طلبی در آنها پایین می‌آید.

### مخاطبان وفادار اصولاً از چه میانگین سنی برخوردارند؟

اگر از جنبه سنی بررسی شود، این موضوع شامل افرادی است که بیش از ۴۰ سال دارند. اصولاً ما زمانی که با مخاطب جوان و نوجوان سروکار داریم، موضوع مصادیق جدید، محتواهای نوشونده و تازه و تنوع‌طلبی در نسل جدید بسیار زیاد است اما این امکان وجود ندارد که تداوم یک فرمت، سبک و سیاق را بتوان برای نسل جدید نگاه داشت.

آنچه که در حقیقت مخاطبان حال حاضر رسانه ملی وجود دارد، این است که نسل‌های با سنین بالاتر همچون دهه ۵۰ یا ۶۰ مخاطبان اصلی و وفادار صداوسیما و این گونه از سریال‌ها را تشکیل می‌دهند، ولیکن نگاه رسانه باید به همه مخاطبان خود باشد و تولید محتوای مورد سلیقه نسل‌های جدید در دهه ۹۰-۸۰ و حتی ۱۴۰۰ را نیز در نظر بگیرد.

### آیا رویکرد تلویزیون همواره بر این منطق استوار است که تنها تمایل به حفظ مخاطبان وفادار دارد و مخاطبان کودک، نوجوان و جوان ما سهمی از محتواهای رسانه ملی نخواهند داشت؟

آنچه که ما باید به آن بپردازیم تبدیل مصرف رسانه‌ای به مد اجتماعی است که این مسأله امروزه رخ داده و تماشای محتواهای فراگیر شده، به نوعی به پرستیژ اجتماعی تبدیل شده است و نه تنها در محتواهای صداوسیما بلکه در موسیقی و کتاب و... نیز این روند جاری است. به همین دلیل این مسأله که چه مقدار یک محصول رسانه‌ای تبدیل به واگیری اجتماعی می‌شود، می‌تواند در جامعه موج ایجاد کند. به نظر می‌رسد اگر ما در خصوص سازمان صداوسیما صحبت می‌کنیم، مسأله موجود تبدیل محصول به یک موج اجتماعی است و در خصوص هریک از



### مخاطبان وفادار

در استراتژی

رسانه‌ای،

همیشه خریدار

پیام هستند، این

مخاطبان عموماً

سطح نقادی و

تحلیل پایینی

دارند و تنوع

مجاری دریافت

پیام ندارند که

به دلیل تک

سویه و تک

کانالی بودن،

باعث وفاداری به

محتوای خود



# بانقش آفرینی سربازان

## یک فرمانده برای آن طفل هراسان به صحنه آمد

شبه نظامی در عراق پس از سرنگونی صدام حسین و مقابله با داعش در عراق و سوریه داشته است. کارگردان نمایش شهید القدس در پاسخ به این سوال که در تولید این اثر نمایشی تا چه حد به صحت و سقم وقایع و مستندات تاریخی توجه شده است تا چهره درستی از سردار سلیمانی معرفی شود، اضافه کرد: همه آنچه که در باب محتوا به مخاطب خوراک می دهیم با دفتر مکتب حاج قاسم که متصل به نیروی قدس است هماهنگ شده و سعی کردیم آنچه واقعیت است را نشان بدهیم.

بزرگوار است که نمایش در واقع یک بیوگرافی کلی است. گاهی شما سربال چند قسمتی کار می کنید که دستتان باز است اما در نمایش محدودیت زمان داریم و باید مهمترین مسائل مطرح شود. در خود این نمایش یک ساعت و ۲۰ دقیقه فرصت داشتیم پیام خود را به مخاطب منتقل کنیم.

به گفته این کارگردان شهیدالقدس خدمات حاج قاسم درباره قدس است، موضوعی که از اقدامات و ایثارگری های وی کمتر مورد توجه قرار گرفته و شاید مردم بیشتر اتفاقات مبارزه با داعش و مدافعان حرم را با شنیدن نام سردار سلیمانی در ذهن تداعی می کنند. وقایعی که در فلسطین، حماس و هماهنگ کردن وحدت بین گروه های مقاومت به ثبت رسیده به مانند بذری بود که مقاومت را به نقطه ای که طوفان الاقصی نام دارد رساند.

بزرگوار تصریح کرد: چنان که رهبر معظم انقلاب فرمودند «طوفان الاقصی ادامه دارد» و اینکه فردی مانند سردار سلیمانی چه نقشی در شکل گیری آن داشت، از موضوعات روز جامعه است که تلاش کردیم در این نمایش به آن بپردازیم.

این کارگردان تاکید دارد که نگاه به آینده سردار حیرت انگیز بود و اینکه بذری را از چند سال قبل بکاری تا سال ها بعد به ثمر برسد هوشمندی و اندیشه والای او را نشان می دهد. وی تصریح کرد: ما ناخوانسیم و مطالعه نکنیم نمی دانیم سردار سلیمانی که بود و چه کرد. شاید چند نفر بیابند و در نمایش به چند واقعیت پی ببرند اما لازم است شخصیت هایی مانند سلیمانی مطالعه شوند. کارگردان نمایش شهیدالقدس اضافه کرد: افسوس بنده از این است که چرا فقط یک نمایش در سال باید برای چنین چهره ای ساخته شود و بقیه دستگاه های عریض و طویل فرهنگی و هنری



**بزرگوار:** نکته اینجاست که از سالی که سردار به شهادت رسید به سیره زندگی، اقدامات، رشادت ها و کارهایی که در منطقه و در داخل کشور انجام داده پرداخت نشده است و آنطور که باید ادای دین نکردیم

### اسطوره ای که مطالعه نشد

نمایش شهیدالقدس، سیالیت زمانی و در عین حال روایت تاریخی دارد. از داستان فلسطین، بیت المقدس و قوم بنی اسرائیل تا به امروز، تاریخی که در آن ۲۰ هزار فلسطینی قربانی ظلم می شوند را در یک ساعت و ۲۰ دقیقه روایت می کند.

تعداد قابل توجه بازیگران و صداگذاری، نورپردازی و استفاده از سه پرده مجزای متحرک برای روایت داستان یکی از اتفاقاتی است که در سال نمایش بوستان ولایت، موجب خلق اجراهای متفاوتی می شود.

بخشی از اقدامات کمتر گفته شده شهید قاسم سلیمانی شکل دادن به گروه های مقاومت در فلسطین بود که امروز ثمره آن را طوفان الاقصی می دانند. موضوعی که در نمایش شهیدالقدس روی صحنه رفت. بوستان ولایت اینبار میزبان کسی بود که خود را «سرباز صفر ولایت» می دانست. کسی که دشمن به حدی از او در هراس بود که «فرمانده در سایه» خطابش می کرد و از حضور او در همه جبهه های مقاومت در بهت و حیرت بود. سردار قاسم سلیمانی که روحیه دفاع از مظلوم را از خانواده متدین خود به ارث برد و در طول زندگی خود نیز در رویارویی با ظلم هراسی به دل راه نداد، اسوه ایستادگی و پایداری است. نمایش شهیدالقدس چنان که کارگردان آن اذعان دارد در پاسخ به یک خلأ جدی ساخته شده است و آن اینکه سلیمانی به واقع که بود و چه اقداماتی داشت؟

حسن بزرگوار کارگردان این نمایش می گوید: در باب شهید سلیمانی ما دغدغه داریم و این سال دومی است که در موسسه ققنوس نمایشی در خصوص این سردار

نظامی ساخته می شود. سال گذشته نمایش «جان فدا» و امسال نمایش «شهیدالقدس» روی صحنه رفت. وی افزود: نکته اینجاست که از سالی که سردار به شهادت رسید به سیره زندگی، اقدامات، رشادت ها و کارهایی که در منطقه و در داخل کشور انجام داده پرداخت نشده است و آنطور که باید ادای دین نکردیم. این کارگردان معتقد است که تلویزیون و سینما تولیدی نداشته و فقط چند کار کوتاه و مستند ساخته شده است. در حوزه نمایش هم اتفاق خاصی شکل نگرفته و در این برهوت بی تفاوتی ما خوشحالیم که توانستیم ادای دینی داشته باشیم و قدم کوچکی برای معرفی این شهید برداشته باشیم. به گفته بزرگوار اساس این تفکر سال گذشته جان فدا به تهیه کنندگی اسماعیلی ساخته شد که استقبال بی نظیری داشت. بعد از جان فدا چند کار انجام دادیم و امسال نیز در مرکز تخصصی نمایش میدانی که به همت سازمان اوج و شهرداری در بوستان ولایت طراحی شده است، شهیدالقدس را به روی صحنه بردیم.

کرمان بود و مسئولیت امنیت بخش های شرقی ایران را بر عهده داشت. او به عنوان فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران نقش مهمی در تقویت قدرت نظامی حزب الله لبنان و گروه های مسلح فلسطینی، جنگ افغانستان، جنگ اسرائیل و لبنان، تشکیل گروه های

اما رویکرد موسسه ققنوس و سازمان رسانه ای اوج طرح واقعیت های تاریخی است. موضوعی که همچون شمشیر دولبه است و می تواند جاذبه یا دافعه مخاطب را در یک آن به دنبال داشته باشد.

نگاهی به کارنامه نظامی سردار سلیمانی نشان می دهد که وی در طی جنگ ایران و عراق فرمانده نیروهای سپاه کرمان و از فرماندهان عملیات های والفجر هشت، کربلای چهار و پنج بود و چندین بار مجروح شد. پس از جنگ تا سال ۱۳۷۶، فرمانده لشکر ۴۱ ثارالله





بزرا: دستگاه‌های عریض و طویل فرهنگی و هنری چه می‌کنند. این همه اسطوره و قهرمان داریم در این مملکت همت‌ها و باکری‌ها و ما به جای پرداختن به آن‌ها اسطوره‌های دیگران را می‌سازیم و به آن‌ها توجه بیشتری داریم. ما نگاه نمی‌کنیم به داشته‌هایمان و به عقبه خودمان توجه نداریم



ویژه حمایت می‌شوند؟ این سؤالی است که در کمال تعجب کارگردان پاسخ منفی به آن می‌دهد. با وجود نیاز امروز ما به اتصال به ارزش‌ها و بازخوانی هویت، به اعتقاد بزرا حمایت‌ها اندک است. وی می‌گوید: اگر حرف شعاری نزنم دغدغه زیاد است برای تولید. هم مسائل اجتماعی و هم اتفاقات روز که زیاد است و مادر گروه تولید محتوا به تعداد قابل توجهی رسیده‌ایم که پرداخت نشده است. خیلی از عوامل ما تلاش و افری دارند که مردم چنین آثاری را ببینند اما حمایتی نداریم و گویا عده‌ای حتی نمی‌خواهند دیده شود.

کارگردان شهیدالقدس با ابراز ناراضی از عملکرد نهادهای فرهنگی تصریح کرد: اگر سازمان اوج نبود کسی مانند احسان محمد حسنی نبود معلوم نبود که سرنوشت چنینی چه می‌شد و اینکه این سازمان گاهی با مشارکت شهرداری و سپاه یک‌تنه در حال تولید چنین آثاری هستند ستودنی است. در عین حال بزرا تأکید دارد که کارهایی که قابل دفاع هستند باید حمایت شوند. گاهی کار ارزشی، انقلابی و اسلامی تولید می‌شود اما قابل دفاع نیست ولی وقتی کاری قابل دفاع است چرایی توجهی می‌شود و حمایت نمی‌بینیم.

چهار سال از ضایعه شهادت سردار سلیمانی سپری شده و در این مدت برنامه‌های متعددی برای معرفی و پاسداشت او برگزار شده است اما کافی است برای احصا خروجی برنامه‌ها میزان آشنایی نسل جوان با این قهرمان را جویا شد. اینکه به زبان هنر و به زبانی ساده و لطیف اقتداری را بازگو کرد، مهارتی است که بی‌شک چنان که کارگردان سینما توصیف کرد، به حمایت نیز احتیاج دارد.

این فقر پرداختن به اسطوره‌ها است که موجب می‌شود قهرمان ملل دیگر به رویای کودکان ما تبدیل شود آن هم درست در شرایطی که سردار سلیمانی در نامه‌ای خطاب به فرزند خود می‌گوید: «عزیزم از خدا خواستم همه شریان‌های وجودم را و همه مویرگ‌هایم را مملو از عشق به خودش کند. وجودم را لبریز از عشق خودش کند. این راه را انتخاب نکردم که آدم بکشم، تو میدانی من قادر به دیدن پریدن سرمرغی هم نیستم. من اگر سلاح به دست گرفته‌ام برای ایستادن در مقابل آدمکشان است نه برای آدم کشتن. خود را سرباز در خانه هر مسلمانی می‌بینم که در معرض خطر است و دوست دارم خداوند این قدرت را به من بدهد که بتوانم از تمام مظلومان عالم دفاع کنم.»

نه برای اسلام عزیز جان بدهم که جانم قابل آن را ندارد، نه برای شیعه مظلوم که ناقابل‌تر از آتم، نه نه... بلکه برای آن طفل و حشمت‌زده بی‌پناهی که هیچ ملجایی برایش نیست، برای آن زن بچه‌به‌سینه چسبانده هراسان و برای آن آواره در حال فرار و تعقیب، که خطی خون پشت سر خود بر جای گذاشته است می‌جنگم.»

جهت تماشا نمایش شهیدالقدس می‌توانید به <https://www.namaticket.ir> مراجعه و نسبت به تهیه بلیط اقدام کنید.

چه می‌کنند. این همه اسطوره و قهرمان داریم در این مملکت همت‌ها و باکری‌ها و ما به جای پرداختن به آن‌ها اسطوره‌های دیگران را می‌سازیم و به آن‌ها توجه بیشتری داریم. ما نگاه نمی‌کنیم به داشته‌هایمان و به عقبه خودمان توجه نداریم.

### آنچه بر ما رفته است

شهیدالقدس همزمان با چهارمین سالگرد شهادت حاج قاسم سلیمانی به کارگردانی حسن بزرا و تهیه‌کنندگی علی اسماعیلی به صحنه رفته است.

سایر عوامل این نمایش عبارتند از: جانشین تهیه و تولید: امیرحسین طهرانی، مجری طرح: داود طامهری، طراح نور: عباس رحمانی پور، طراح صحنه و دکور: مرتضی پورحیدری، طراح صدا: عرفان حسن زاده، طراح جلوه‌های ویژه میدانی: یاسر یارمحمدی، مدیر تولید: تورج سلیمانی، مجری صدا: علی بیرنگ، طراح گریم: هاشم جوری.

نزدیک به ۵۰۰ نفر عوامل نورپردازی، صداگذاری، تدوین، بازی و آماده‌سازی سالن اجرا اثری را به یادگار گذاشته‌اند که در واقع نه تنها بازگویی زندگی یک سردار نظامی بلکه آنچه که بر ما و کشورهای منطقه در چند دهه گذشته، رفته است را روایت می‌کند.

استقبال کم نظیر از این اثر نمایشی حتی با وجود برودت هوا و بارش باران از اشتیاقی می‌گوید برای دانستن و کشف لایه‌های فکری فرمانده‌ای که گفته می‌شود یک مکتب است. نمایش شهیدالقدس چنان که کارگردان اذعان دارد بازیگر شماره اول ندارد. در این نمایش ۱۰ بازیگر دست به دست هم داده‌اند تا بتوانند یک چهره را آنطور که باید بشناساند.

کارگردان نمایش در این خصوص می‌گوید: نمایش ما زیاد بازیگر محور نیست و یک کار تیمی است به خاطر همین سراغ سلبریتی نفرتیم. بازیگران ما سربازان هستند. سربازان سپاه که حدود یک سال است در کارهای نمایشی همراه ما هستند و بعد از یک سال آموزش به چنان قدرتی در بازیگری رسیده‌اند که حیرت‌آور است.

بزرا افزود: یکی از دغدغه‌های ما این بوده که سرباز چرا و قتش را به بطالت بگذراند و در یک زمینه که علاقه دارد مهارت نیاموزد. به همین دلیل ما گروهی از سربازان را آموزش دادیم و برخی در این مدت به حد قابل توجهی زنده شدند.

**چرا کار انقلابی قابل دفاع حمایت نمی‌شود؟**  
آیا تولیداتی مانند شهیدالقدس به صورت



# زوم

چرا کتاب «فرجام یک دشمنی» اثر مهمی است

## جامع و کامل درباره یک دشمنی دیرینه

اسماعیل بنده خدا  
نویسنده



نبود یک مسیر روشن برای معرفی و نقد صحیح و سریع کتاب و ارائه درست آن از طرف خیرگان اهل کتاب به سمت مخاطبان و خوانندگان، سبب می شود که بسیاری از کتاب های ناب و درجه یک، در محاق بی توجهی و گمنامی بمانند و در نقطه مقابل، بسیاری از کتاب های سطح پایین و کم ثمر و بی هنر، در اوج توجه و فروش باشند و اکثر آشنایانی بعد از مطالعه به دنبال داشته باشند. وضعیتی که هم اکنون متأسفانه بازار کتاب کشور ما بدان مبتلاست و مخاطبان از آن رنج می برند. بماند که همین وضعیت، خود معلول پایین بودن سرانه مطالعه در کشور است. به عبارت بهتر، کم کتاب خواندن ما، هم علت «نبود مسیر نقد درست» است و هم معلول آن. یک سیکل معیوب و زیان آور. نمونه عینی عرایض من، همین کتابی است که با معرفی آن در خدمت شما هستیم. کتاب «فرجام یک دشمنی: بنی امیه و بنی هاشم». کتابی بسیار مدون و به گزین، از تاریخ یک دشمنی بزرگ و تأثیرگذار بین خاندان بنی هاشم و خاندان بنی امیه. کتابی که خود بنده که کمابیش در فضای کتاب و کتابخوانی زندگی می کنم، حتی از وجود آن هم بی خبر بودم، چه رسد به یک آشنایی اولیه و محدود. با وجود اینکه این کتاب از نشر معروف و کاردرستی چون نشر «هرمس» چاپ شده، اما متأسفانه کاملاً ناشناخته باقی مانده و توجهی به آن نشده است. حتی من وقتی صفحه مجازی نشر هرمس را می گشتم، پس از جست و جوی زیاد در اواخر صفحه مجازی، پست کتاب را یافتم و انگار خود نشر هم توجه چندانی به معرفی هر چه بهتر کتاب نداشته است، چه رسد به سایر رسانه های مجازی و مکتوب. علی ایحال، با اینکه مخاطب کتاب «فرجام یک دشمنی» مخاطب عمومی نیست و یک کتاب نسبتاً تخصصی درباره تاریخ اسلام و حتی قبل از اسلام است، اما برای مخاطب ویژه خود اعم از پژوهشگران تاریخ اسلام یا علاقه مندان به تاریخ اسلام و زندگی پیامبر اکرم و ائمه معصومین (ع)، یکی از بهترین کتاب های بازار است.

### یک پیشنهاد خوب

بالتر عرض کردم که این کتاب، یک کتاب مدون و به گزین است؛ چرا؟ چون درباره موضوع مشخص خود، یعنی تاریخچه دشمنی بنی هاشم و بنی امیه، تمام منابع را جست و جو بررسی کرده و هر آنچه لازم بوده را در یکجا به صورت تدوین شده و به ترتیب زمانی گردآوری کرده است. به نحوی

سنت است و تفکر سنی بر کتابش حاکم است. برای همین هم در بعضی موارد اختلافی، بنا را بر اعتقادات سنی گذاشته و همان دیدگاه ها را مبنای استدلال خود قرار داده است. دیدگاه هایی که ممکن است از نظر شیعیان مورد قبول نباشد. مترجم کتاب، آقای سیدعباس بیدگلی در ابتدای کتاب گفته است که از این تفاوت دیدگاه ها غافل نبوده است اما چون این کتاب، کتاب کلامی و اعتقادی نیست، در پاورقی ها به این موارد اختلافی نپرداخته است. به نظر من، این دلیل، دلیل درستی برای عدم توضیح موارد اختلافی نیست. حتی یک توضیح کوتاه در پاورقی ها، به شفاف تر شدن ماجرا و روشن تر شدن دید مخاطب اثر زیادی می گذارد و منافاتی هم با کلامی و اعتقادی نبودن کتاب ندارد. ممکن است مخاطب ایرانی شیعه ای که کتاب را می خواند، آشنایی کمتری با مبانی مذهب اهل سنت داشته باشد و عدم توضیح مترجم، موجب جهت دهی ناخواسته ذهن او شود. به عنوان مثال در قضیه معروف «سُدُّ الْأَبْوَابِ» که درباره دستور قدسی پیامبر به بستن تمام درها به مسجد النبی بجز در خانه امام علی (ع) و حضرت زهرا (س) است، و از اقوال و حدیث های معتبر و متواتر اسلام است و شیعیان و اکثریت قریب به اتفاق اهل سنت به آن معترفند، آقای مقریزی متأسفانه روایت جعلی بعضی از اهل سنت و بکریه را در کتاب آورده و حدیثی را نقل کرده است مبنی بر اینکه پیامبر به بستن تمام درها بجز در خانه ابوبکر دستور داده است! در این مثال و چند مثال دیگر اینچنینی در کتاب، بهتر بود که مترجم محترم در پاورقی توضیح کوتاهی درباره جعلی بودن این روایت می داد تا مطلب، برای خوانندگانی که آگاهی کمتری نسبت به تاریخ اسلام دارند، روشن می شد. این توضیحات، قطعاً تعارضی با روح حاکم بر کتاب به عنوان یک کتاب تاریخی و غیرکلامی ندارد. امیدواریم نشر هرمس و مترجم، در چاپ های آتی این کتاب، چنین ویرایشی را بر کتاب اعمال کنند. ناگفته نماند که ترجمه کتاب، یک ترجمه روان و بدون دست انداز است و این خود به فهم هر چه بهتر مفاهیم کتاب کمک زیادی کرده است. فارغ از این نقد کوچک بحث تفاوت دیدگاه شیعه و سنی، کتاب «فرجام یک دشمنی» کتابی بسیار جامع، مدون، مرتب، متمرکز، پر بار و پژوهشگرانه درباره موضوع دشمنی دیرینه بنی هاشم و بنی امیه و تأثیر شگرف این دشمنی بر وقایع تاریخ اسلام است که بسیار سراسر است و بدون اضافه گویی و پیچ و خم های غیر لازم، مخاطب را به منظور خود می رساند و به سواد تاریخی او اضافه می کند.

مقدمات و اسباب نظری و تئوری خلافت، چه اخلاقی و چه دینی و اعتقادی را کنار می گذارد و به علل عملی و ظاهری این موضوع می پردازد. یکی از نقدهایی که به این کتاب وارد است و در مطالعه این کتاب همواره باید مورد توجه خواننده باشد، این است که مقریزی، از عالمان اهل

تسلط آنها بر حکومت را به صورت یک موضوع مشخص طرح کرده و به اسباب ظاهری و تاریخی این مسأله پرداخته است. این کتاب کم حجم با نام اصلی «النزاع والتخاصم فی مابین بنی امیه و بنی هاشم»، در میان تألیفات قدما در این موضوع یگانه است. مقریزی دخالت

که خواننده با مطالعه کتاب، تقریباً تمام آن چیزی را که مرتبط با موضوع است، متوجه می شود. ساده و سراسر است بودن کتاب، صفت متمایز آن محسوب می شود. ذکر این نکته لازم است که خواننده اگر مطالعات و معلومات قبلی درباره تاریخ اسلام نداشته باشد، میزان بهره مندی اش از این کتاب پایین خواهد بود. نویسنده کتاب، تقی الدین احمد بن علی مقریزی، حدود ۷۰۰ سال پیش در قاهره چشم به جهان گشود و گفته های تاریخی حاکی از آن است که قریب به ۲۰۰ عنوان کتاب نوشته است که اکثر آنها درباره تاریخ است. حدود ۳۰ عنوان از کتاب های او را امروزه مشخصاً می شناسیم. او در میان تاریخ نویسان قدیمی تنها مورخی است که مسأله غلبه بنی امیه بر بنی هاشم و

این کتاب، یک کتاب مدون و به گزین است؛ چرا؟ چون درباره موضوع مشخص خود، یعنی تاریخچه دشمنی بنی هاشم و بنی امیه، تمام منابع را جست و جو و بررسی کرده و هر آنچه لازم بوده را در یکجا به صورت تدوین شده و به ترتیب زمانی گردآوری کرده است



## وقتی «سرباز سردار» پایش را از قم بیرون می‌گذارد



در این اجرا که با حضور حجت الاسلام والمسلمین مصطفی محامی نماینده ولی فقیه در سیستان و بلوچستان و امام جمعه زاهدان و جمعی از سرداران سپاه، خانواده شهدا و مردم شهر برگزار شد. سالن اجرا، سالن بسیار بزرگی بود اما تمام صندلی‌های آن پر بود. در همین اجرا از ما دعوت شد که برای اجرا در آینده نزدیک به مشهد برویم.

گروه‌تان در این اجرا را هم معرفی فرمایید. سید مصطفی مقیمی، سید محمدرضا پیغمبری و خودم به ایفای نقش پرداختیم. همچنین میلاد قره‌داغی به عنوان دستیار کارگردان این گروه را همراهی کرد.

کمی هم درباره باشگاه تئاتر تجربه برای مان بگویند.

این فعالیت یک جریان بزرگ چه در حوزه آموزش و چه در حوزه فعالیت‌های تخصصی است و مدل قابل توجه و موفق است. این فعالیت حرکتی است که طی یک پروسه و با شکل‌گیری کارگاه اولین تجربه در واحد نمایش حوزه هنری قم آغاز شد و حالا بعد از گذشت سالیان هنجریان دوره‌های مختلف آن کارگاه فعالیت باشگاه را در قالب علمی و تخصصی در دست گرفته‌اند.

اعضای این باشگاه در حال حاضر جمعی از دوره‌دیدگان چندین دوره کارگاه تئاتر اولین تجربه هستند که به عنوان نسل جدید در تئاتر استان مشغول به فعالیت هستند.

از جمله فعالیت‌های این باشگاه انتشار نشریه تخصصی، ایجاد خانه عروسک، آماده‌سازی سالن تمرین، برگزاری ورک‌شاپ‌های تخصصی، برنامه‌ریزی برای حضور در جشنواره‌ها، تشکیل بانک اطلاعات هنجریان و صدور کارت شناسایی اعضای باشگاه، حمایت و پشتیبانی گروه‌های تئاتری وابسته به باشگاه و معرفی هنجریان به گروه‌های فعال در حوزه هنری نمایش از جمله فعالیت‌های این باشگاه بوده است.

تا بتوانیم نمایش رادر فضا و محوطه‌های باز اجرا برویم. اما بعد به اجرای صحنه‌ای آن هم فکر کردیم. تاکنون این اثربیشتر از ۱۰۰ اجرای خیابانی و صحنه‌ای در بوستان‌ها، جشنواره‌ها و سالن‌های مختلف در شهر قم داشته است.

مهمترین مشکلات در مسیر تولید این اثر چه بود؟ شما در مواجهه به این مشکلات چه کردید؟

خب قطعاً هر کاری پر از مشکلات است و طبیعتاً ما هم استثنا نبودیم، ولی واقعیتش ما هرگز در کارمان افتاد به نظر اول خود شهدا آن‌ها را برایمان باز کردند و دوم اینکه آقای احمد سلیمانی مسئول واحد نمایش حوزه هنری قم و آقای محمدرضا آزاد بسیار حمایت‌مان کردند. هر کجا در مسائل فنی به گرهی برخوردیم به این عزیزان مراجعه کردیم.

مهمترین ویژگی گروه شما که موجب موفقیت‌تان و دیده شدن کار در جشنواره‌های مختلف و استقبال توسط مخاطبان شده است، چیست؟

مهمترین ویژگی همدلی و رفاقت چندین ساله‌ای است که مادر باشگاه تئاتر تجربه با همدیگر داریم. شناخت و درک متقابل ما از یکدیگر. دوست داریم همینجا از بازیگران و دوستان عزیزم سید محمدرضا پیغمبری، سید مصطفی مقیمی و علی فهیمی که به من اعتماد کردند و مردانه پای کار ایستادند تشکر کنم. خدا را شکر که مزد زحماتشان را گرفتند و خوش درخشیدند.

کمی درباره اجرای اثرتان در ایران شهر بگویند.

پنجشنبه هفتم دی ماه ۱۴۰۲ نمایش «سرباز سردار» تولید شده در قالب همایش تجلیل از خادمین و موکب‌داران اربعین حسینی در سالن همایش دانشگاه ولایت شهرستان ابراهیم‌پور روی صحنه رفت.

آماده‌سازی آن چقدر زمان برد و چه سختی‌هایی در مسیر کارتان داشتید؟

نمایش «سرباز سردار» در حدود ۱۵ دقیقه اجرا می‌شود. مادر طول زمان یک ماه توانستیم این نمایش را آماده اجرا کنیم. در مسیر آماده‌سازی نمایش که هرگاه در این مسیر به مشکلی برخورد کردیم از خود حاج قاسم کمک خواستیم و حقیقتاً عنایت‌های شهدا و حاج قاسم برای ما گره‌گشا بود.

چه شد که به فکر تولید این اثر افتادید؟

کارهایی با موضوع شهدا و موضوعاتی از این دست، کارهایی دلی هستند. من به عنوان یک جوان معتقدم که صدقه سری همین شهدا و انتخاب این بزرگواران بوده که ما حالا در گروه‌های نمایشی کنار هم جمع می‌شویم. حقیقتش مدتی بود دوست داشتم کاری در مورد شهدا انجام بدهم تا اینکه متن این نمایش را استاد محمدرضا آزاد به من معرفی کردند و استاد احمد سلیمانی عزیز که هیچ وقت حمایت و کمک‌شان را از ما دریغ نکردند و حق‌پداری کردن ما بچه‌تئاتری‌های حوزه هنری قم دارند، گروه ما را راهنمایی و حمایت کردند تا این اثر برای اجرای عمومی آماده شود، در این بین جشنواره استانی دفاع مقدس با عنوان افلاکیان سر راه ما قرار گرفت و قسمت شد که کار را در این جشنواره ارائه کنیم، این آغازی بر دیده شدن نمایش «سرباز سردار» بود.

شما ابتدا نمایش سرباز سردار را در قالب نمایش خیابانی تولید کردید و بعد در سالن هم به روی صحنه بردید چه شد که کار را در قالب خیابانی کار کردین؟

مهمترین دلیلش پاندمی کرونا بود. این قالب به ما این امکان را می‌داد

«سرباز سردار» مدت‌هاست که در سراسر ایران می‌چرخد و روی صحنه می‌رود. نمایشی که سیر و سلوک یک قهرمان را روایت می‌کند؛ این نمایش درباره شهید قاسم سلیمانی است. آخرین و تازه‌ترین اجرای این اثر که توسط باشگاه تئاتر تجربه حوزه هنری استان قم تولید و آماده اجرا شده است، در دانشگاه ابراهیم‌پور با استقبال بی‌نظیر و ابراز احساسات تماشاچیان و حاضران روبه‌رو شد. با کارگردان و بازیگر این نمایش هومن پیری گفت‌وگویی درباره این اثر نمایشی و مدل باشگاه تئاتر تجربه داشته‌ایم که در ادامه می‌خوانید.

آقای پیری اصلاً چه شد که به سمت تئاتر رفتید؟

واقعیتش جواب این سؤال طولانی است اما کوتاه و مختصرش این است که برای اینکه بتوانم با زبان هنردغدغه‌های خودم را با دیگرانسان‌ها به اشتراک بگذارم، به تئاتر رو آوردم.

درباره داستان اثرتان «سرباز سردار» برایمان بگویند.

داستان نمایش درباره کرامت‌های شهید محمد حسین یوسف‌اللهی است که سردار سلیمانی قبل از شهادت خود وصیت می‌کند که پیکر ایشان را در جوار مزار این شهید در گلزار شهدای کرمان به خاک بسپارند.

کرامت‌های شهید محمد حسین یوسف‌اللهی بسیار زیاد بوده است، مطالعه زندگی این شهید بزرگوار برای ما بسیار جالب بود، ایشان پیشانی هر کدام از هم‌زمانش را که می‌بوسیده شهید می‌شد و حتی از نحوه شهادت برخی رزمندگان اطلاع داشت و در واقع عارف لشکر ۴۱ ثارالله به حساب می‌آمد.

داستان این نمایش در دو اپیزود روایت می‌شود. اپیزود اول به شهید یوسف‌اللهی، کرامت‌های این شهید بزرگوار و ماجرای وصیت سردار دل‌ها حاج قاسم سلیمانی می‌پردازد و اپیزود دوم، ماجرای حضور سردار سلیمانی را در کردستان عراق برای مقابله با داعش روایت می‌کند.

# زنان



در فضای فلسفه و کلام اسلامی مدرک حقیقی در انسان، نفس اوست و بدن ابزار و وسیله‌ای است که در دست نفس قرار گرفته است. طبق مبانی حکمت متعالیه نفس و بدن یک حقیقت هستند. طبق این اصول این سؤال به ذهن خطور می‌کند که آیا ادراک زنان و مردان می‌تواند در مواردی متفاوت باشد؟

## جنسیت نفس چیست؟ (۳)

### بررسی آثار جنسیت مندی نفس

زینب تاجیک

پژوهشگر مقیم پژوهشکده زن و خانواده



چنانچه در یادداشت‌های قبلی بیان شد، در فلسفه و کلام اسلامی حقیقت انسان، نفس یا ترکیب نفس و بدن است. چنانچه نفس انسان را عاری از تمام ویژگی‌های جنسیتی بدانیم، تفاوت‌های جنسیتی یا در حد بدن مادی تنزل خواهد کرد یا برساخته تربیت و آموزش و شرایط محیطی خواهد شد. این خوانش از جنسیت ممکن است با بسیاری از مبانی حکمت اسلامی سازگار نباشد. اما خوانش جنسیت محور از نفس نتایجی به همراه خواهد داشت که در ادامه برخی از آنها بیان می‌شود.

در فلسفه و کلام اسلامی جایگاه اخلاق، نفس انسان است، برخی از اندیشمندان این حوزه مانند ملامهدی نراقی، موضوع علم اخلاق را نفس آدمی دانسته‌اند؛ از آن جهت که خاستگاه فضایل و رذایل اخلاقی را نفس انسان بیان کرده‌اند و این نفس انسان است که آراسته به این فضایل خواهد شد. در صورتی که نفس انسان را از جهت جنسیتی جهت‌مند ندانیم، اختلافاتی که در دین برای زنان و مردان بیان شده است، صرفاً برساخته خواهد شد و نتیجه آن سیالیت این ویژگی‌هاست. البته قطعاً برخی از تفاوت‌ها متناسب با شرایط اجتماعی یا خانوادگی و... بوده است اما عدم جنسیت مندی نفس تمام این اختلافات را برساخته خواهد کرد و صحبت کردن از اخلاق جنسیتی سخت خواهد شد.

در میان فمینیست‌ها نیز دو دیدگاه کلی درباره نسبت جنسیت و اخلاق مطرح شده

است؛ برخی مانند لیبرال فمینیست‌ها به کلی منکر تأثیر جنسیت بر اخلاق شده‌اند و برخی دیگر از فمینیست‌ها خصوصیات اخلاقی را در مواردی جنسیتی می‌دانند.

خواجه نصیرالدین طوسی نسبت بسیار عمیقی بین تربیت اخلاقی و علم النفس قائل است تا جایی که علم النفس را مقدمه واجب تربیت اخلاقی می‌داند. در اندیشه او تربیت اخلاقی آراستن نفس به فضایل و زدودن رذایل از نفس است. از طرفی در این اندیشه، تربیت اخلاقی حاصل تعامل دوطرفه و دوسویه نفس و بدن است که مؤید نسبت نفس‌شناسی و تربیت اخلاقی از منظر اوست.

جنسیت مندی یا عدم جنسیت مندی نفس بر مباحثی که خواهی در باب تربیت اخلاقی مطرح کرده‌است، بسیار مؤثر خواهد بود. برای بررسی جنسیت مندی یا عدم جنسیت مندی تربیت اخلاقی گریزی از پرداختن به مباحث جنسیت و نفس نداریم.

از جمله امور دیگری که با عینک جنسیت و نفس قابلیت مذاقه بیشتری دارد، معرفت‌شناسی است. در فضای فلسفه و کلام اسلامی مدرک حقیقی در انسان نفس اوست و بدن ابزار و وسیله‌ای است که در دست نفس قرار گرفته است. طبق مبانی حکمت متعالیه نفس و بدن یک حقیقت هستند. طبق این اصول این سؤال به ذهن خطور می‌کند که آیا ادراک زنان و مردان می‌تواند در مواردی متفاوت باشد؟ یا قائل شدن به جنسیت مندی نفس این پرسش، پرسش مهمی خواهد شد که ارزش بررسی خواهد داشت. البته این سؤال نباید با دیدگاه برخی از فمینیست‌ها که اساساً علم را جنسیتی دانسته‌اند برابر پنداشته شود اما بررسی جنسیت و معرفت به صورت موجهه جزئی‌ه و نه موجهه کلیه از جمله مواردی است که می‌تواند براساس مبانی اسلامی بررسی شود.

بررسی احکام شرعی متفاوت زنانه و مردانه یا برخی از احکام اخلاقی یا موارد جنسیتی در دین اسلام نیز اگر با دقت تأثیر جنسیت بر نفس و حقیقت انسان مورد مذاقه و بررسی قرار گیرد، می‌تواند نتایج متفاوت و عمیق‌تری به همراه داشته باشد. در برخی از روایات جایگاه احکام متفاوت زنان و مردان نفس و روح آنها معرفی شده است که تحلیل این روایات نتایج بسیار جالبی به همراه خواهد داشت.

در پایان لازم به یادآوری است که صحبت کردن از جنسیت و نفس به هیچ عنوان به معنی دو نفس کاملاً متفاوت زنانه و مردانه نخواهد بود. زنان و مردان در عین اشتراکات بسیار زیاد که به بعد انسانی آنها فارغ از جنسیت اشاره دارد؛ در مواردی نیز از جهت جنسیتی تفاوت‌ها و اختلافاتی خواهند داشت.

اما این اختلافات بسیار عمیق و اثرگذار خواهد بود و صرفاً در بدن مادی آنها خلاصه نمی‌شود. همچنین صحبت از جنسیت- مندی اخلاق، تربیت اخلاقی و معرفت و... به معنی دو نظام کاملاً متفاوت اخلاقی و معرفتی نخواهد بود و زنان و مردان در عین اینکه تشابهات بسیار زیادی خواهند داشت اما در مواردی از نظر جنسیتی جهت‌مند عمل خواهند کرد.



برخی از اندیشمندان خاستگاه فضایل و رذایل اخلاقی را نفس انسان بیان کرده‌اند و این نفس انسان است که آراسته به این فضایل خواهد شد. در صورتی که نفس انسان را از جهت جنسیتی جهت‌مند ندانیم، اختلافاتی که در دین برای زنان و مردان بیان شده است صرفاً برساخته خواهد شد و نتیجه آن سیالیت این ویژگی‌هاست

برخی می‌اندیشند الگوی سوم به معنی زن دارای تحصیلات تکمیلی، چند فرزندی، فعال در تمام عرصه‌ها و... است که هریک از این مؤلفه‌ها را کسب کرد به زن بودن نزدیک‌تر شده است. اتفاقاً برعکس، زن انقلاب اسلامی در هیچ شابلون و قاعده تنگی نمی‌گنجد؛ بلکه دائماً در حال خلق کردن و شدن است

## عالمی از نو باید ساخت و از نو آدمی

خط بطلانی بردوگانه خانه و اجتماع به دست زنان

زهراسادات رضوی علوی  
کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه علامه



ونقش متفاوتی که به واسطه آن رقم می‌خورد، اشاره نمود. اینها تنها بخشی از تفاوت‌های روتین زندگی زنان هستند. از این رونمی‌توان نسخه واحد برای زنان جامعه پیچید که چنین و چنان باشید تا الگوی سوم شوید اما می‌توان از آنها انتظار داشت که با قدرت انعطاف و راهبری زنانه مسیر مؤثر بودن و تکلیف‌گرایی خود را پیدا کنند. در هر نقطه بسته به شرایط و امکانات خود برای اعتلای کشور قدم بردارند. بی تفاوت نبودن اولین گام برای زن مسلمان ایران است.

زن خلاق ایرانی نمی‌تواند پشت موانع بایستد و انگشت حسرت بگذرد که چرا راه گشوده نمی‌شود، نمی‌تواند منتظر باشد تا ساختارهای عریض و طویل، آگاهانه موانع را رفع کنند و یا ساختارهای اداری فرتوت و خاک‌گرفته‌ای که از پس مسائل خودش بر نمی‌آیند نمی‌توانند هوشمندانه راه را برای زنان بگشایند. پس به نظری رسد یک راه باقی می‌ماند. تسلیم نشدن! هر روز گلابه‌های مادران در خانه مانده را می‌شنویم که خودشان را وقف فرزندشان کرده‌اند اما نمی‌خواهند از تکلیف اجتماعی خود غافل شوند. از رنج انتخاب بین خانه و جامعه می‌گویند؛ از همراه نبودن ساختارهای اداری و شهری با زنان دارای فرزند. از نگاه سنتی و شرقی به زنان که آنها را خانه‌نشین می‌خواهد. از مدرسی که دختران را یا برای در خانه نشستن تربیت می‌کند یا برای کالابودگی. هر روز گلابه‌ها در صفحات مجازی و جلسات مطالبات زنان تکرار می‌شود.

آنها منتظرند اتفاقی بیفتد و محاسبات جامعه عوض شود. گره مسائل زنان همین جاست. نمی‌توان در خانه نشست و منتظر تغییر ذائقه جامعه بود. نمی‌توان انتظار داشت دیگرانی باشند که بار همه زنان را به دوش بکشند. تحول اجتماعی وقتی رقم بخورد که زنان برخیزند و با فرزندان‌شان به میدان بیایند. تحول وقتی رقم می‌خورد که ساختارهای اداری و اجتماعی توان خرید حمایت بیشتری دارد زنان را نداشته باشد. تحول وقتی رقم می‌خورد که زن، فرزندش را پایان خودش نداند بلکه آن را امتداد خودش در جامعه ببیند و از این رو شهرها، ساختارها را، جلسات را به حضور فرزندانش عادت دهد و البته که این راه سخت و طولانی است. دوگانه‌ها باید ابتدا در اذهان از بین برود تا در جامعه ناپدید شود؛ زمانی که روحیه استقامت و مقاومت نرم زنانه در ما احیا شود و با تمام وجود به میدان بیاییم. پایان این مسیر روشن است. پایان.

واژه‌ها در ذهن ما معنای می‌یابند. معنا تبدیل به حرکت می‌شوند و آنچه از ما رخ می‌دهد به این بازمی‌گردد که در ذهن ما چه می‌گذرد؟! ما بسته به آنکه زن انقلاب اسلامی رازن توانمند و مستعد بدانیم که موانع را هموار می‌کند یا پشت آن می‌ایستد و اظهار ناتوانی می‌کند می‌توانیم جلو برویم یا درجا بزنیم!

الگوی سوم زن، الگوی صلبی نیست که فرض کنیم شاخص‌هایی صلبی وجود دارند و همه باید خود را با آن شاخص‌ها تراز کنند تا زن انقلاب اسلامی باشند. برخی می‌اندیشند الگوی سوم به معنی زن دارای تحصیلات تکمیلی، چند فرزندی، فعال در تمام عرصه‌ها و... است که هریک از این مؤلفه‌ها را کسب کرد به زن بودن نزدیک‌تر شده است. اتفاقاً برعکس، زن انقلاب اسلامی در هیچ شابلون و قاعده تنگی نمی‌گنجد؛ بلکه دائماً در حال خلق کردن و شدن است. فقط باید در ذهنش بپذیرد که زن بودن با اصولی نظیر معنویت‌خواهی و رشد فردی، اثرگذاری، مسئولیت‌خانوادگی و اجتماعی و در متن حوادث بودن همنشین و همراه است. زن انقلاب اسلامی در افق بلندی به دنبال هدف خلقت است. او انسانی است که خلق شده تا در مسیر عبودیت حرکت کند و در هر لحظه بر تکلیف خود عمل نماید. فلذا زن مسلمان ایرانی راه خودش را از بین انبوه مسائل می‌یابد. بی‌شک ایفای نقش‌های خانوادگی برای زن بخشی از توان و انرژی او را به خود مشغول می‌کند اما نه ما و نه جامعه نباید بپذیریم که همان کافی است. زن در جامعه ما تکلیف سیاسی و اجتماعی دارد، همچنان که در برابر خانواده تکلیف دارد. فلذا راه برون‌رفت از دوگانه کاذب و غلط خانه و اجتماع را باید بیابیم.

بی‌شک زیست‌زنانه با چالش‌های متعددی همراه است. زندگی زنان طبقات اجتماعی و اقتصادی مختلف زیست‌مختلفی را رقم می‌زند. حتماً زنی که به لحاظ اقتصادی توان خرید حمایت بیشتری دارد با زنی که تمام بار زندگی بر دوش خودش هست، متفاوت است. زندگی زن شهری یا روستایی، نوع دغدغه‌ها، میزان امنیت و بسترهای اثرگذاری، تفاوت جدی با هم دارند چنان‌که گاهی در روستا اثرگذاری و نقش‌آفرینی به مراتب با بسترهای بیشتری همراه است و البته با امکانات کمتر، همچنین زن در زندگی حمایت‌گرانه از سمت خانواده در فعالیت‌های اجتماعی با زنی که از سمت همسر یا خانواده خود حمایت نمی‌شود شرایط متفاوتی را تجربه می‌کند، حتی باید به میزان سلامت جسمی و توان بدنی زنان



### ۱. چرا اگر نفس جنسیت‌مند نباشد به فرودستی زنان در امور معنوی منجر می‌شود؟

چنانچه توضیح داده شده، غالب افرادی که از عدم جنسیت‌مندی صحبت می‌کنند از بی‌جنسیتی در اکثر امور یا از یک جامعه آندروژنی طرفداری می‌کنند. اما آن‌چه که در واقعیت اتفاق می‌افتد یک جامعه مردساخته با ویژگی‌های مردانه است که به خصوصیات و ویژگی‌های زنانه توجه نکرده است. نتیجه این نگاه همسو نبودن مسائل مرتبط با سلوک معنوی با زنانگی خواهد بود و چون زنان نمی‌توانند با این ساختار همراه شوند نتیجه آن فرودستی زنان در امور معنوی نیز می‌تواند باشد.

### ۲. تفاوت روح با نفس در چیست؟ آیا اگر اجزای مادی و غیرمادی انسان را بخواهیم بیان کنیم تنها دو بخش نفس و بدن را شامل می‌شود؟

نفس و روح در نگاه فلسفی اکثر اوقات مترادف هم بیان می‌شود و در این نوشتار نفس در واقع روح تعلق گرفته به بدن مادی است و از حیث ارتباط و اتصالی که با بدن مادی دارد مورد کنکاش و مذاقه قرار گرفته شده است.

نفس مراتب مختلفی دارد که توجه به این مراتب در حوصله این یادداشت‌های کوتاه نبود، برای کسب اطلاعات بیشتر به کتب «جستارهای اعتقادی، نفس»، انتشارات مؤسسه معارف اهل بیت (علیهم السلام) و «رابطه نفس و بدن از دیدگاه ماصدر و کتاب و سنت» نویسنده محمد تقی یوسفی رجوع کنید. در فضای فلسفه اسلامی برای تبیین چگونگی ارتباط نفس و بدن از روح بخاری کمک گرفته شده است که واسطه نفس و بدن است. البته در حکمت متعالیه نفس، روح بخاری و بدن مراتب یک حقیقت هستند و اتحاد وجودی دارند.

### ۳. به نظر می‌رسد نویسنده محترم در پی اثبات جنسیت‌مندی نفس هستند. این نظر ایشان چقدر با نظر آیت‌الله جوادی آملی که در کتاب زن در آینه جمال و جلال آورده شده است تطابق دارد؟ به نظر می‌رسد ایشان نفس را فاقد جنسیت می‌دانند.

به نظر می‌آید اندیشمندانی مانند آیت‌الله جوادی آملی که به عدم جنسیت‌مندی نفس معتقدند، به تفاوت نفس در نشئه قبل از دنیا و در دنیا چندان توجه نکرده‌اند. و بین نشئه قبل از دنیای نفس و در دنیای نفس خلط کرده‌اند با توجه به این نکته مهم که بحث جنسیت‌مندی یا عدم جنسیت‌مندی نفس در ارتباط با نفس در نشئه دنیا بعد از تعلق به بدن و در حالی است که نفس تدبیر بدن مادی می‌کند، دلایلی که از آثار صدرا و آیات و روایات درباره نفس قبل از دنیا ذکر کرده‌اند نمی‌تواند بر عدم جنسیت‌مندی نفسی که به بدن مادی تعلق گرفته است دلالت کند و براهین و توضیحاتی بسیار مختصری که در این یادداشت برای اثبات جنسیت‌مندی نفس در حکمت متعالیه و از نظر سایر حکما بیان شد نشان می‌دهد که نفس در نشئه دنیا در حالی که تدبیر بدن مادی می‌کند نمی‌تواند از نظر جنسیتی جهت‌مند نباشد.



هر روز گلابه‌های مادران در خانه مانده را می‌شنویم که خودشان را وقف فرزندشان کرده‌اند اما نمی‌خواهند از تکلیف اجتماعی خود غافل شوند. از رنج انتخاب بین خانه و جامعه می‌گویند؛ از همراه نبودن ساختارهای اداری و شهری با زنان دارای فرزند. از نگاه سنتی و شرقی به زنان که آنها را خانه‌نشین می‌خواهد. از مدرسی که دختران را یا برای در خانه نشستن تربیت می‌کند یا برای کالابودگی. هر روز گلابه‌ها در صفحات مجازی و جلسات مطالبات زنان تکرار می‌شود.

جمعه

ایران

• مدیر مسئول: محمدحسن روزی طلب  
• سردبیر: محمدصادق علیزاده  
• معاون فنی: محمدملاعلی اکبری  
• دبیر تحریریه: ونوس بهنود  
• دبیران:  
• سید پویا هاشمی (گزارش و گفت‌وگو)  
• صادق رخ‌فرد (تاریخ)

• محمدعلی یزدانبار (کتاب)  
• آیه طائبی (زندگی)  
• فاطمه سادات رضوی (طنز)  
• فرناز اینانلو (زنان)  
• زینب فروزنده (زوم)  
• فاطمه کهربایی (فرهنگ)

• تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ شماره: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵  
• پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی  
• نشانی: تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸  
• صندوق پستی: ۱۵۸۷۵-۵۳۸۸  
• انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران:  
۸۸۵۴۸۸۹۲-۵

# زنان، حجاب تاریخ

روایتی از تحولات پوشش در ایران  
با بررسی کتاب «آن صخره مرجانی»

فاطمه محمودی  
خبرنگار حوزه زنان و خانواده



دسته‌ای از زنان و دختران دست به یک آشنایی زدایی عمیق از مفهوم زن زدند. آنها در جست‌وجوی هویت مستقلی برای خود بودند. زنانی که نه خود را در حد زن سنتی می‌دانستند و نه علاقه به زن مدرن شدن داشتند، حال در سپهر عمومی جای خود را به گونه‌ای بازمی‌کردند که حوزه‌هایی که زنان مدرن از آن خود می‌دانستند تسخیر می‌کردند

اگر علاقه دارید بار سفر ذهن خود را ببندید و بروید در دهه‌های گذشته سیر کنید و تغییر و تحولات تاریخ را ببینید؛ از طرفی هم به مباحث حوزه زنان علاقه دارید؛ شما را به سمت «آن صخره مرجانی» راهنمایی می‌کنم. «آن صخره مرجانی» نام کتاب محمد رضا امینی در مورد تحولات اجتماعی پوشش زنان ایران در پیش و پس از انقلاب اسلامی است که انتشارات ایران آن را منتشر کرده است. نویسنده با مطالعه

## سوغات فرنگی

نگاه به آثار و مستندات به جای مانده از هر دوره تاریخی می‌تواند ما را از تجربه زیسته مردم آن دوره در وقایع ریز و درشت با خبر کند. این کتاب با هر یادداشت و نامه‌ای که از مجله زن روز، اطلاعات بانوان، تماشا و... آورده است دغدغه‌های زنان آن زمان را پیش چشم مخاطب می‌آورد.

برای مثال همین که مخاطب متن‌های چاپ شده در مجلات دوره پهلوی را می‌خواند به وضوح می‌بیند که معیارهای دختر شایسته آن، چیزی جز زیبایی، خوش پوشی، خوش اندامی و صفات این چنینی نبوده است.

در دوره پهلوی کشف حجاب قرار بود بار ثابت کردن توسعه یافتگی و رهایی از عقب‌ماندگی ایران را به دوش بکشد. در زمانه‌ای که زنان چادری توسط مطبوعات سنتی، عقب مانده، خنگ و دست‌وپا چلفتی خوانده می‌شدند حاکمیت وقت تلاش می‌کرد زنان را وادار کند تا کمتر بپوشند و بیشتر موب‌بر باد دهند تا ظواهر مدرن‌نیت و فرنگ‌مآبی در شهر هویدا شود. شکاف میان فرهنگ سنتی و مدرن درد بزرگی بود که به دوپاره شدن هویت زنان نیز منجر می‌شد.

ورود مدرنیته، حضور اجتماعی زنان را اقتضا می‌کرد اما در نهایت از جایگاهی منفعل و نمایش اندام پا فراتر نمی‌گذاشت.

و جست‌وجو در چند صد هزار صفحه مطبوعات نیمه دوم پهلوی دوم و سال‌های اول انقلاب قطره قطره داده‌ها را جمع کرده و نتیجه کتابی با کلمات بنفش رنگ است که تحولات وضعیت زنان ایران را از انقلاب سفید شاه تا زمان دفاع مقدس روایت می‌کند. کتاب، تمرکز خود را بر پوشش زنان گذاشته است اما با خواندنش می‌توان تحولات حضور اجتماعی زنان، ساحت‌ها و نحوه حضور را هم فهمید.

## بازگشت به خویشتن

فصل دوم این کتاب از بازگشت به خویشتن می‌گوید، چیزی که کم‌گشته زن و جامعه ایرانی بود و حال بعد از گذشت تقریباً ۳۵ سال از کشف حجاب دوباره عده زیادی به آن روی می‌آوردند؛ حجاب و چادر.

دختران چادری در مدرسه‌ها درس می‌خواندند و زنان چادری پست‌های مدیریتی داشتند. حاکمیت نمی‌توانست با چکمه رضاخانی در برابر آنها بایستد و مهم‌ترین ابزار مطبوعات و رسانه‌ها بودند. در جریان این بازگشت به خویشتن نویسنده آمارهای فراوانی را جمع‌آوری کرده است که نشان می‌دهد سیر صعودی آمار رسانه‌های مذهبی، مراکز مذهبی، سازمان‌های مذهبی، هیأت‌ها و... چگونه بوده است. اما اختصاص دادن ۸ صفحه به آن زیادی مفصل به نظر می‌رسد و شاید خواننده بیشتر دوست داشت از همان نوسانات فرهنگی در حوزه حجاب بداند.

## انقلاب دختران

از اوایل دهه پنجاه رفته رفته وضعیتی در جامعه رقم خورده بود که اقبال مردم به مذهب و مظاهر آن از جمله چادر روزبه‌روز بیشتر می‌شد. این موضوع، حاکمیت را بر آن داشت تا از فضای بلاتکلیفی بیرون بیاید و در مواجهه با مقوله حجاب کنش داشته باشد؛ البته باز هم از تدارک سیاست‌گذاری دقیق

عاجز بود و پیشنهاد تحقیر چادری‌ها را داد. در همین بجه‌دسته‌ای از زنان و دختران دست به یک آشنایی زدایی عمیق از مفهوم زن زدند. آنها در جست‌وجوی هویت مستقلی برای خود بودند. زنانی که نه خود را در حد زن سنتی می‌دانستند و نه علاقه به زن مدرن شدن داشتند، حال در سپهر عمومی جای خود را به گونه‌ای بازمی‌کردند که حوزه‌هایی که زنان مدرن از آن خود می‌دانستند تسخیر می‌کردند.

حاکمیت از اینکه چادر و مفهوم آن دوباره قرار بود به متن جامعه برگردد احساس خطر می‌کرد و صاحبان قلم هم به بیان مضرات چادر و عده‌ای به تحقیر آن پرداختند. برخی نیز راه مصالحه را در پیش گرفتند؛ از جمله مجله زن روز که زمانی سردمدار نفی چادر و تشویق به بی‌حجابی بود.

اما اعتراضاتی که علیه او روانه شد اجازه نداد در آن بازه زمانی چادر را به رسمیت بشناسد بلکه راه جدیدی باز کرد و آن هم ارائه پیشنهادهای به عنوان جایگزین چادر بود. لباسی که هم پوشاندگی چادر را داشته باشد هم به قول تحقیرکنندگان چادر دست‌وپاگیر نباشد اما در این راه چندان موفق نبود.

## حجاب، نماد مبارزه انقلابی

یک سال مانده به انقلاب اسلامی در ۱۷ دی، سالروز کشف حجاب، جرقه تظاهرات علیه کشف حجاب زده شد و تظاهرات زنان همچنان پیش رفت تا به انقلاب اسلامی پیوند خورد. مطبوعات نیز با اینکه دچار شوک شده بودند اما کم‌کم ورق خود را به سمت این نهضت برگرداندند. حالا چادر نیز به نمادی برای اعتراض و ابزاری برای کنش تبدیل شده بود. چرخش زمین، ایران را به بهمن ۵۷ رسانده است و حالا در روزهای انقلاب دیگر مردم دعوای بین زن و مرد را جنگی زرگری بی‌ش نمی‌دانند و حجاب از مسأله بودگی خود دور می‌شود و جنس مسأله‌ها رنگ و بوی سیاسی می‌گیرد.

## سکانس آخر، زنان نهضت

فصل آخر کتاب نوسانات مسأله حجاب پس از پیروزی انقلاب را به تصویر می‌کشد. تظاهرات‌ها از سمتی دیگر شروع شد. این بار باد از سمت «نه به حجاب اجباری» وزیدن گرفت؛ سپس با سخنان رهبر انقلاب شعله‌های زیادی از این آتش خوابید؛ چرا که باز هم عده کثیر زنان با حجاب مخالف نبودند بلکه بیشتر می‌ترسیدند که انقلاب پای حضور در اجتماعی‌شان را قلم کند. با شروع پاکستانی وزارتخانه‌ها و ادارات توسط انجمن اسلامی، تظاهرات ضد حجاب جان دیگری گرفت اما به هر حال پرونده این تظاهرات تا پایان سال ۵۸ بسته شد.

کتاب تاریخ ایران به صفحه جنگ تحمیلی می‌رسد به قول نویسنده آغاز جنگ پایانی بود بر بسیاری از مجادلات سیاسی، فرهنگی و اجتماعی. جنگ برخی از مسأله‌ها را حل و برخی از صورت مسأله‌ها را هم پاک کرد. جنگ دغدغه‌های جدیدتر و جدی‌تری با خود آورد و پرونده نیمه باز حجاب را بست و کنار گذاشت. زنان ایرانی که نویسنده از آنان به عنوان زنان نهضت یاد می‌کند با حجاب به میدان رفتند و گره‌های بزرگی از ایران درگیر جنگ را باز کردند، چیزی که مطبوعات زمان پهلوی حتی تصورش را هم نمی‌کردند.

این یک سفر تاریخی بود اما اگر سری بچرخانیم در عصر حاضر هم مکتوبات آورده شده در کتاب برایمان غریب نیست. از شکاف بین زن سنتی و مدرن گرفته تا ایجاد جایگزینی برای چادر تا گفت‌وگوهای بین با حجاب‌ها و بی‌حجاب‌ها که گاهی جای خود را به جدل می‌دهد. خوب بود نویسنده از یافته‌هایش پلی می‌زد به این زمان و بیشتر خلأهای فرهنگی را به صورت‌توان سیلی می‌زد. نویسنده علت دوباره مسأله شدن حجاب در زمانه اخیر را از چشم افکار غربی می‌بیند و علاوه بر آن معتقد است الگوی زن انقلاب به خوبی معرفی نشده است. دو علتی که جای توضیح و تفصیلش در کتاب خالی به نظر می‌رسد.